

بازتایپ و پخش دیجتال:
انتشارات محسن
mohsinpubs.blogspot.com



تاریخ مختصر

حزب زحمتکشان ویتنام



«میان سرمایه‌داری و سوسیالیزم دره عمیقی است که باید با
خاکستر کمونیست‌ها پر شود. ما می‌خواهیم خاکستر این دره
باشیم.»

رفیق نگوین ای کوئک (هوشی مین)
کمونیست بزرگ و رهبر مبارز و خردمند ویتنام

فهرست

۴	مقدمه متن دیجتال
	قسمت نخست: مبارزه برای ایجاد حزب طبقه کارگر ویتنام، انقلاب اگست ۱۹۴۵،
۶	تأسیس جمهوری دموکراتیک ویتنام ۱۹۲۵-۱۹۴۵
۷	تبلیغ مارکسیزم - لنینیزم در ویتنام
۱۲	ایجاد حزب طبقه کارگر ویتنام
۱۶	شکوفایی انقلابی در سالهای ۱۹۳۰-۱۹۳۱
۲۰	فعالیت وسیع برای ایجاد جبهه دموکراتیک هند و چین (۱۹۳۹-۱۹۳۶)
۲۶	فعالیت وسیع به خاطر آزادی ملی در مرحله ۱۹۴۵-۱۹۳۹ و انقلاب اگست
۳۸	قسمت دوم: مبارزه به خاطر دفاع از استقلال ملی و حفظ حکومت توده‌ای و تحکیم آن ۱۹۵۴-۱۹۴۵
۳۹	مبارزه به خاطر برقراری و تحکیم قدرت توده‌ای
	مقاومت خلق در تمام سطوح و برای مدت طولانی علیه تجاوزکاران استعمارگر فرانسوی
۴۵	و پیروزی‌های اولین سالها
۵۴	کنگره دوم کشوری، تدارک برای تعرض متقابل عمومی
۶۰	پیروزی تاریخی دین بین فو و کنفرانس هند و چین در ژنو
۶۸	قسمت سوم: انقلاب سوسیالیستی در شمال و انقلاب دموکراتیک - ملی توده‌ای در جنوب ۱۹۶۵-۱۹۵۴
۷۵	تحقق برنامه سه‌ساله سوسیالیستی و آغاز تکامل اقتصادی و فرهنگی (۶۰-۱۹۵۸)
	سومین کنگره سرتاسری حزب، مشی عمومی حزب در دوره عبور به سوسیالیزم
۸۰	و انجام اولین نقشه پنج‌ساله (۶۵-۱۹۶۱)
۸۸	انقلاب دموکراتیک ملی توده‌ای در جنوب مبارزه جهت نگهداری قرارداد ژنو
	قسمت چهارم: تمام خلق به خاطر آزادی جنوب، دفاع از شمال و متحد کردن مسالمت‌آمیز دوباره کشور،
۱۰۱	علیه تجاوز امریکا مبارزه می‌کند. ۱۹۶۵-۱۹۶۹
۱۰۲	تصمیم به مبارزه با امریکایی‌ها و پیروزی بر آنها
۱۰۵	شکست جنگ نابودکننده امریکایی علیه شمال
۱۱۴	مقاومت مردم جنوب به مرحله نوبی می‌رسد
۱۲۸	جمع‌بندی

مقدمه متن دیجتال

تاریخچه «حزب کمونیست ویتنام» که بعداً به «حزب زحمتکشان ویتنام» تغییر نام داد درس‌های ارزشمندی برای تمامی انقلابیون جهان و بخصوص کشورهای تحت سلطه امپریالیزم و حکومت‌های پوشالی در بر دارد. این حزب تحت رهبری خردمندانه رفیق هوشی مین کمونیست‌های بزرگی را در دامانش پرورش داده، تحت شرایط خونین خلق ویتنام را به سوی پیروزی و شکوفایی سوق داد.

حزب زحمتکشان ویتنام طی مبارزات درخشان علیه تجاوز امپریالیزم جاپان، فرانسه و امریکا خلق آن کشور را بسیج نموده با قهرمانی تمام به این قدرت‌ها شکست عبرتناک داد. ایستادگی و مقاومت کمونیست‌های ویتنام در برابر جنگ نابرابر و جنایتکارانه امریکا و غلامان داخلی‌اش، که بسی بیشتر از تمام دوران جنگ دوم جهانی بر سر خلق آن کشور بمب‌های مدش و مواد کشنده کیمیاوی ریختند، از صفحات زرین تاریخ قرن بیستم به شمار می‌رود. طی این نبرد افسانوی، خلق آن کشور تحت لوای حزب پیشرو شان نیروهای اشغالگر امریکایی را با سرافکندگی و افتضاح از خاک کشور شان بیرون راندند که تا امروز کابوس این شکست خواب سردمداران کاخ سفید را نارام نگهمیدارد.

حزب هوشی‌مین، جنرال جی‌اپ، ترون شینه و دیگران با اتکا به بازوان پرتوان توده‌های ویتنام و کار توانفرسا و انقلابی توانستند به پیروزی‌های بزرگی دست یابند که آموزه‌های آن برای هر فرد عدالت‌خواه راهکشا و الهام‌بخش است. با تعقیب و آموختن از روحیه رزم‌جویانه و پیکار پرافتخار رفقای ویتنامی است که می‌توان به حقانیت و برنده‌گی مارکسیزم - لنینیزم - اندیشه‌مائوتسه‌دون پی برده با تکیه بر آن توده‌های افغانستان را در نبرد علیه اشغالگران امریکایی،

دست‌نشانندگان و چاکران بنیادگرا و غیربنیادگرایش بسیج و رهبری نمود.

«تاریخ مختصر حزب زحمتکشان ویتنام» در سال ۱۹۷۰ توسط «اداره انتشارات زبان‌های خارجی هانوی» منتشر شد که چند دهه قبل توسط رفقای ایرانی ترجمه و چاپ گردید اما امروز از کتاب‌های نایاب محسوب می‌گردد. به همین دلیل «انتشارات محسن» به ادامه تلاش برای پخش آثار مارکسیستی و مترقی به بازتایپ و انتشار آن مبادرت ورزید. در متن حاضر رویدادها تا سال ۱۹۷۰ درج گردیده اند اما در سال ۱۹۷۶ نسخه دیگری از آن به زبان انگلیسی در هانوی به چاپ رسیده که فصل دیگری حاوی پیروزی نهایی بر متجاوزان امریکایی و وحدت ویتنام شمالی و جنوبی را نیز در بر دارد که امیدواریم در چاپ‌های بعدی آنرا ترجمه و شامل متن نماییم.

از آنجاییکه چاپ نخست آن با امکانات ابتدایی صورت گرفته با نواقصی همراه بود، بنا در مواردی برای روان ساختن متن اصلاحات جزئی در آن وارد کردیم و برای خوانندگان افغان، نام ماه‌های عیسوی را با املاهای معمول در کشور خود تعویض نمودیم. در ضمن تمامی تصاویر با زیرنویس‌های آن از سوی «انتشارات محسن» به کتاب افزود گردیده اند.

در پخش وسیع این کتاب آموزنده و الهامبخش ما را یاری رسانید.



انتشارات محسن
Mohsin Publications

انتشارات محسن

mohsinpubs.blogspot.com

اسد ۱۳۹۶ (اگست ۲۰۱۷)

قسمت نخست

مبارزه برای ایجاد حزب طبقه کارگر ویتنام

انقلاب اگست ۱۹۴۵

تأسیس جمهوری دموکراتیک ویتنام

۱۹۲۵-۱۹۴۵

تبلیغ مارکسیزم - لنینیسم در ویتنام

حزب کمونیست ویتنام که اینک زحمتکشان نامیده می‌شود به تاریخ ۳ فبروری ۱۹۳۰ تشکیل گردید. این واقعه بزرگ، که جوابگوی خواست آزادی طبقه کارگر و خلق ویتنام بود، بیانگر یک ضرورت تاریخی بود. تاریخ ۴۰۰۰ ساله خلق ویتنام سرشار از سنت‌های برجسته مبارزه مصممانه علیه حاکمان ظالم و مبارزات آزادی‌بخش علیه تجاوزات خارجی می‌باشد. خلق ویتنام در سیر مبارزه به خاطر ساختمان و دفاع از میهن خیلی زود به آگاهی ملی دست یافت.

به هنگام تجاوز استعمارگران فرانسوی به خاک ما، طبقه مالکان ارضی فیودال - که توسط سلسله نگوین نمایندگی می‌شد - تسلیم گردید. خلق ما برعکس بارها به پاخاسته و علیه متجاوزین و خاینان دست به اسلحه برده است.

استعمارگران فرانسوی نزدیک به سی سال (۱۸۵۸-۱۸۸۴) کوشیدند تا دستگاه حکومتی خود را بنا نهند. هدف استعمارگران فرانسوی این بود که میهن ما را به بازار فروش اجناس خود تبدیل نموده مواد خام ما را به یغما برده، نیروی کار ما را به قیمت بی‌شرمانه‌ای استعمار نموده و خلق ما را مجبور نمایند که به مثابه گوشت دم توپ به خدمت آنها درآید. آنها رژیم فیودالی را حفظ می‌نمودند تا از آن به مثابه ابزار سرکوب و استثمار مردم استفاده نمایند. آنها به منظور نفاق بین مردم، کشور ما را به سه ky (منطقه) با سیستم‌های متنوع اداری و قانون‌گذاری تقسیم نمودند و سیاستی را که اعمال می‌نمودند متوجه این هدف بود که خلق ما را در جهالت نگهداشته و تحمیق نمایند.

امپریالیست‌های فرانسه کشور ما را به یک کشور مستعمره و نیمه‌فیودالی تبدیل

نمودند که در آن دو تضاد اساسی موجود بود: تضاد بین ملت ویتنام و امپریالیزم فرانسه، و تضاد بین خلق ویتنام - بطور عمده دهقانان - و طبقه مالکان ارضی فیودال. جامعه ویتنام فقط با از میان برداشتن این دو تضاد بود که می‌توانست در شاهره ترقی گام نهد.

ولی تا تشکیل حزب ما تمام جنبش‌های مقاومت علیه امپریالیست‌های فرانسه به شکست منجر گردید. تضاد بین ملت ما و متجاوزین نمی‌توانست حل شود، زیرا خلق ما هنوز مشی انقلابی منطبق بر دوران تاریخی نوین را - یعنی دوران امپریالیزم و انقلاب پرولتری - در اختیار نداشت، و زیرا که خلق ما از یک نیروی رهبری‌کننده که شرایط لازم برای رهبری ظفرنگون جنبش آزادی‌بخش ملی را دارا باشد، محروم بود.

طبقه مالکان بزرگ ارضی فیودال در مقابل امپریالیزم تسلیم شده بود، بورژوازی که دیر به وجود آمده بود و از طرف امپریالیزم سرکوب شده و تحت ستم بود، از نظر اقتصادی و سیاسی ضعیف بوده و خواست سازش با اشغالگران را داشت. دهقانان و خرده‌بورژوازی که همواره در جهت استقلال و آزادی می‌کوشیدند، در بن‌بست ایدئولوژیکی قرار داشتند. اگرچه طبقه کارگر قبل از بورژوازی به وجود آمده بود ولی تنها بعد از جنگ جهانی اول بود که توانست به نیروی سیاسی قابل توجهی تبدیل گردد.

انقلاب کبیر اکتوبر روسیه (۱۹۱۷) سرآغاز دوران نوینی در تاریخ بشریت بود - دوران نابودی سرمایه‌داری به دست سوسیالیزم در مقیاس جهانی - از این زمان جنبش‌های رهایی‌بخش ملی در کشورهای مستعمره و وابسته بخش تفکیک‌ناپذیری از انقلاب پرولتاریایی می‌باشد. در چنین شرایطی طبقه کارگر

ویتنام که تحت ستم سه‌گانه امپریالیزم فیودالی و استثمار بورژوازی کشور قرار داشت، و نماینده پیشرفته‌ترین نیروهای مولده بود، و از همه اینها گذشته در مرکز اقتصاد دشمن کار می‌کرد، طبیعتاً تنها طبقه‌ای بود که شرایط ضروری احراز قدرت سیاسی در تمام کشور را در بر داشت.

رفیق نگوین ای کوئک که بعداً بنام پرزیدنت هوشی مین مشهور شد، اولین ویتنامی بود که این شرایط طبقه کارگر ویتنام را کشف نمود. او در سال‌های ۲۰ قرن حاضر پس از اینکه مشی‌های انقلابی کشورهای مختلف شرق و غرب را مطالعه نمود، به این نتیجه رسید: "به خاطر اینکه بتوان مملکت را نجات داد و ملت را رهایی بخشید هیچ راه دیگری جز انقلاب پرولتری وجود ندارد." وی به تبلیغ مارکسیزم - لنینیسم در ویتنام پرداخته و طبقه کارگر را برای ایجاد حزبش آماده می‌نمود.

نگوین ای کوئک در جنبش کارگری فرانسه مبارزه نمود، در تشکیل حزب کمونیست فرانسه، در کنگره تورس دسامبر ۱۹۳۰ شرکت کرده و مصممانه به انترناسیونال کمونیستی پیوست. از آنجایی که او خیلی سریع به این نتیجه رسید که امپریالیزم دشمن مشترک طبقه کارگر و خلق‌های مستعمرات است، دقیقاً به پیوند بین انقلاب فرانسه و ویتنام پی برده و بر این مبنا از یک سو همبستگی خلق‌های مستعمرات فرانسه و از سوی دیگر همسویی طبقه کارگر و زحمتکشان فرانسه را به وجود آورد. در شخصیت وی آگاهی ملی و طبقاتی در هم جوش خورده بود. او میهن‌پرستی و انترناسیونالیزم پرولتری را در مفهوم واقعی خود منعکس نمود.

فعالیت انقلابی او، همچنین مقالاتی که وی در هومانیته (ارگان حزب کمونیست

فرانسه) در وی اوریه ارگان CGT و در پریا که خود وی موسس آن بود، منتشر کرد و همچنین آثار دیگر او بخصوص مقاله "رشد استعمار فرانسه" (۱۹۲۵) و "راه انقلابی" (۱۹۲۷) همه اینها در رشد انقلاب در داخل کشور تاثیر بسزایی داشت و میهن پرستان ویتنامی را به تحرک درآورد تا در راه مارکسیزم-لنینیزم گام بردارند.

از برکت کوشش وی مارکسیزم - لنینیزم و تاثیرات انقلاب اکتوبر، زنجیرهای آهنین استعمارگران فرانسه را از هم گسست و در ویتنام گسترش یافت. انقلابیون ویتنام به ویژه روشنفکران جوان انقلابی همچون تشنگانی که آب پیدا کرده باشند، مارکسیزم - لنینیزم را می پذیرفتند. معذالک برای آنها آسان نبود بینش‌های کهنه میهن پرستی را به نفع مارکسیزم - لنینیزم کنار بگذارند.

چنانچه حزب قبل از موعد معین ایجاد می‌شد، گذشته از اینکه این امر نشانه برداشت ناصحیح از چگونگی ایجاد حزب پرولتری می‌بود، انشعاب جنبش میهن پرستانه‌ای را که در حال توسعه بود، به دنبال می‌داشت. در این دوران کشور ما کشوری مستعمره و از نظر اقتصادی عقب مانده بود، که در آنجا نه در بین دهقانان، نه در خرده بورژوازی و نه حتی در بین خود طبقه کارگر هیچ گونه سنت سوسیالیستی وجود نداشت. لذا می‌بایست آنچنان سازمانی ایجاد شود که منطبق بر مناسبات تمام این طبقات بوده و توان آنرا داشته باشد که شرایط پیوند آنها را با مارکسیزم-لنینیزم آسان کرده و به آنها بیاموزد که مارکسیزم - لنینیزم را در مبارزه میهن پرستانه خود به کار بندند. این سازمان که خصلت گذار داشت- اتحادیه جوانان انقلابی ویتنام بود که آنرا رفیق هوشی مین و دیگر میهن پرستان در ۱۹۲۰ تشکیل دادند- هسته اصلی آن گروه کمونیست‌ها و هدفش ایجاد

حزب کمونیست ویتنام بود.

از سال ۱۹۲۴ به بعد مبارزه آزادی‌بخش ملی و مبارزه طبقاتی در ویتنام تشدید گردید. نیروهای انقلاب و ضد انقلاب برنامه‌های سیاسی خود را منتشر نمود تا از این طریق توده‌ها را به دور خود گرد آورند. اتحادیه جوانان انقلابی ویتنام با وجود غیرقانونی بودن و اقدامات تروریستی که از جانب ارتجاع متوجه وی بود ضربات خاینانه استعمارگران فرانسوی و دست‌نشانده آنها را دفع نموده و در عین حال علیه پیش ناسیونالیستی کوتاه‌نظرانه و رفرمیستی بورژوازی و خرده‌بورژوازی مبارزه موثری انجام می‌داد.

در سالهای ۲۷-۱۹۲۶ جنبش انقلابی بازهم رشد یافت. اتحادیه جوانان ویتنام با قدرت هرچه بیشتر تکامل می‌یافت. اعضای برخاسته از روشنفکران خرده‌بورژوازی از رهنمودهای سازمان خود تبعیت نموده و در معادن، کارخانه‌ها و پلانتاژها خود را پرولتریزه می‌کردند. آنها امر تبلیغ و ترویج را در بین توده‌های کارگری انجام می‌دادند، آنها را سازماندهی کرده، مبارزه آنها را به پیش می‌راندند و بدینوسیله به طبقه کارگر کمک می‌کردند تا به رسالت تاریخی خویش آگاهی یابند. همزمان با آن می‌کوشیدند خود را تغییر دهند تا به مبارزان انقلابی واقعی تبدیل شوند. بدین ترتیب جنبش کارگری در سالهای ۲۹-۱۹۲۸ رشد نموده و از مبارزه اقتصادی به مبارزه سیاسی تکامل یافت. در کنار نهضت کارگری، جنبش مبارزاتی دهقانان و خرده‌بورژوازی شهری در حال گسترش کامل خود بود. تمام این جنبش‌ها در یک مسیر قدرتمند واحد، یعنی آزادی ملی و دموکراسی، در سراسر کشور به هم آمیخته می‌شد.

اینک دیگر طبقه کارگر به یک نیروی سیاسی مستقل تبدیل شده بود. ایجاد

حزب کمونیست طبقه کارگر که بتواند تمام نیروهای میهن پرست و مترقی را به گرد خود جمع نموده، سازمان داده و رهبری نماید ضرورت مبرم انقلاب بود.

ایجاد حزب طبقه کارگر ویتنام

با توجه به رشد توفان آسای مبارزه توده‌ای در سراسر کشور، اتحادیه جوانان انقلابی ویتنام دیگر توان تضمین رهبری مبارزه را نداشت. زمان آن فرا رسیده بود که حزب سیاسی واقعی طبقه کارگر ایجاد شود، حزب کمونیستی که بتواند این وظایف را انجام دهد. بخش پیشرو اتحادیه جوانان انقلابی بر این ضرورت عینی به درستی معرفت یافت ولی رهبری آن به موقع و متحداً به این ضرورت پاسخ نداد. لذا از همان ابتدا امکان ایجاد حزب کمونیست واحدی نبود. بجای آن از درون اتحادیه جوانان انقلابی ویتنام در سازمان کمونیستی بیرون آمدند: حزب کمونیست هند و چین و حزب کمونیست آنام. این باعث شد که حزب انقلابی ویتنام نوین - حزبی میهن پرست و مترقی - خود را بعنوان اتحادیه کمونیستی هند و چین تجدید سازمان دهد.

بدین ترتیب از اواسط سال ۱۹۲۹ سه سازمان کمونیستی در ویتنام موجود بود. این پراکندگی تنها مدت زمانی کوتاهی دوام داشت، زیرا مبارزات نیروهای میهن پرست، مشخصاً دهقانان و کارگران، بسرعت تحت پرچم مارکسیزم - لنینیسم در جهت یک جنبش دموکراتیک ملی متحد می شدند، جنبشی که احتیاج مبرم بر رهبری حزب واحد کمونیست داشت. رفیق هوشی مین با در نظر داشت چنین شرایط در سوم فیبروری ۱۹۳۰، در سمت خود بعنوان نماینده انترناسیونال کمونیستی، با بینش متحد نمودن نیروهای کمونیستی ویتنامی در یک حزب کمونیست ویتنام، گروه‌های مختلف کمونیستی را دعوت به کنفرانسی در کولون

(در نزدیکی هنگ کنگ - چین) نمود.

این کنفرانس که به خاطر تشکیل حزب کمونیست ویتنام فراخوانده شده بود، عملاً اهمیت یک کنگره حزبی را داشت. کنفرانس برنامه سیاسی و چهارچوب استراتژی پیشنهادی رفیق هوشی مین را تصویب نمود. این اولین اسناد مختصر، که مختصر بودنش از اهمیت آن در بیان خطوط اصلی انقلاب ویتنام نمی‌کاست، می‌بایستی بعدها به عنوان پایه تدوین تزه‌های سیاسی کمیته مرکزی حزب از آن استفاده می‌شد. این مشی بیان می‌داشت که به خاطر سرنگونی امپریالیست‌ها و فیودالیزم و برای تبدیل ویتنام به کشوری کاملاً مستقل، کشوری که می‌بایستی در جهت سوسیالیزم و کمونیزم حرکت کند، ابتدا باید انقلاب بورژوا-دموکراتیک و انقلاب ارضی انجام گیرد.

به خاطر تضمین موفقیت این مشی سیاسی لازم بود قبل از هر چیز حزب طبقه کارگر را ایجاد نمود، ارتش کارگری و دهقانی را تشکیل داد، به اتحاد کارگران و دهقانان تحقق بخشید، جبهه واحد ملی را برپا داشت و همبستگی بین انقلاب ویتنام و جنبش انقلابی جهانی را به وجود آورد. علاوه بر این، کنفرانس تصمیم گرفت که سازمانهای توده‌ای از قبیل سندیکا‌های سرخ، اتحادیه سرخ دهقانان، سازمان جوانان کمونیست، اتحادیه آزادی زنان، کمک‌های سرخ، و اتحادیه ضد امپریالیستی (یعنی جبهه واحد ملی ضد امپریالیستی) در ویتنام به وجود آورد. تأسیس حزب کمونیست ویتنام نقطه عطفی بود در تاریخ انقلاب ویتنام و سرآغاز دوران نوینی را بشارت می‌داد، دورانی که انقلاب توسط طبقه کارگر و پیشاهنگ انقلابی، یعنی حزب مارکسیستی-لنینیستی رهبری می‌شد.

طبقه کارگر ویتنام که از نظر کمی بزرگ نبوده ولی نسبتاً متمرکز می‌باشد،

طبقه‌ای است هماهنگ بدون آریستوکراسی کارگری که در حیطة نفوذ رفرمیزم قرار ندارد. علاوه بر این دهقانان در سمت آنان قرار داشته و نزدیک‌ترین متحد آنها به حساب می‌آیند، متحدینی که نهایت مورد اعتماد بوده و سرشار از روحیه مبارزه‌جویانه می‌باشند.

کارگران و دهقانان مهم‌ترین نیروی انقلابی ملت ما را تشکیل می‌دهند، ملتی قهرمان با سنت‌های مبارزه پیگیر و بی‌امان. و این خود زمینی است حاصل‌خیز برای کشت و ریشه دوانیدن مارکسیزم-لنینیسم در میان توده‌های مردم ما. این خصوصیات طبقه کارگر و ملت ویتنام به حزب ما علی‌رغم جوان بودن آن، خصلت یک حزب طراز نوین انقلابی طبقه کارگر بخشید و باعث گردید که به سرعت به مثابه تنها رهبر جنبش میهن‌پرستانه ویتنام درآید.

در اکتوبر ۱۹۳۰ اولین پلنوم کمیته مرکزی تصمیم گرفت نام حزب را حزب کمونیست هند و چین بنامد، این پلنوم تزه‌های سیاسی تدوین شده توسط دبیر اول حزب رفیق تران‌فو را پذیرفت. در این تزه‌ها تاکید می‌گردید که در دوران امپریالیزم و انقلابات پرولتری و بعد از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر در اتحاد شوروی، انقلاب ویتنام بخش تفکیک‌ناپذیر انقلاب جهانی پرولتری می‌باشد. این انقلاب می‌بایستی دو مرحله را پشت سرگذارد، که مرحله اول آن عبارت بود از انقلاب بورژوا-دموکراتیک تحت رهبری طبقه کارگر، در جهت سرنگونی امپریالیست‌ها و فیودالیزم به خاطر کسب استقلال ملی و واگذاری زمین به کسانی که بر روی آن کار می‌کنند. مبارزه ضد امپریالیستی و مبارزه ضد فیودالی در پیوند فشرده با یکدیگر هستند. کارگران و دهقانان نیروی عمده انقلاب می‌باشند. حزب باید به اتحاد کارگران و دهقانان تحقق بخشیده و به ابزار قهر

انقلابی توده‌ها متوسل شده تا بالاخره قیام برای احراز قدرت را برپا نماید.

بعد از اینکه این وظایف بطور عمده تحقق یافت، انقلاب وارد مرحله دوم خود می‌شود که عبارت است از سوق بلافاصله ویتنام بسوی سوسیالیزم بدون گذار مرحله سرمایه‌داری.

شرط اصلی پیروزی، وجود حزب حزب کمونیستی است که اساس ایدئولوژیک آن مارکسیزم-لنینیسم باشد، برای انجام پیروزمند انقلاب مشی سیاسی صحیحی را تدوین نماید، تشکیلات آن بر مبنای مرکزیت دموکراتیک استوار باشد، انضباط آهنین در آن حکمفرما گردد، در پیوند فشرده با توده‌ها بوده و در مبارزه انقلابی رشد نماید.

تزه‌های سیاسی حزب دارای اهمیت تاریخی می‌باشد. طبقه کارگر و خلق ویتنام برای اولین بار دارای برنامه‌ای برای انقلاب بورژوا-دموکراتیک طراز نوین بود، که دقیقاً بیانگر قانونمندی عینی جامعه مستعمره و نیمه فیودال ویتنام بوده و با احتیاجات مبرم خلق ویتنام مطابقت می‌نمود.

از این زمان به بعد کمونیست‌های ویتنام در مبارزه به خاطر برطرف نمودن نظراتی که تضاد طبقاتی را انکار می‌نمودند سلاح برنده‌ای در دست داشتند. از این طریق کارگران و دهقانان ما می‌توانند خود را از نفوذ و تاثیرات منحط‌کننده ناسیونالیزم رفرمیستی، تحریکات و تخریبات ترس‌کیزم و ناسیونالیزم خرده‌بورژوازی راست برهانند. حزب ما با تزه‌های سیاسی خود پرچم استقلال ملی و دموکراسی را برافراشته نگهداشت و رهبری واحد طبقه کارگر در انقلاب را قویاً حفظ نمود.

شکوفایی انقلابی در سالهای ۱۹۳۰-۱۹۳۱

حزب ما در زمانی متولد شد که بحران شدید اقتصادی سرمایه‌داری در سرتاسر ویتنام گسترده شده و تمام منطقه هند و چین را در زیر فشار داده بود. امپریالیزم فرانسه بار تمام این بحران را بر دوش خلق ما نهاده بود. کارگران و دهقانان قربانیان مستقیم بحران سرمایه‌داری شده و بیش از همه مورد ستم قرار می‌گرفتند.

کشور ما در خلال سالهای ۲۹ تا ۱۹۳۳ مرتباً دچار آفات و بلایای طبیعی می‌شد، طغیان آب‌ها و خشک‌سالی پشت سر هم اتفاق می‌افتادند. دهقانان خانه‌خراب شده و فقر و بدبختی تمام شئون زندگی آنها را در هم کوبیده بود. بیکاری رو به فزونی نهاد. بورژوازی ملی و خرده بورژوازی ورشکست شدند. شرایط زندگی تمام اقشار مردم بطور بارزی رو به خرابی می‌رفت. بحران اقتصادی، تشدید استثمار توسط استعمارگران و تشدید سیاست ترور سفید قبل و بعد از قیام ین‌بای (که توسط حزب ناسیونالیست ویتنام در ۱۱ فبروری ۱۹۳۰ برپا گردیده بود) باعث تشدید تضاد بین خلق ویتنام و امپریالیزم فرانسه شد. همه این مسایل برای حزب ما شرایط مساعدی بودند به خاطر سازمان‌دهی و انجام یک جنبش انقلابی در مقیاس وسیع علیه ترور سفید و برای آزادی مبارزان زندانی و بهبود شرایط زندگی خلق.

این جنبش با اعتصاب سی هزار کارگر پلانناژ لاستیک‌سازی فورینگ در کوچین چین نام‌بو (فبروری ۱۹۳۰)، اعتصاب چهار هزار کارگر پنبه پاک‌کنی نام‌دینه در باک‌بو (مارچ ۱۹۳۰) و اعتصاب چهارصد کارگر چوب‌بر کارخانه گوگردسازی بن‌توی در ترونک‌بو (اپریل ۱۹۳۰)، شروع شد. شدت جریان انقلابی به‌ویژه از

اول ماه می ۱۹۳۰ در سراسر کشور گسترده شد. از کارخانه های صنعتی هانوی هایفون، نام دینه، هونگی، کام فای، وینه، ین توی، سایگون، چون لون و غیره تا مناطق روستایی تای بینه، ها نام در شمال ویتنام، نگه آن، هاتینه و کو آن نگی در مرکز ویتنام، گیا دینه، خولون، وینه لون، سودک، بن تری، لون ایکسوین، کان تو، تراوینه تود اوموت و می تو در جنوب (هام بو).

در سراسر کشور ما صدها اعتصاب کارگری، هزاران تظاهرات دهقانی، میتینگ های متعدد، اعتصابات بی شمار مدارس و تجار و غیره به وقوع پیوست. این جنبش مبارزاتی آگاهانه توده های کارگر، دهقان و خرده بورژوازی، مبارزه ضد امپریالیستی را بطور فشرده با مبارزه ضد فیودالی پیوند داده و هرگونه نفوذ ناسیونالیزم رفرمیستی بورژوازی را قطع نمود.

ایجاد شوراها در نگه تینه نقطه اوج این نهضت بود. تحت فشار توفان آسای انقلابی توده ها قدرت امپریالیست و مالکان فیودال در چندین منطقه روستایی آستان نگه آن و هاتینه درهم فروریخت. کمیته اجراییه دهاقین روستا که تحت رهبری واحدهای حزبی قرار داشت، اداره سیاسی و اجتماعی این مناطق را به دست گرفت و بدین طریق حکومت خلق از نوع شوروی را برقرار نمود. خلق ما برای اولین بار حقیقتاً در بعضی مناطق قدرت محلی را بدست گرفت. شوراهاى نگه تینه، علیرغم مدت کوتاه موجودیت شان ضد انقلابیون را مصممانه سرکوب نمود و مالیات هایی را که امپریالیست ها و فیودال ها برقرار نموده بودند از میان برداشت. همزمان با آن آزادی های دموکراتیک خلق را مستقر ساخته مزارع برنج و زمین های محلی را میان دهاقین تقسیم کرده، مالکان بزرگ را مجبور نموده تا بهره مالکانه را پایین آورند و اجاره زمین را ملغی سازند. شوراها مردم را تشویق

می نمودند تا کوئک نگو (خط ملی اصلاح شده) را آموخته و با اعتقادات و عادات کهنه مبارزه نمایند.

شکوفایی انقلابی تاریخی و پراهمیت سال‌های ۳۱-۱۹۳۰ و شوراهای نگه تین اولین آزمایش عمومی برای خلق ما بود که می‌بایست به پیروزی انقلاب اگست منجر شود. مشی انقلابی دموکراتیک و ملی حزب با شعارهایش مبنی بر "استقلال ملی" و "زمین مال کسی است که روی آن کار می‌کند" حزب را به سرچشمه اعتماد و امید توده‌های خلق تبدیل نمود. در جریان این موج انقلابی حزب ما مستحکم و آبدیده‌تر گردید. حزب ما در اپریل ۱۹۳۱ به عنوان شعبه انترناسیونال به رسمیت شناخته شد.

شکوفایی انقلابی سال‌های ۳۱-۱۹۳۰ و تشکیل شوراهای نگه تینه ثابت نمودند که تنها طبقه کارگر ویتنام و پیشاهنگان حزب کمونیست هند و چین توان رهبری انقلاب دموکراتیک ملی را دارد. آنها همچنین ثابت نمودند که تحت رهبری حزب، طبقه کارگر و دهقانان با سایر قشرهای مردم متحداً قادرند سلطه امپریالیست‌ها و فیودال‌ها را سرنگون کرده و حکومت انقلابی خلق را مستقر نمایند. متد بکار بسته شده برای رسیدن به این هدف بکار بستن قهر انقلابی توده‌ها بود.

امپریالیست‌های فرانسه که در اثر وسعت نهضت خلق و نفوذ در حال فزون حزب ما به وحشت افتاده بودند، خود را مجبور دیدند به وحشیانه‌ترین اقدامات تروریستی دست بزنند، به این امید که جنبش انقلابی را سرکوب نموده حزب را نابود سازند. ارگان‌های متعدد رهبری حزب نابود شدند، ده‌ها هزار نفر از کادرها، اعضای حزب و مبارزان میهن‌پرست دستگیر، اعدام و یا زندانی شدند.

از اواسط سال ۱۹۳۱ جنبش دچار ضعف گذرای شد. حزب و توده‌ها با وجود مشکلات فراوان، اعتماد خود را نسبت به دورنمای روشن انقلاب حفظ نمودند. روحیه مبارزه‌جویانه، قهرمانانه، سرسختانه و خدشه‌ناپذیر کادرها و اعضای حزب و توده‌های انقلابی اعتبار عظیمی به انقلاب در کشور و حتی در خارج از کشور بخشید.

در سال ۱۹۳۱ حزب برنامه عمل خود را، که متمم تزه‌های سیاسی بود، تدوین نموده و نزدیک‌ترین وظایف مشخص خود را تعیین و اشکال و متدهای مبارزه را با شرایط نوین تطبیق داد.

به شکرانه وفاداری و خلوص اعضای حزب که با اقدامات تروریستی دشمن مقابله کردند، حزب توانست پیوند فشرده خود را با توده‌ها حفظ نماید. حزب از یکسو می‌کوشید تا تشکیلات مخفی خود را مستحکم نماید و از سوی دیگر فعالیت‌های قانونی و غیرقانونی خود را بهم پیوند داده و از امکانات علنی به منظور تبلیغ و ترویج در مطبوعات، ادارات شهری و مستعمراتی و غیره استفاده نماید.

کادرها و اعضای حزبی زندانی شده به خاطر بهبود شرایط زندان، علیه ترور و جنایت، مکرراً دست به مبارزه می‌زدند. آنها سیاهچال‌های امپریالیست‌ها را به مدارس انقلاب تبدیل نموده و از مبارزات گذشته درس می‌گرفتند تا اینکه این آموزش‌ها را به اطلاع سازمانهای اصلی حزب در خارج برسانند. احزاب برادر بویژه احزاب شوروی، چین و فرانسه در این سال‌های سخت با تمام نیرو به حزب ما کمک می‌نمودند.

از سال ۱۹۳۳ به بعد نهضت انقلابی دوباره قدم بقدم نضج می‌گرفت. در سال ۱۹۳۴ یک ارگان رهبری حزبی در خارج از کشور به وجود آمد و موظف شد ارگان‌های احیاشده حزبی در درون کشور را متحد نموده، کادرهای رهبری‌کننده تربیت کرده و اولین کنگره حزبی را تدارک بیند. این کنگره در مارچ ۱۹۳۵ در ماکائو (چین) تشکیل گردید. فعالیت رهبری حزب و کار کنگره باعث گردید تا وحدت سازمان‌های حزبی درون کشور تحت رهبری کمیته-مرکزی عملی گردد.

جنبش انقلابی آن شرایط لازمی را به وجود آورد که بتواند تحت آن بیک جریان پرتوان نوین تبدیل شود.

فعالیت حزب ما و جنبش انقلابی در ویتنام ثابت نمودند که حزب ما علی‌رغم ترور سفید اعمال شده از طرف استعمارگران، می‌تواند پا بر جا مانده و مبارزه را ادامه دهد. حزب کمونیست هند و چین پیش‌آهنگ غیر قابل انکار پرولتاریای هند و چین بود. تنها یک جنبش حزبی می‌توانست تشکیلات خود را تجدید سازمان داده، پیوند خود را با خلق حفظ کرده، ادبیات خود را مخفیانه توزیع نموده و مبارزه کارگران و دهقانان را رهبری نماید. حزب ما تنها نیروی رزمنده و سازمان‌دهنده انقلاب هند و چین بود.

فعالیت وسیع برای ایجاد جبهه دموکراتیک هند و چین (۱۹۳۹-۱۹۳۶)

بحران اقتصادی اردوگاه امپریالیزم در خلال سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳ و بی‌ثباتی ناشی از آن، تضاد‌های اجتماعی را تشدید نموده و شرایط را برای رشد جنبش

انقلابی مساعد نمود. به خاطر مقابله با مبارزات توده‌ای، بعضی از کشور های امپریالیستی آزادی های بورژوا-دموکراتیک را از بین برده و به شیوه‌های دیکتاتوری فاشیستی متوسل شدند. فاشیست‌های آلمانی - ایتالیایی و جاپانی به مثابه نیروهای مقتدر آن بوده و با التهاب هرچه بیشتر برای تقسیم مجدد دنیا و حمله و نابودی اتحاد شوروی، مهد انقلاب جهانی، جنگ را تدارک می‌دیدند.

با حرکت از چنین شرایطی هفتمین کنگره انترناسیونال کمونیستی (جولای ۱۹۳۵) تصمیم گرفت که هدف بلاواسطه احزاب کمونیستی و طبقه کارگر مبارزه به خاطر سرنگونی سرمایه‌داری و استقرار سوسیالیزم نبوده، بلکه مبارزه علیه فاشیزم، به خاطر دموکراسی و صلح می‌باشد. احزاب کمونیست می‌بایستی نیروهای طبقه کارگر را متحد نموده و در هر کشوری جبهه وسیعی را از خلق تشکیل داده که احزاب و گروه‌های میهن‌پرست و دموکرات و اقشار مختلف مردم را بدور خود گرد آورده تا بدینوسیله در مقابل فاشیزم این نزدیک‌ترین و عمده‌ترین دشمن، وحدت عمل به وجود آورند. در فرانسه جبهه خلق که ستون فقرات آنرا حزب کمونیست تشکیل می‌داد در انتخابات عمومی ماه می ۱۹۳۶ پیروز شد. حکومت جبهه خلق قدرت را بدست گرفت. این واقعه بر اوضاع سیاسی کشور ما تاثیر مستقیم گذاشت. همه اقشار مردم، حتی بورژوازی ملی و شخصیت‌های دموکرات فرانسه تحت تاثیر تکان‌های بحران اقتصادی و فشارهای سیاسی اعمال شده توسط امپریالیست‌های فرانسه، خواستار تغییرات دموکراتیک بودند.

با حرکت از این اوضاع و با تکیه بر مصوبات هفتمین کنگره انترناسیونال کمونیستی اولین پلنوم کمیته مرکزی حزب ما در تابستان ۱۹۳۶ هدف انقلاب

هند و چین را در این مرحله تعیین نمود.

انقلاب می‌بایست در صف جبهه جهانی مبارزه به خاطر دموکراسی و صلح قرار گرفته، تا بدینوسیله علیه فاشیزم و جنگ تجاوزکارانه فاشیستی مبارزه نماید. حزب تصمیم گرفت موقتا از شعار: "مرگ بر امپریالیزم فرانسه" و "ضبط مزارع برنج و املاک بزرگ جهت تقسیم بین دهقانان" چشم پوشی نموده و جبهه ضد امپریالیستی خلق در هند و چین را تشکیل داد.

از آنجا که این شکل تشکیلاتی جبهه نه امکان مزربندی در صفوف فرانسویان مقیم هند و چین را می‌داد و نه می‌توانست فاشیست‌های جنگ‌طلب و ارتجاعیون استعمارگر را منفرد سازد، لذا بالاخره جبهه ضدامپریالیستی خلق به جبهه دموکراتیک هند و چین تبدیل گردید. این جبهه تمام نیروهای مترقی و دموکراتیک را علیه این نزدیکترین دشمن اصلی خود یعنی فاشیست‌های فرانسوی و ارتجاعیون استعمارگر در برمی‌گرفت تا علیه تجاوز فاشیستی و به خاطر آزادی‌های دموکراتیک، بهبود شرایط زندگی خلق و همچنین برای برقراری صلح جهانی مبارزه کنند.

با توجه به شکل تشکیلاتی و سبک مبارزه، کمیته مرکزی حزب تصمیم گرفت که از تمام امکانات علنی و نیمه علنی برای ترویج و سازماندهی توده‌ای استفاده کند. همچنین هم‌زمان با آن تصمیم گرفت که تشکیلات مخفی حزبی را تقویت و رشد داده، مبارزه علنی و نیمه علنی را با هم تلفیق دهد تا از این طریق سازمان حزب و جبهه دموکراتیک رشد نماید و جنبش مبارزه توده‌ای با تمام نیرو به پیش رود.

رفیق له هون فون کاندیدای کمیته اجراییه انترناسیونال کمونیستی به ویتنام فرستاده شد تا با همکاری مستقیم کمیته مرکزی جنبش را رهبری نماید. رفیق نگوین ای کوئک که در این زمان در خارج بسر می‌برد، سیر جریان فعالیت‌های دموکراتیک را که در داخل کشور انجام می‌گرفت تعقیب نموده و رهنمودهای مشخص و کاملاً دقیقی می‌داد. او در این شرایط به خاطر تامین پیروزی انقلاب تصمیم گرفت که هم خود را مصروف ایجاد یک جبهه وسیع دموکراتیک ملی نماید.

از آنجا که از نقطه نظر تروتسکیست‌ها هیچ‌گونه سازش و هیچ‌گونه امتیازی مجاز نبود، می‌بایست آنها را به هر قیمت که شده به عنوان جاسوس فاشیزم افشاء کرده و از نظر سیاسی طرد نمود.

برای اجرای این وظایف، حزب می‌بایست لاینقطع علیه گرایش فراکسیونیزم مبارزه نموده و آموزش سیستماتیک مارکسیزم - لنینیزم را سازمان دهد تا از این طریق به بالا بردن سطح آگاهی سیاسی و فرهنگی اعضاء کمک نماید.

تحت رهبری حزب، جنبش توده‌ای اوج نوینی گرفت که مبداء آن کار تبلیغاتی وسیع به‌خاطر سازمان‌دهی کنگره هند و چین بود. به خاطر گوش فرا دادن به خواست‌های خلق و تقاضای انجام یک سری رفرم‌های دموکراتیک و بهبود شرایط زندگی مردم از حکومت جبهه خلق فرانسه، همه جا کمیته‌های سازمانده فعالیت‌ها، جلسات بحث و میتنگ‌ها سازمان داده می‌شد. در زیر فشار جنبش توده‌ای در فرانسه و هند و چین تعداد زیادی از زندانیان سیاسی آزاد شدند و خیلی از روزنامه‌های حزب و جبهه دموکراتیک هند و چین و اتحادیه دموکراتیک جوانان بطور علنی منتشر شدند. حزب می‌کوشید با گروه‌های سیاسی خرده

بورژوازی و عناصر روشنفکر بورژوا و با دیگر جناح‌های دموکراتیک در مورد مسایل مشخص و معین با بخش هند و چین حزب سوسیالیست فرانسه، وحدت عمل مشترک داشته باشد. از اواسط سال ۱۹۳۶ تا سال ۱۹۳۹ مبارزه توده‌ای در هند و چین در سطح و عمق رشد نمود.

در شهرهای بزرگ و مناطق صنعتی اعتصابات و میتنگ‌هایی برگزار گردید بخصوص در سایگون، هانوی، وینه، بن توی، هونگی، کام فا کارگران برای بهبود وضع زندگی شان، برای هشت ساعت کار در روز و به خاطر احقاق حق متشکل شدن در سندیکاها و شرکت‌های تعاونی مبارزه می‌نمودند. صاحبان صنایع دستی و روشنفکران شرکت‌های تعاونی و اتحادیه‌ها همکاری ایجاد نمودند. دهقانان به خاطر تنزل مالیات و بهره تظاهرات میلیونی به راه می‌انداختند و علیه سوءاستفاده در تعیین و تقسیم ناعادلانه محصول اعتراضات وسیع برپا می‌نمودند.

در طول این مرحله، حزب انحرافات "چپ" از قبیل سکتاریزم و کوتاه‌نظری و بینشی که استفاده از امکانات علنی و نیمه‌علنی به خاطر بسط بیشتر جنبش را غیرمجاز می‌دانست و همچنین انحرافات راست از قبیل گرایشی که تنها به فعالیت‌های علنی اتکاء نموده و با موفقیت‌های جزئی به ضرر تقویت تشکیلات مخفی راضی بودند، را شدیداً زیر انتقاد قرار داد. حزب همچنین کم‌بها دادن به خطر ترسکیزم و همکاری بی‌پرنسیب را با ترسکیست‌ها، کوشش بیش از حد در جلب بورژوازی و مالکان ارضی در مقابل تقویت و رشد نیروهای اصلی انقلاب یعنی کارگران و دهقانان و کم‌بها دادن به اتحاد بین دهقانان و کارگران را مورد انتقاد قرار داد.

اگرچه حزب ما در این زمان شعاری نداد که به وضوح موضع ما را درباره استقلال ملی توضیح دهد، ولی فعالیت تبلیغاتی برای جبهه دموکراتیک هند و چین (۱۹۳۶-۱۹۳۹) خود در واقع باعث شکوفایی جنبش انقلابی دموکراتیک ملی شد.

در رده رهبری جنبش انقلابی، سطح سیاسی و کیفیت کار کادرها و اعضای حزب بطور قابل ملاحظه‌ای رشد کرد. اعتبار و نفوذ حزب ارتقاء یافته و در بین مردم عمیقا جا گرفته بود. مهم‌تر از همه اینکه حزب دریافته بود که باید با استفاده از شرایط سیاسی به فعالیت‌های علنی و نیمه‌علنی پرداخته ایدئولوژی مارکسیستی-لنینیستی را توسعه بخشید، مشی و سیاست حزب و انترناسیونال کمونیستی را تبلیغ و برای توده‌ها قابل فهم نماید. انتشارات علنی حزب و جبهه دموکراتیک در تجهیز، تربیت، سازماندهی و رهبری توده‌ها سهم بسزایی داشتند- و همزمان با آن استدلالات زیان‌بخش ترسکیست‌ها و سایر مرتجعان را رد کرده و مانورهای آنها را محکوم و بدین‌وسیله افراد کامل آنها را عملی ساختند.

استفاده از امکانات کار علنی برای پیشبرد فعالیت‌ها، به انضمام استفاده از امکانات در شورای شهر و شورای مستعمرات بیانگر پیروزی‌های بزرگی برای حزب و کمونیست‌ها در یک کشور مستعمره و نیمه‌فیودال بود، یعنی در کشوری که زندان‌هایش بیش از مدارس بوده و خلق حتی از کوچکترین آزادی‌های دموکراتیک بورژوایی هم برخوردار نیست. یکی دیگر از پیروزی‌های بزرگ عبارت بود از اینکه: حزب از طریق مبارزه به خاطر آزادی‌های دموکراتیک و بهبود وضع زندگی مردم توانست یک "ارتش سیاسی توده‌ای" مرکب از

میلیون‌ها مردم شهر و ده تجهیز، ترتیت و ایجاد نماید. و بدین ترتیب جنبش سیاسی وسیعی را به وجود آورد که در جریان آن تعداد زیادی کادرهای ورزیده برای انقلاب تربیت شدند.

شکوفایی انقلابی جبهه دموکراتیک هند و چین دومین مرحله آزمایش برای انقلاب ماه اگست را ترسیم نمود. جنبش جبهه دموکراتیک تجارب ارزنده‌ای را برای حزب ما بجا گذاشت. "این تجارب به ما می‌آموزند، آنچه که با مطالبات خلق در تطابق باشد، بیشک از پشتیبانی وسیع توده‌های مردم برخوردار بوده و آنها برای تحقق آن مبارزه می‌کنند. و تنها چنین جنبش، توده‌ای است. این تجارب همچنین نشان می‌دهند که ما باید همواره از سوئزکتیویزم و کوتاه‌نظری پرهیزیم." (هوشی مین: گزارش سیاسی به دومین کنگره حزب، فبروری ۱۹۵۱)

فعالیت وسیع به خاطر آزادی ملی در مرحله ۱۹۴۵ - ۱۹۳۹ و انقلاب اگست

در سپتامبر ۱۹۳۹ دومین جنگ جهانی آغاز شد. استعمارگران فرانسوی انقلاب هند و چین را وحشیانه سرکوب کرده و فرمان بسیج عمومی را صادر نمودند. در این رابطه می‌کوشیدند که تمام نیروهای ذخیره انسانی و مادی را به خاطر جنگ تجاوزکارانه فاشیستی خود جمع‌آوری کنند. دیگر کوچکترین امکان فعالیت علنی موجود نبود. حزب به موقع به کادرها و اعضای خود دستور داد تا به سرعت مخفی شوند و از این نظر اکثریت آنها می‌بایستی به مناطق روستایی عقب‌نشینی کنند. آنها در آنجا می‌کوشیدند تا نیروهای انقلابی را چه در مناطق روستایی و چه در شهرها قویا وسعت بخشند. در نوامبر ۱۹۳۹ کمیته مرکزی حزب، ششمین پلنوم را فراخواند، که در آن رفیق نگوین وای کو دبیر اول حزب و رفاله دوان،

پان دان لو و غیره شرکت داشتند. پلنوم تاکید نمود که "آزادی ملی مقدم‌ترین وظیفه انقلاب هند و چین را تشکیل داده" و تصمیم گرفت که به تبلیغ شعار انقلاب ارضی ادامه دهد. این تصمیمی بود که تنها به خاطر سیاست مقاومت در برابر ازدیاد بهره‌مالکانه و بهره‌رباخواران، به عنوان سیاست ضبط مزارع برنج و دیگر مزارع امپریالیست‌ها و خاینان، به منظور تقسیم آنها بین دهقانان گرفته شد. این اقدامات امکان جمع‌آوری نیروهایی را که علیه امپریالیست‌ها و دست‌نشانندگان شان مبارزه می‌کردند و همچنین جلب عناصر مترقی از طبقه زمینداران و توسعه جبهه متحد ملی که نام "جبهه متحد ملی ضد امپریالیستی هند و چین" بخود گرفت فراهم نمود.

ششمین پلنوم کمیته مرکزی حزب سمت‌گیری نوینی را مشی استراتژیکی خود تعیین نمود. این پلنوم مسئله ملی را به طور همه‌جانبه مورد مطالعه قرار داد و "تایید نمود که بین دو تضاد اساسی انقلاب دموکراتیک ملی در هند و چین، تضاد بین خلق هند و چین و متجاوزین امپریالیست، مهمتر است" و همچنین تایید نمود که جنبش‌رهایی‌بخش ملی جزء تفکیک‌ناپذیر جنبش انقلابی جهانی می‌باشد.

پس از مدت زمان کوتاهی فرانسه توسط ارتش هیتلر اشغال شد. فاشیست‌های جاپان از این موقعیت استفاده کرده و به هند و چین حمله‌ور شدند و استعمارگران فرانسوی تسلیم گردیدند. اما خلق شکست‌ناپذیر ویتنام علیه هرودی آنها هم‌زمان به مبارزه برخاست. این امر بیان خود را در قیام باک سون در دسامبر ۱۹۴۰، قیام نان کی در نوامبر ۱۹۴۰، شورش چوران و دولوون در جنوری ۱۹۴۱ یافت. این قیام‌ها و شورش‌ها بطور وسیعی انعکاس یافته و اعلام بیداری خلق ما

جهت کست استقلال و آزادی بودند.

در نوامبر ۱۹۴۰ هفتمین پلنوم کمیته مرکزی حزب با حضور رفقا ترون شیس، هو آن وانگو، هوانگ کووک ویت، فان دانگ لو، تران دان مینه و دیگران، به خطری که خلق‌های هند و چین را تهدید می‌کرد یعنی افتادن به زیر یوغ دوگانه فاشیست‌های فرانسوی و جاپانی و به خطری که تمامیت ارضی هند و چین را تهدید می‌کرد، اشاره نمود.

در نتیجه مبرم‌ترین وظیفه حزب عبارت بود از اینکه خلق‌های هند و چین را در تدارک قیام مسلحانه به خاطر کسب قدرت رهبری نماید. پلنوم تصمیم به حفظ قوای مسلح قیام باک سون و ایحاد یک پایگاه انقلابی گرفت. رفیق ترون شینه به سمت دبیر اول موقت برگزیده شد. در ۱۳ اکتوبر ۱۹۴۰ قیام کنندگان باک سون اولین واحد پارتیزانی ویتنام را تحت رهبری حزب تشکیل دادند. بعد از مدت زمان نسبتاً کوتاهی واحد پارتیزانی باک سون گسترش یافت و سه واحد جنگی را به خاطر نجات ملی ایجاد نمود.

در ۸ فبروری ۱۹۴۱ رفیق هوشی مین به کشور مراجعت نمود تا جنبش انقلابی را از داخل رهبری نماید. در می ۱۹۴۱ هشتمین پلنوم کمیته مرکزی در باک‌بو به رهبری رفیق هوشی مین تشکیل جلسه داد. پلنوم بر مبنای تحلیل عمیق از شرایط داخلی و اوضاع جهانی تایید نمود که نزدیک‌ترین وظیفه همانا تدارک انقلاب رهایی‌بخش ملی می‌باشد و نیروهای ملی انقلابی باید حملات خود را علیه تجاوزکاران و فاشیست‌های جاپانی و فرانسوی متوجه سازند زیرا "اگر ما در این لحظات موفق نشویم مسئله آزادی ملی را حل نماییم و استقلال و آزادی را برای تمام ملت برقرار نماییم، آنگاه نه تنها دولت و ملت همچنان در بردگی باقی

خواهند ماند بلکه دیگر حتی صحبتی هم از تحقق منافع طبقاتی و گروهی نمی‌تواند در میان باشد." (مصوبه هشتمین پلنوم کمیته مرکزی)

پلنوم، قطعنامه ششمین و هفتمین پلنوم را، که در رابطه با آزادی ملی بود، بسط و تکامل داده و تصمیم گرفت مسئله ملی را برای هر کشور هند و چین مجزا حل نماید و "جمعیت مبارزه برای استقلال ویتنام" را تشکیل داد. (با علامت اختصاری ویت‌مین (Viet Minh - Viet Nam Doc Lap Dong Minh Hoi) این جمعیت اتحادیه‌های مختلف نجات‌بخش ملی و اقشار مختلف خلق را در بر می‌گرفت (اتحادیه کارگران، دهقانان، جوانان، زنان، پیران، مبارزان، بوداییان و غیره.))

پلنوم چنان تاکتیک‌های انعطاف‌پذیری را تدوین نمود که از یکسو بتوان حتی‌الامکان دقیق صفوف دشمن را تشخیص داده و از سوی دیگر تمام نیروهای ممکنه را متحد سازد تا بدین‌وسیله کشور و ملت را آزاد نماید. پلنوم همچنین تصمیم به ایجاد پایگاه‌های انقلابی، ساختمان و توسعه نیروهای مسلح و تسریع تمام تدارکات در جهت قیام مسلحانه - از قیام‌های کوچک شروع شده تا قیام عمومی - را به خاطر کسب قدرت در تمام کشور گرفت. پلنوم همچنین کمیته مرکزی را با انتخاب اعضای جدید و انتخاب رفیق ترون شینه به سمت دبیر اول حزب تقویت نمود.

قطعنامه هشتمین پلنوم و خطابه‌ای که رفیق هوشی مین در این موقعیت به تمام هم‌میهنان فرستاد، تحرک عظیمی به حزب و خلق بخشید. رهنمودها و اقدامات سیاسی که در این پلنوم تاریخی توسط کمیته مرکزی تعیین گردید و پیروی مجدانه تمام اعضا از آن، به پیروزی انقلاب اگست ۱۹۴۵ منجر گردید.

علی‌رغم وجود تضادهای گوناگون بین فاشیست‌های جاپانی و فرانسوی در هند و چین، آنان بر سر مسئله سرکوبی انقلاب ویتنام متحدالقول بودند. آنها مردم را قتل‌عام کرده مبارزان میهن‌پرست را به زندان افکنده و می‌کشتند. برنامه ویت مینه ثابت نمود که بر خواست‌های استقلال‌طلبانه و آزادی‌خواهانه خلق ما منطبق است و میهن‌پرستان با تمام نیرو برای تحقق آن مبارزه می‌کردند. بدین جهت بود که ویت مینه توانست علی‌رغم سرکوب وحشیانه با سرعت رشد نماید. متفقین اردوگاه ضد فاشیزم در این زمان با مشکلات زیادی دست به گریبان بودند. فاشیست‌های آلمانی، ایتالیایی و جاپانی در شرایط مناسبی به سر می‌بردند. حزب ما و رفیق هوشی مین با دیدی وسیع پیش‌بینی کردند که پیروزی بطور اجتناب‌ناپذیر از آن اتحاد شوروی و متفقین خواهد بود و فاشیست‌های فرانسوی و جاپانی دیر یا زود از یکدیگر جدا خواهند شد و خلق ویتنام مطمئناً آزادی خود را بدست خواهد آورد. این اعتماد خدشه‌ناپذیر به درونمای درخشان که در ملت ما به وجود آمده بود، ارمغانی بود از ویت مینه به تمام خلق ما.

در سال ۱۹۴۳ جنبش در مناطق روستایی نسبتاً قوی، ولی در شهرها به خاطر عدم وجود جنبش دانشجویی و جنبش روشنفکران، همچنان ضعیف مانده بود. حزب به خاطر توسعه ویت مینه و در جهت رشد قدرتمند جنبش در شهرها، به اقدامات مشخصی دست زده و هم‌زمان با آن تزه‌های خود را در باره فرهنگ در ویتنام منتشر کرد. با این قصد که نویسندگان، هنرمندان و روشنفکران را در یک اتحادیه فرهنگی برای رهایی ملی در چهارچوب ویت مینه گرد هم آورد.

انتشارات مخفی حزب و ویت مینه گرایش‌های متمایل به جاپان، کوشش‌های کسب کمک از جاپان و همچنین این توهم را که می‌توان از طریق مذاکرات

صلح‌آمیز با جاپان قدرت را بدست گرفت، محکوم می‌کرد. آنها علیه محرکین و خرابکاران ترسکیست، علیه آنتی‌بلشویک‌ها،^[۱] علیه گرایش‌های فراکسیونستی و سکتاریستی و به خاطر تقویت، وحدت و همبستگی حزب و اتحادیه و همچنین به خاطر تقویت رهبری حزب در انقلاب مبارزه می‌نمودند.

در اگست ۱۹۴۴ کمیته مرکزی این خطاییه را به خلق اعلام نمود: "برای خود اسلحه تهیه کنیم و به خاطر بیرون راندن دشمن مشترک خود را آماده سازیم."

در همه جا انقلاب ترویج می‌شد. در بعضی مناطق - بطور مشخص پایگاه‌های انقلاب - توده‌ها بی‌صبرانه منتظر عمل بودند ولی حزب بدان‌ها رهنمود می‌داد که زمان مناسب برای انقلاب هنوز نرسیده است.

در اکتوبر ۱۹۴۴ رفیق هوشی مین شخصا دستور به تعویق انداختن قیام‌های توده‌ای در نواحی کائو بانک، باک کان ولان سون را به خاطر مهیا نبودن شرایط ضروری اجرای آن، صادر نمود. کمیسیون دائمی کمیته مرکزی، مبارزه مسلحانه‌ای را که به تاریخ ۱۱ نوامبر ۱۹۴۴ در فونای - دینه کا شروع شده بود، شدیداً مورد انتقاد قرار داده و آنرا به عنوان عصیان خرده‌بورژوازی خواند که قدرت قیام‌کنندگان را قبل از موعد معین به معرض نمایش می‌گذاشت. حزب بر ضرورت بکاربرد اشکال عالی‌تر مبارزه به خاطر پیش‌برد جنبش، تاکید کرد. در ۲۲ دسامبر ۱۹۴۴ یک گردان تبلیغاتی مسلح برای آزادی ویتنام در کائو بانک

[۱] (Anti-Bolshevik) - AB خرابکارانی بودند که خود را کمونیست می‌نامیدند، تا از این طریق علیه کمونیست‌ها مبارزه نمایند. در دوره ۱۹۳۹-۴۵ از طرف فاشیست‌های فرانسوی سازماندهی شدند، با این هدف که در حزب ما انشعاب به وجود آورند و در جنبش انقلابی خرابکاری نمایند.

تحت فرماندهی رفیق نگوین جی‌اپ ایجاد شد. این گردان در همکاری با "گردان‌های مبارزه برای رهایی ملی"، ارتباط مبارزه مسلحانه را با مبارزه سیاسی تقویت می‌نمود.

در این بین ارتش شوروی در حمله تعرضی خود به پیروزی‌های عظیمی نایل آمد. لحظه نابودی نازی‌ها فرا رسیده بود. فاشیست‌های جاپانی در اقیانوس آرام به تنگنا افتاده بودند.

در ۹ مارچ ۱۹۴۵ کمیون دایمی کمیته مرکزی برای برداشتن گام‌های عملی گردهم آمد. این نشست نظریات نیروهای نظامی جاپان که می‌خواستند سرنگونی استعمارگران فرانسوی در هند و چین را تدارک ببینند، را پیش‌بینی نمود. طبق پیش‌بینی حزب ما زد و خورد‌های مسلحانه بین نیروهای جاپان و فرانسه شروع شد. در ۹ مارچ ۱۹۴۵ جاپانی‌ها به خاطر پیش‌گیری از خطر حمله ناگهانی یکی از نیروهای متفقین، دست به یک لشکرکشی نظامی زدند. هدف آنها این بود که جای فرانسوی‌ها را گرفته و هند و چین را به تنهایی اشغال نمایند. جلسه وسیع کمیون دایمی کمیته مرکزی حزب ارزیابی نمود که این لشکرکشی نظامی بحران سیاسی عمیقی را به دنبال خواهد داشت که می‌تواند شرایط را به طور سریع برای قیام عمومی آماده سازد.

کمیون بر این شعار تصمیم گرفت: "فاشیست‌های جاپانی را برانیم" و همچنین جنبش مبارزاتی بزرگی علیه جاپانی‌ها و به خاطر نجات میهن، بمثابة مرحله قبلی برای قیام عمومی، را شروع نمود. در هر منطقه که شرایط ضروری موجود بود، می‌بایست جنگ چریکی به خاطر کسب قدرت در منطقه سازمان‌دهی می‌شد.

جلسه با این قصد که از یکسو جنبش را به سطح قیام عمومی ارتقاء دهد و از سوی دیگر و همزمان با آن مبارزه را علیه گرسنگی و قحطی سازمان دهد، تصمیم گرفت که توده‌ها را برای "تسخیر برق‌آسای انبارهای برنج و غله و غلبه بر قحطی" بسیج کند. حزب با مشخص نمودن مصوبات و اسناد این نشست به رهنمود تاریخی کمیسیون دائمی کمیته مرکزی منعقدۀ ۱۲ مارچ ۱۹۴۵ تحت عنوان "جاپانی‌ها و فرانسوی‌ها به کشتار یکدیگر می‌پردازند، ما چه باید بکنیم؟" جهت مشخصی وارد مرحله شکوفایی انقلابی خود شده و قیام‌های قسمی متداوم و با سرعت در مناطق زیادی آغازیدن گرفت.

تدارک برای قیام عمومی با دقت خاصی انجام می‌گرفت. در اپریل ۱۹۴۵ کمیسیون دائمی کمیته مرکزی کنفرانس نظامی انقلابی تون کین را فراخواند. این کنفرانس به ریاست دبیر اول حزب، تصمیم گرفت که نیروهای نظامی را در فراماسیون واحدی گردهم آورده، ارتش آزادی‌بخش ویتنام، واحد‌های دفاع مسلح و میلیس توده‌ای را به وجود آورد و مدارسی به خاطر تربیت سریع کادرهای سیاسی و نظامی ایجاد نماید. در جون ۱۹۴۵ منطقه آزاد شده‌ای به وجود آمد که شش استان از ویت باک را در بر می‌گرفت (کائو بانک، باک کان، لانک سون، تای نگوئن، تووی کوآنک و هاژیانک). کمیته‌های انقلابی توده‌ای در سطح منطقه‌ای و سطوح دیگر به وجود آمدند و خط‌مشی سیاسی مشخص ویت مینه در عمل پیاده می‌شد. منطقه آزادشده تبدیل به پایگاه عمده انقلابی تمام کشور و مهد جمهوری دموکراتیک آتی ویتنام شده بود.

در همان هنگامی که خلق ما قیام عمومی را تدارک می‌دید، قحطی وحشتناکی گریبان‌گیر مردم باک بوو شمال تروننگ بو شد. دو میلیون نفر از هم‌میهنان ما در

اثر گرسنگی از بین رفتند. اینها همه نتایج رقت‌بار سیاست تهاجم و استثمار فاشیست‌های فرانسوی و جاپانی بود. تجهیز توده‌ها برای شب‌خون زدن به انبارهای برنج به‌خاطر جلوگیری از قحطی، درست با مطالبات مبرم توده‌ها مطابقت می‌نمود. مبارزه انقلابی اوج نوین گرفت و این مبارزه نه فقط کارگران و دهقانان، خرده‌فروشان و صاحبان کوچک صنایع، محصلان و کارمندان را به همراه خود کشید، بلکه همچنین بورژوازی ملی و بخش معین از خرده‌مالکان را در درون خود جای داد. سازمان‌رهایی ملی و واحدهای دفاع مسلح تقریباً در تمام دهات کوچک و حتی در شهرهای بزرگ به وجود آمدند. اینک روحیه قیام در سراسر کشور مسلط بود.

۸ اگست ۱۹۴۵ اتحاد جماهیر شوروی به جاپان فاشیستی اعلام جنگ نمود. ارتش شوروی در ظرف چند روز گروه‌نخبه جاپانی را که در تون‌سان - شن^[۲] (در چین) مستقر بودند، درهم شکست. در ۱۵ اگست جاپان بدون قید و شرط در مقابل شوروی تسلیم شد.

به تاریخ ۱۳ اگست دومین کنگره سراسری حزب در تان‌ترا او تشکیل شد تا تصمیم به قیام عمومی و شرکت در کنگره خلق که توسط ویت‌مین فراخوانده شده بود، بگیرد.

کنگره خلق منعقدۀ ۱۶ اگست در تان‌ترا او طرح ده ماده‌ای ویت‌مین و تصمیم مبنی بر قیام عمومی را تصویب نموده و یک کمیته مرکزی برای آزادی ملی یعنی دولت موقت به رهبری صدر هوشی مین را انتخاب نمود.

[۲] سه استان لی‌آو، سی‌لین و هی‌لونگ‌جی یانگ را در برمی‌گرفت.

حزب ما در این کنگره تاریخی قیام توده‌های خلق را با دقت کامل چنین تعیین نمود که قدرت را از کف جاپانی‌ها بدر آورد و قبل از ورود متحدین به هند و چین دولت دست‌نشانده را سرنگون سازد، زیرا در صورت باقی ماندن دولت دست‌نشانده بعد از خلع سلاح ارتش جاپانی قوای متفقین بر گردهٔ خلق ما سوار می‌شدند.

اخبار مربوط به تسلیم جاپان در سراسر کشور پخش شد. به علت مشکلات ارتباطی، مناطق زیادی از دستور کمیته مرکزی مبنی بر قیام عمومی اطلاع حاصل نکردند، ولی آنها از رهنمود "جاپانی‌ها و فرانسوی‌ها به کشتار یکدیگر می‌پردازند، ما چه باید بکنیم؟" پیروی نمودند و در این رابطه سازمان‌های حزبی محلی در سطوح مختلف توانستند از طریق اجرای بخشنامه‌هایی که مربوط به شرایط قیام بود، خلق را با ولع در مسیر قیام برای احراز قدرت رهبری نمایند.

قیام ظفرنمون ۱۹ اگست ۱۹۴۵ در هانوی، در تمام کشور تاثیر قاطعی گذاشت. در ۲۳ اگست قیام در هوئه و در ۲۵ اگست در سایگون صورت گرفت. در ظرف ۱۱ روز قیام عمومی در تمام شهرها و استان‌ها به پیروزی نایل آمد و پیروزی انقلاب ماه اگست را در ویتنام تضمین نمود.

در ۲ سپتامبر ۱۹۴۵ صدر هوشی مین به نام دولت موقت بیانیه اعلام استقلال را قرائت نمود. این بیانیه تاسیس جمهوری دموکراتیک ویتنام را به خلق ویتنام و تمام جهانیان اعلام و دوران نوینی را در تاریخ ملت ویتنام گشود، دورانی که در آن به معنی واقعی سیاست کشور را خود در دست گرفت.

انقلاب اگست ۱۹۴۵ انقلاب رهایی‌بخش ملی ما می‌باشد. این انقلاب به مثابه گامی تعیین‌کننده در انقلاب دموکراتیک ملی توده‌ای تحت رهبری حزب ما به شمار می‌آید. این انقلاب بندهای صد ساله استعمار فرانسه را از هم گسست، قدرت پوسیده چندین هزار ساله فیودالیزم را در کشور ما سرنگون نمود و جمهوری دموکراتیک ویتنام، دولت مستقل و دموکراتیک خلق ما، و اولین حکومت کارگری-دهقانی در آسیای جنوب شرقی را بنا نهاد. انقلاب پیروزمند اگست نه فقط موفقیت جنبش آزادی‌بخش ملی در مرحله ۱۹۳۹/۴۵ بود، بلکه انجام پیروزمند یک سری کامل از مبارزات انقلابی از زمان تاسیس حزب ما را ترسیم می‌نماید که از بوته دو آزمایش بزرگ گذشته بود: شکوفایی انقلابی سالهای ۱۹۳۰/۳۱ و شکوفایی جبهه دموکراتیک هند و چین از سال ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹. در عرض ۱۵ سال مبارزه لاینقطع از ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۵ حزب ما اقشار مختلف خلق را بسیج، تربیت و سازمان‌دهی نمود، همچنین نیروی پرتوان کارگران و دهقانان را در جهت برقراری اتحاد کارگران و دهقانان تجهیز نمود. بر اساس این اتحاد پایدار حزب ما، تمام نیروهای میهن‌پرست را در درون یا جبهه واحد ملی وسیع-یعنی جمعیت ویت مینه-گردهم آورده و نیروهای انقلاب را در سراسر کشور، چه در مناطق کوهستانی و چه در نواحی دریا، چه در روستا و چه در شهرها، سازمان داد. حزب ما نیروهای مسلح انقلابی خلق را برپا ساخت، مبارزه مسلحانه را با مبارزه سیاسی، جنگ پارتیزانی محلی را با قیام قسمتی در مناطق روستایی پیوند داد و هرانجایی که امکانی وجود داشت توده‌ها را برای قیام عمومی آماده می‌نمود، تا بدین وسیله بتواند دستگاه ظلم و ستم امپریالیست‌ها و کارگزاران فیودال آنها را در تمام سطوح، هم در مناطق روستایی و هم در شهرها سرنگون نموده و قدرت را کسب نماید.

انقلاب آگست دارای خصلت عمیق توده‌ای بود. این انقلاب توده‌های خلق را در سراسر کشور به قیام کشاند، ارتجاعیون را کاملاً از صحنه نبرد خارج نمود و در شرایطی که کشور ما در محاصره کامل امپریالیست‌ها بود، اراده خلق را مبنی بر "اتکاء به نیروی خود" تقویت بخشید. بدین ترتیب انقلاب - بیانیه ویت مینه را که تاکید می‌کرد "آزادی ما باید بدست خود ما انجام گیرد" کامل و دقیق تحقق بخشید. حزب نه به انتظار انجام انقلاب پرولتری در پایتخت نشست و نه منحصرأ به کمک‌های مستقیم خارجی تکیه نمود.

انقلاب آگست، انقلابی است از نوع انقلاب رهایی‌بخش ملی که طبقه کارگر آنرا رهبری می‌نماید. این انقلاب انقلابی است که در یک کشور نیمه فیودال - مستعمره به شکرانه قیام مسلحانه عمومی توده‌ها، به شکرانه پیوند صحیح عملیات نظامی با اشکال سیاسی مبارزه توده‌ها به خاطر احراز قدرت دولتی و استقرار حکومت توده‌ای، پیروز گردید. این انقلاب زنجیر سیستم استعماری امپریالیزم را در ضعیف‌ترین حلقه آن پاره نمود و در مقیاس وسیع به تسریع زوال این سیستم کمک کرد. صدر هوشی مین در باره انقلاب آگست چنین می‌نویسد:

"نه فقط طبقه کارگر و خلق ویتنام، بلکه طبقه کارگر و خلق‌های ستم‌کش جهان می‌توانند به این واقعیت افتخار نمایند. که:

برای اولین بار در تاریخ انقلاب خلق‌های کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره، حزبی انقلاب را پیروزمندانه به سرمنزل مقصود رسانید و قدرت را در تمام کشور کسب نمود که تنها پانزده سال از عمرش می‌گذشت." (گزارش سیاسی به دومین کنگره کشوری حزب، فبروری ۱۹۵۱)

قسمت دوم

مبارزه به خاطر دفاع از استقلال ملی
و حفظ حکومت توده‌ای و تحکیم آن

۱۹۴۵-۱۹۵۴

مبارزه به خاطر برقراری و تحکیم قدرت توده‌ای

جمهوری دموکراتیک ویتنام تازه اعلام شده بود که با مشکلات بی‌شماری روبرو گردید. قحطی وحشتناک در باک‌بو که نتیجه مستقیم سیاست چپاولگرانه امپریالیزم فرانسه و جاپان بود، هنوز برطرف نشده بود که آب‌ها طغیان کرده و بدنبال آن خشکسالی. کشت و بذرپاشی نمی‌توانست در موعد معین انجام گیرد. تمام بخش‌های تولیدی از کار افتاده، خوار و بار کمیاب شده و انبارهایی که از جاپانی‌ها باقی مانده بود همه خالی بودند.

در چنین لحظاتی که خلق ما با مشکلات عدیده‌ای مبارزه می‌نمود، ۲۰۰ هزار سرباز چانکایشک به نواحی شمال کشور ما حمله‌ور شدند. آنها می‌گفتند که گویا برای خلع سلاح سربازان جاپانی آمده‌اند، برای انجام وظیفه‌ای که گویا متفقین به آنها محول کرده بودند. ولی در واقع امر آنها خود فروختگانی بودند در خدمت امپریالیزم امریکا و به این منظور آمده بودند که حزب ما و ویت مینه را منهدم نمایند و به مرتجعان در برانداختن حکومت خلق یاری رسانند و یک حکومت دست‌نشانده طرفدار امریکا برقرار نمایند. در مناطق جنوب ارتش انگلیس نیرو پیاده کرد. آنها هم طبق اظهارات خود شان برای خلع سلاح جاپانی‌ها آمده بودند. ولی در حقیقت آنها گروه‌های اعزامی بودند که می‌خواستند شرایط را برای بازگشت استعمارگران فرانسوی مهیا سازند. ارتش انگلیس به فرانسویان کمک کرد تا دوباره سراسر خاک هند و چین را تسخیر نمایند. در عین حال که امپریالیست‌ها متحداً، هم از نظر سیاسی و هم از نظر اقتصادی به ما حمله می‌کردند، کارگزاران بومی شان به طور سیستماتیک دست به عملیات تحریک‌آمیز خرابکارانه و راهزانه می‌زدند.

خلق ما توانست بر این همه مشکلات به ظاهر غلبه‌ناپذیر فایق آید و قدرت انقلابی را حفظ کند. در ۲۵ نوامبر ۱۹۴۵ کمیته مرکزی در دستورالعمل خود تحت عنوان "مقاومت و ساختمان ملی" نزدیک‌ترین هدفی را که پیش پای حزب و خلق ما قرار داشت تعیین نمود. این دستورالعمل شامل موارد زیرین بود: "تحکیم حکومت، مبارزه علیه استعمارگران متجاوز فرانسوی، سرکوب ضد انقلابیون داخلی و بهبود شرایط زندگی خلق."

مهمترین مسئله، مسئله مبارزه برای پابرجا نگهداشتن قدرت انقلابی بود. و این، مبارزه حیاتی خلق ما را علیه امپریالیزم و نوکران بومی‌اش تشکیل می‌داد. قبل از همه مسئله بر سر این بود که حکومت انقلابی باید بصورت قدرتی درآید که واقعا متعلق به خلق باشد، حکومتی که از طرف مردم انتخاب و پشتیبانی شود و استحقاق آنرا داشته باشد که برای آن مبارزه نمود و قربانی داد. حزب و دولت تمام هم خود را بر آن گذاشتند که انتخابات عمومی را سازمان داده، مجلس ملی را انتخاب و یک حکومت قانونی برقرار نمایند. در تاریخ ۵ جنوری ۱۹۴۶ صدر هوشی‌میننه چنین اظهار داشت: "فردا خلق ما به جهانیان ثابت خواهد نمود که مصمم است متحدا علیه استعمارگران مبارزه نموده و حق استقلال خود را بدست آورد."

در ۶ جنوری انتخابات عمومی در سرتاسر کشور پیروزمندانه انجام گرفت، درحالی که استعمارگران فرانسوی به تجاوز مسلحانه خود در جنوب همچنان ادامه می‌دادند و سپاهیان چانکایشک در شمال با تمام وسایل می‌کوشیدند در انتخابات خرابکاری نموده و حکومت توده‌ای را سرنگون کنند. این اولین انتخابات عمومی در کشور ما بیانگر واقعیت روشن مبارزه طبقاتی و مبارزه شدید

آزادی‌بخش ملی بود. در نام‌بر ۴۲ تن از کادرهای حزب به خاطر انجام وظیفه تبلیغاتی در عین انتخابات قهرمانانه جان خود را فدا نمودند. مردم با روشن‌بینی در راه انتخاب شوراهای خلق در سطوح مختلف گام می‌نهادند. این شوراها به سهم خود کمیته‌های خلق را به جای شوراهای موقت که در زمان قیام عمومی تشکیل شده بودند، انتخاب می‌کردند.

کمک‌ها و همکاری خلق ما در انجام موفقیت‌آمیز انتخابات مجلس ملی و شوراهای محلی خلق، نشانه نیروی غلبه‌ناپذیر وحدت ملی بوده و ثابت نمود که با اراده آهنینش مصمم است خود سرنوشت خویش را بدست گیرد.

هم‌زمان با تدارک و انجام انتخابات، دستوری به تاریخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۴۵ برای ایجاد یک شورای قانون‌گذاری تحت رهبری صدر هوشی مین صادر شد. این شورا با دقت کافی وظایف خویش را انجام داد و در ۹ نوامبر ۱۹۴۶ مجلس ملی اولین قانون اساسی جمهوری دموکراتیک ویتنام را تعیین نمود، این قانون اساسی انقلابی، حقوق مقدس خلق را مبنی بر حاکم بودن بر سرنوشت کشور خویش و استقرار آزادی‌های دموکراتیک تأمین می‌نمود.

ویت مینه استحکام و گسترش یافت. در ماه مه ۱۹۴۶ اتحادیه ملی ویتنام (Lien Viet) تأسیس گردید، که تمام احزاب و شخصیت‌هایی که به علل مختلف تا حال در ویت مینه متشکل نگردیده بودند را در بر می‌گرفت. اتحادیه ملی که بر اساس اتحاد کارگران و دهقانان متکی بود و اساس حکومت خلق را تشکیل می‌داد، روز بروز قوی‌تر و مستحکم‌تر می‌گردید. از اولین ماه‌های استقرار حکومت انقلابی اقدامات موثری در جهت بهبود شرایط زندگی مردم انجام پذیرفت. از قبیل تنزل مال‌الجاره به ۲۵٪ بنفع دهقانان، ضبط و تقسیم مجدد

اراضی متعلق به استعمارگران و خاینان بین دهقانان، تقسیم مجدد عادلانه اراضی بین اهالی اعم از زن و مرد، برقراری هشت ساعت کار در روز و حفظ منافع کارگران در قراردادهای کار شان. اقدامات مبرم علیه بیسوادی، گرسنگی و تجاوز انجام گرفت. در زمان کوتاهی زراعت محصولاتی که به آب زیادی احتیاج ندارند به مقیاس زیاد و در مناطق وسیعی عملی گردید. تولید محصولات ذرت، باتانه (یکنوع سیب زمینی است که طعم شیرین دارد) مانیوک (یکنوع گیاه غده‌ای است) و غیره چندین برابر شد. قحطی دیگر برطرف شده بود. کار فرهنگی، تعلیم و تربیت و بهداشت و بویژه مبارزه علیه بیسوادی مورد توجه خاص ما قرار گرفته بود. در اواخر سال ۱۹۴۶ در اثر تدریس توده‌ای بیش از دو میلیون نفر توانستند خواندن و نوشتن بیاموزند. حزب ما توجه ویژه‌ای به ساختمان ارتش مسلح خلق مبذول داشته و تمام خلق را تهییج نمود که به فکر برادرانمان در جنوب باشند که قهرمانانه علیه استعمارگران متجاوز می‌رزمند. جنبش پشتیبانی از جنوب مبارز دیگر به یک جنبش وسیع سیاسی تبدیل شده بود. در همه جا کمیته‌های پشتیبانی از جنوب ترتیب داده شد. پس از مدت زمان کوتاهی از تمام گوشه و کنار کشور گردان‌های رزمنده برای شرکت در مبارزه بطرف جنوب سرازیر شدند.

تحت رهبری حزب ما مشکلات ناشی از حمله ناگهانی استعمارگران فرانسوی قدم به قدم برطرف شدند. رفته رفته اوضاع نظامی بهبود یافت. نیروهای مسلح و مردم جنوب به پیروزی‌های عدیده‌ای نایل آمدند که بیانگر ارتقاء روحیه مبارزه‌جویانه تمام خلق در مبارزه علیه تجاوز خارجی بود.

درحالی که ارتش فرانسه تجاوز خود در جنوب ادامه می‌داد، چانکایشک و

همدستان بومی وی خایانه می‌کوشیدند حکومت خلق را در جنوب سرنگون سازند.

حزب ما توانست در انطباق با چنین شرایط فوق‌العاده بگرنج و مشکل، آنچنان تاکتیک‌های صحیحی اتخاذ نماید که در صفوف دشمن تفرقه انداخته و آن را به انفراد کامل کشانید. کمیته مرکزی اوضاع را چنین ارزیابی نمود: "دشمن عمده ما در لحظه کنونی استعمارگران فرانسوی هستند و لبه تیز حمله باید متوجه آنها باشد."^[۳]

اگر چه نیروهای چانکایشک خطر بزرگی به وجود آورده بودند ولی معذالک جرات نداشتند همچون استعمارگران فرانسوی آشکارا به کشور ما حمله نمایند. از این گذشته مبارزه انقلابی که خلق چین تحت رهبری حزب کمونیست چین انجام می‌داد و هر روز وسعت بیشتری می‌یافت، آنها را تهدید می‌کرد. لذا حزب ما بدون اینکه استقلال و عدم وابستگی کشور ما را به خطر اندازد، با چانکایشک وارد مذاکره شد. با توجه به شور انقلابی توده‌ها و موضع محکم حزب و دولت ما، تحریکات دار و دسته چانکایشک مفتضحانه به شکست منتهی شد و مرتجعان و همدستان ویتنامی آنها و خاینان به خلق به مجازاتی که مستحق آن بودند رسیدند.

علی‌رغم اشغال شش ماهه شمال ویتنام، نیروهای چانکایشک نتوانستند در حزب تخریب نموده و ویت مینه را منهدم نمایند و نه حکومت انقلابی را سرنگون سازند. در ۲۸ فبروری ۱۹۴۶ دار و دسته چانکایشک به دستور امپریالیست‌های

[۳] مقاومت و ساختمان ملی، رهنمود کمیته مرکزی حزب از ۲۵ نوامبر ۱۹۴۵ بود.

امریکا قراردادی با استعمارگران فرانسوی امضاء نمودند که به موجب آن سپاهیان فرانسوی در شمال ویتنام جایگزین نیروهای چینی می‌شدند. این قرارداد چهره کریه نظارت بیش‌رمانه امپریالیست‌ها را برملا می‌نمود که می‌خواستند اشغال مجدد کشور ما را توسط استعمارگران فرانسوی تدارک ببینند.

حزب ما بخوبی دریافت که قرارداد چین-فرانسه نه فقط مربوط به مسایل مورد نظر چانکایشک و فرانسه بوده، بلکه بالاتر از آن انعکاس مسایل مجموعه اردوگاه امپریالیستی می‌باشد. ما در مقابل این الترناتیو قرار گرفته بودیم: یا می‌بایست با توسل به قدرت اسلحه در مقابل سپاهیان مهاجم فرانسوی در شمال قرار گیریم و در اینصورت می‌بایست هم‌زمان با هم علیه دشمن‌های مختلفی بجنگیم، و یا با فرانسه وارد مذاکره شده، از تضاد های درونی دول امپریالیستی استفاده نموده و نیروهای چانکایشک را از ویتنام بیرون برانیم و از موقعیت‌های خوبی که در اثر این قرارداد به وجود خواهد آمد در جهت تحکیم و توسعه نیروهای انقلابی و تدارک مقاومت ملی استفاده نماییم. حزب ما راه مذاکره با فرانسه را انتخاب کرد. در ۶ مارچ ۱۹۴۶ دولت ما با فرانسه یک قرارداد موقت امضاء نمود، که اساس مذاکرات رسمی را بنا نهاد. هنوز رنگ این قرارداد خشک نشده بود که استعمارگران فرانسوی مشکلاتی ایجاد نمودند. به یمن مبارزات خستگی‌ناپذیر و پایدار خلق ما، به تاریخ ۶ جولای ۱۹۴۶ مذاکرات رسمی بین هیئت نمایندگی دولت ما تحت رهبری رفیق فام وان دون و هیئت نمایندگی دولت فرانسه در فونتاين بلو (Fontainebleau) در فرانسه شروع شد.

موضع صحیح و قاطع دولت ما از علاقه و پشتیبانی خلق فرانسه و افکار مترقی عمومی جهان برخوردار بود. این مذاکرات به شکست منجر گردید، زیرا

استعمارگران فرانسوی به فکر چیز دیگری نبودند مگر برقراری مجدد سلطه خویش بر خلق ما. خطر جنگ تمام کشور را تهدید می‌کرد. به خاطر داشتن فرصت و زمان کافی، صدر هوشی مین در ۱۴ سپتامبر ۱۹۴۶ قبل از اینکه به کشور مراجعت نماید قراردادی مبنی بر چگونگی روابط با دولت فرانسه امضاء نمود.

امضای این توافقات موقت که از نظر سیاسی صحیح و کاملاً روشن بود، به انقلاب امکان داد بر دشمن خونخواری، که در خدمت اهداف امپریالیست‌های امریکا بود، غلبه نموده، آتش مبارزه را متوجه استعمارگران فرانسوی، این خطرناک‌ترین دشمن مستقیم خلق گرداند. خلق ویتنام همزمان با آن توانست به اندازه کافی فرصت یابد تا نیروهای خود را جمع‌آوری کرده و جنگ مقاومت طولانی را تدارک ببیند. اوضاع سخت و بغرنج بین انقلاب ماه اگست و اواخر سال ۱۹۴۶ آزمایش سختی برای حزب و دولت ما بود.

سرنوشت حکومت انقلابی جوان به مویی بسته بود. ولی باوجود تمام این مشکلات حزب و دولت ما به رهبری پرزیدنت هوشی مین توانست خلق ما را از این اوضاع دشوار برهاند، تا حکومت انقلابی را تحکیم نموده و نیروهایش را گسترش دهد. موقعی که استعمارگران فرانسوی دمبدم به تحریکات جنگی دامن می‌زدند در سراسر کشور نیروهای مقاومت گسترش می‌یافت.

مقاومت خلق در تمام سطوح و برای مدت طولانی

علیه تجاوزکاران استعمارگر فرانسوی و پیروزی‌های اولین سالها

همانطور که حزب ما پیش‌بینی کرده بود، استعمارگران فرانسوی به سیاست خود

مبنی بر "واقعیت اتفاق افتاده" برای برقراری مجدد سلطه خویش ادامه دادند. بعد از تحریکات متعددی، از طرف استعمارگران فرانسوی در ۱۸ دسامبر ۱۹۴۶ جنگ در سراسر کشور گسترش یافت و بدین طریق توافقات امضاء شده لگدمال شد. خلق ما در تحت رهبری حزب و در راس آن پرزیدنت هوشی مین به پا خاست و تصمیم گرفت از استقلال و وحدت ملی حفاظت نماید، علیه متجاوزین به مبارزه برخیزد تا به این وسیله از دستاوردهای انقلاب ماه اگست دفاع نموده و آنرا تحکیم نماید.

در ۲۰ دسامبر ۱۹۴۶ صدر هوشی مین چنین خطاب نمود:

"از آن جهت که ما طالب حفظ صلح هستیم، حسن نظر از خود نشان داده و توافقاتی کردیم. ولی هرچه ما بیشتر حسن نظر از خود نشان می‌دهیم، استعمارگران فرانسوی بیشتر تجاوز می‌کنند، زیرا آنها در نظر دارند کشور ما را دوباره اشغال نمایند. هرگز! همان بهتر که همه چیز را قربانی نماییم، تا استقلال را از دست بدهیم و دوباره به بندگی درآییم."

کمیته مرکزی با الهام از این خطاییه در تاریخ ۲۲ دسامبر ۱۹۴۶ این رهنمود را داد: "تمام خلق علیه تجاوز به پا می‌خیزد." این رهنمود هدف و خصلت جنگ مقاومت و برنامه عمل مشترک حزب، ارتش و مجموعه خلق را به درستی ترسیم می‌نمود. کمیته مرکزی سیاست طولانی تمام خلق در کلیه سطوح را تعیین نمود که در آن خلق می‌بایست به نیروی خود تکیه نماید.

در اوایل سال ۱۹۴۷ رفیق ترون شینه اثر خود را تحت عنوان "مقاومت پیروز است" منتشر نمود، تا بدین وسیله خط مشی حزب را در مورد جنگ مقاومت

روشن نماید: از آنجا که دشمن ما-امپریالیزم- دارای ارتش مجهز و قوی می‌باشد، باید حزب ما دست به جنگ مقاومت طولانی زده روز به روز بیشتر در نیروهای اصلی دشمن تخریب نموده، تناسب قوا را رفته رفته به نفع خود تغییر دهد؛ با حرکت از شرایط فروتر به توازن قوا دست یابد تا بدین ترتیب شرایط تفوق و برتری و پیروزی نهایی را تامین نماید. برای اینکه بتوان مقاومت طولانی نمود باید به نیروی خود تکیه کرد. این اصل باید جهت استراتژیک ما باشد. به خاطر تامین پیروزی باید وحدت ملی را برقرار نموده و نیروهای انسانی، مادی و اخلاقی خلق را در خدمت جنگ مقاومت درآورد. مقاومت علیه تجاوز باید در تمام سطوح انجام پذیرد، در زمینه نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی. این جنگ مقاومت طولانی از سه مرحله می‌گذرد: مرحله دفاعی، مرحله توازن قوا و مرحله حمله عمومی. همانطور که اینک ثابت شده است، در جنگ مقاومت باید مجموعه خلق شرکت کند. سلاحی که خلق در جنگ مقاومت تحت رهبری حزب بدان تکیه می‌کند، عبارت است از سه نوع دسته‌بندی نیروهای نظامی: واحدهای منظم، واحدهای محلی و واحدهای پارتیزانی. جنگ مقاومت ما در شرایط فوق‌العاده دشواری شروع شد. قحطی و گرسنگی سال ۱۹۴۵ که امپریالیست‌های فرانسه و جاپان سبب آن بودند، نیروهای خلق ما را کاملاً صرف نمود. دشمن مجهز به سلاح‌های مدرن دریایی، زمینی و هوایی بود، درحالی‌که ما فقط یک توپخانه تازه به وجود آمده در اختیار داشتیم که آنهم نه کاملاً مجهز بود و نه تجربه داشت. اما باوجود این حزب ما کاملاً مصمم به مقاومت بود، و می‌کوشید همزمان با هم علیه دشمن به مبارزه برخیزد، ارتش خلق را بر پا دارد و نیروهای زنده خلق را تقویت نماید. پراتیک اولین سالهای مقاومت در مقیاس کشوری ثابت نمود که دشمن نمی‌تواند ارتش منظم ما را علی‌رغم سلاح‌های

مدرن‌اش نبود نماید. اشغال تعداد کمی از شهرها برای دشمن به قیمت گزافی تمام شد. ما نیروهای پارتیزانی خود را تقویت بخشیده و سه دسته‌بندی نظامی را پابرجا نموده بودیم. خلق ما که قهرمانی خود را ثابت نموده و خود را با شرایط سخت و دادن قربانی تطبیق داده بود، همزمان در دو جبهه اقتصادی و نظامی مبارزه می‌کرد.

هرچه دشمن به عداوت خود بیشتر ادامه می‌داد همانقدر هم مشکلات و موانع بیشتری در پیش پایش قرار می‌گرفت. از این گذشته دشمن می‌کوشید هرچه زودتر به جنگ خاتمه دهد. دشمن درحالی که دیوانه‌وار حمله عظیم خود را برای نابودی ارتش منظم و ارگان‌های رهبری کننده ما تدارک می‌دید، می‌کوشید رژیم دست‌نشانده برقرار کند که از طریق آن بتواند یک "قرارداد" به ظاهر ترقی‌خواهانه منعقد نماید، به امید اینکه بتواند اراده خود را بر ما تحمیل کند. اواخر سال ۱۹۴۷ امپریالیست‌های فرانسه توانستند بیش از ده هزار نفر جمع‌آوری کرده حمله همه‌جانبه و وسیعی را علیه ویت باک شروع نمایند، تا از این طریق پایگاه عمده مقاومت کشور و واحدهای منظم ارگان‌های رهبری کننده ما را سرکوب نمایند.

کمیته مرکزی که این نقشه دشمن را پیش‌بینی کرده بود، دستورالعمل‌های احتیاطی لازم را به تمام سازمان‌ها صادر نمود. دستورالعمل ۱۵ دسامبر ۱۹۴۷ تحت عنوان "بولارت چه گفته؟ و ما چه خواهیم کرد؟" تعیین نمود که تمام نیروهای ملت را باید تجهیز نمود تا بر نظریات مهاجمان که می‌خواهند ویتنامی‌ها را علیه ویتنامی‌ها به مبارزه بکشاند خط بطلان کشیده شود و باید تمام تدارکات برای مقابله با حمله عظیم دشمن در ماه‌های آینده دیده شود. در

۱۵ اکتوبر ۱۹۴۷ رهنمود دیگری داده شد تحت عنوان: "ما باید حمله زمستانی متجاوزین فرانسوی را درهم شکنیم." در امر تحقق بخشیدن به این رهنمود، رزمندگان و هم‌میهنان ما در تمام میدان‌های جنگ، عملیات خود را بطور فشرده با نیروهای نظامی ویت باک هم‌جهت نمودند. با تیزبینی عمیقی خود را به میان توفان‌های مبارزه انداختند و به پیروزی‌های بزرگی نایل آمدند. پس از دوماه مبارزه سخت حمله‌های برق‌آسای فرانسوی‌ها را دفع نموده، نیروهای خود و پایگاه مقاومت ملی را حفظ، نیروهای اصلی دشمن را نابود کرده و همچنین مقدار بسیار زیادی اسلحه و تجهیزات دشمن را به غنیمت گرفتیم.

از زمان شکست فرانسویان در ویت باک در زمستان ۱۹۴۷ خصلت جنگ عوض شد. برای دشمن دیگر روشن شده بود که برای وی نه امکان دارد در عملیات همه‌جانبه خود، واحدهای منظم ما را مستقیماً نابود سازد و نه اینکه قادر بود با نیروهای نظامی خودش بطور سریع به جنگ خاتمه دهد. در سال ۱۹۴۸ دشمن استراتژی خود را عوض نمود؛ به جای اینکه به مناطق اشغالی خویش توسعه بخشد، کوشید تا یک پشت جبهه قوی به وجود آورد، از تعرض به باک‌بو چشم پوشید و به تحکیم مواضع خویش در نام‌بو پرداخت و عملیات بزرگ را به عملیات کوچک محدود نمود، که بر طبق آن دیگر نمی‌خواست واحدهای منظم ما را مستقیماً نابود کند، بلکه تلاش می‌نمود در اقتصاد و پایگاه‌های ما را در میان توده‌ها تخریب نماید. همزمان با آن می‌کوشید قدرت و ارتش دست‌نشانندگان خویش را تقویت نموده و امریکا را به کمک بطلبد. درست برعکس آن، پیروزی‌های ما در ویت باک سبب تقویت و اعتماد مبارزان و خلق به پیروزی نهایی گردید. پلنوم وسیع کمیته مرکزی حزب در جنوری ۱۹۴۸ به این نتیجه‌گیری رسید که عملیات در ویت باک نقطه عطف بزرگی در مقاومت

طولانی ما به وجود آورده است. این عملیات بیانگر گذار به مرحله دوم، یعنی توازن قوا، می‌باشد. این پلنوم وسیع و کنفرانس‌های کادرها (چهارمین کنفرانس در ماه می ۱۹۴۸ و پنجمین کنفرانس در اگست ۱۹۴۸ و ششمین کنفرانس در جنوری ۱۹۴۹) تصمیمات زیرین را گرفتند:

- در زمینه نظامی، حمله دشمن به پایگاه‌ها را درهم کوبیم، نیروهای جنگیده پارتیزانی را به بخش‌ها و گردان‌های مستقل تکامل دهیم، همچنین بخش‌های تبلیغاتی مسلح و واحد‌های فنی تشکیل دهیم. مطابق با اصل اساسی مرحله توازن قوا، نیروهای جنگنده پارتیزانی شکل اساسی مبارزه را تشکیل می‌دهد. جنگ متحرک نقش ثانوی را بازی می‌کند ولی ضروری است که آنرا گسترش داده و با گذار از آن به ساختمان ارتش خلق دست یابیم که هر سه دسته‌بندی یعنی واحدهای منظم، واحدهای محلی و نیروهای جنگیده پارتیزانی را در بر می‌گیرد.

- در زمینه سیاسی، کوشش برای تحکیم صفوف وحدت ملی و توسعه جبهه واحد، استحکام و تقویت حکومت توده‌ای، تضعیف و تخریب حکومت دست‌نشانده، تشدید کار تبلیغاتی و اقناعی در بین سربازان دشمن و همچنین کوشش برای جلب پشتیبانی کشور های سوسیالیستی و نیروهای صلح‌جو در جهان.

- در زمینه اقتصادی و مالی، بهبود شرایط زندگی مادی و فرهنگی مردم برای انجام مقاومت طولانی، گسترش اقتصاد دموکراسی نوین، ازدیاد معاملات دولتی، آماده نمودن شرایط برای برنامه‌ریزی بخش اقتصادی دولتی، برقراری تجارت خارجی، تجهیز عمومی نیروهای انسانی و مادی طبق شعار "همه چیز در خدمت

جبهه" و "همه چیز در خدمت پیروزی"، تحقق بخشیدن به سیاست ارضی حزب جهت بالا بردن سطح زندگی دهقانان و ازدیاد فرآورده‌های زراعتی، محاصره مناطق تحت نفوذ دشمن و خرابکاری در اقتصاد وی.

- در زمینه فرهنگی و اجتماعی، تعلیم و بسیج سازندگان فرهنگ به خاطر شرکت موثر آنها در مقاومت، ادامه مبارزه علیه بیسوادی، بهبود سیستم تعلیم و تربیت، ایجاد یک فرهنگ نوین ملی علمی و خلقی، پیشبرد جنبش برای زندگی نوین، از بین بردن عادات و رسوم عقب‌مانده و تامین و تضمین بهداشت خلق.

در مارچ ۱۹۴۸ کمیته مرکزی حزب یک جنبش عظیمی برای بیداری روحیه میهن‌پرستی در حزب، ارتش و در میان مردم برپا نمود. آتش میهن‌پرستی و روحیه خلاقیت و سازندگی در میان رزمندگان و هم‌میهنان ما شعله‌ور شد. از برکت آن، جنبش پارتیزانی تقویت گردید. مناطق زیادی در پشت خط دشمن آزاد شدند. صفوف وحدت ملی گسترش نمود. حزب استحکام و توسعه یافت.

حزب ما قبل از انقلاب ماه اگست در شرایط مخفی بود و فعالیت زیرزمینی می‌کرد. بعد از انقلاب ماه اگست حزب ما خود اعمال قدرت کرده و مجموعه خلق را در مقاومت مقدس علیه استعمارگران فرانسوی رهبری می‌نمود. اکثریت قریب به اتفاق کادرها و اعضاء حزب از بوته آزمایشات سخت سربلند برون آمده و در توفان مقاومت آبدیده شده بودند. اشخاصی هم بودند که از این واقعیت که حزب ما قدرت را در دست دارد سرمست شده و به بروکراتیزم و خودستایی درغلطیدند، آنها از توده‌ها جدا افتادند. بعضی از اعضاء نیز با انگیزه‌هایی که خیلی کم می‌تواند مورد تمجید قرار گیرد به حزب پیوسته بودند. در اکتوبر ۱۹۴۷ صدر هوشی مین اثر "سبک کارمان را تغییر دهیم" را انتشار داد. وی در این اثر دوازده

ماده را برای ساختمان حزب تعیین نمود. در ماده اول چنین می‌نویسد:

"حزب ما قصد کمک به تمول و اشرافیت را ندارد. حزب ما وظیفه‌مند است آزادی ملی را به سرمنزل مقصود برساند، خود را شکوفا و مردم را خوشبخت نماید."^[۴]

نامه صدر هوشی مین به رفقای باک بو در مارچ ۱۹۴۷ و اثر "سبک کار مان را تغییر دهیم" دو سند ارزشمند برای کادرها و اعضاء حزب بودند که به آنها کمک می‌نمود خصایل انقلابی خود را تکامل بخشند و سبک کار شان را اصلاح نمایند. صدر هوشی مین مکرراً گوشزد می‌نمود که می‌توان امر مقاومت را به موتور برق و ساختمان کشور را به چراغ تشبیه نمود، هرچه موتور برق قوی‌تر باشد، درخشش چراغ نیز بیشتر است. وی همواره این ضرورت را به کادرها و اعضاء حزب یادآور می‌شد که برای تقویت وحدت و همبستگی در درون حزب مبارزه نمایند.

در جنوری ۱۹۴۹ صدر هوشی مین گفت: "اگرچه رفقای ما داری منشاء اجتماعی و تعلقات خانوادگی مختلف هستند ولی همگی از آموزش واحدی متابعت، هدف واحدی را دنبال می‌کند، در زندگی و مرگ، در غم و شادی یک‌دیگر شریک هستند. لذا آنها باید با تمام نیرو باهم یکی شوند. برای اینکه به هدف مان نایل آییم، کافی نیست که فقط متشکل شویم باید همچنین در تفکر خویش هم حقیقت‌جو باشیم. برای تحقق بخشیدن به وحدت تفکر و وحدت سازمانی دو

[۴] نظر به اینکه در آن زمان موجودیت حزب هنوز علناً اعلان نشده بود، مولف در همه جا بجای "حزب" کلمه "سازمان" را می‌نوشت.

سلاح در دست ما است: انتقاد و انتقاد از خود."

همه- از بالاترین تا پایین‌ترین سطح - باید دو متد را بکار برند تا اینکه وحدت را تقویت نموده و هر روز پیشرفت بیشتری نماییم. وی در ادامه چنین گفت: "حزب ما دارای اعضاء زیادی است ولی همچون تن واحدی حمله می‌نماید. و این از برکت انضباط حزب ما است. ما دارای انضباطی آهنین هستیم، یعنی انضباط سخت که هرکس آنرا آزادانه می‌پذیرد. رفقای ما باید بکوشند که بدان توجه کافی مبذول دارند."

حزب ما تحت رهبری کمیته مرکزی و صدر هوشی مین در سال ۱۹۴۹ یک حزب قدرتمند توده‌ای شده بود. نیروی آن در همه جا توسعه می‌یافت و نقش رهبری‌کننده آن در مقاومت و ساختمان کشور تقویت گردید.

پیروزی‌های ارتش و خلق ما در صفوف جنبش انقلابی جهانی جای گرفته بود. در اکتوبر ۱۹۴۹ انقلاب پیروز شد. در جنوری ۱۹۵۰ جمهوری دموکراتیک ویتنام از طرف اتحاد جماهیر شوروی، چین و دیگر جمهوری‌های دموکراتیک توده‌ای به رسمیت شناخته شده و با آن روابط دیپلماتیک برقرار نمودند.

بر اساس پیروزی‌های به دست آمده در سال‌های ۱۹۴۸/۴۹ و موفقیت‌های مهم دیپلماسی، کمیته مرکزی حزب در سپتامبر ۱۹۵۰ تصمیم گرفت عملیات مرزی را شروع نماید و از این طریق به پیروزی‌های بازهم بزرگ‌تری نایل آمد. ارتش و خلق ما پایگاه‌های مهم دشمن را نابود، پایگاه‌های خود را در ویت باک گسترش داده و یک قسمت از مرزها را آزاد نمودند. و بدین منوال ویتنام بطور فشرده به اردوگاه سوسیالیستی پیوست و بدین ترتیب حلقه محاصره امپریالیستی را درهم

شکست. پیروزی عملیات مرزی، جهش به پیش بزرگی در تکامل توان مبارزاتی و هنر رهبری نظامی حزب ما بود. برای اولین بار در تاریخ مبارزه علیه استعمارگران فرانسوی، نیروهای جنگنده ما حمله عظیمی را شروع نموده و خط دفاعی دشمن را در مرزها در شکست. اگر چه این عملیات به طور سریع انجام گرفت ولی معذالک سه دسته بندی نظامی خوب سازماندهی شده ما - واحدهای منظم، واحدهای محلی و نیروهای پارتیزانی باهم عمل نمودند. در اوایل بعضی‌ها به خاطر عدم تعادل بین نیروهای ما و نیروهای دشمن تصور می‌نمودند که مقاومت ما علیه استعمارگران فرانسوی "مبارزه ملخ علیه فیل" است.

صدر هوشی مین در گزارش سیاسی خود به دومین کنگره کشوری حزب در اوایل سال ۱۹۵۱ چنین گفت: "هر گاه که انسان فقط جنبه مادی را دیده و اوضاع را با دید کوتاه‌بینانه نظاره کند، سرنوشتی جز این نخواهد داشت. زیرا ما تا کنون برای مقابله با هواپیماها و توپ‌های دشمن فقط از نیزه‌های خیزران استفاده می‌کردیم. اما حزب ما یک حزب مارکسیستی - لنینیستی می‌باشد، ما نه تنها زمان حال را بررسی می‌نماییم، بلکه آینده را هم می‌بینیم. ما به نیرو و روحیه توده‌ها و خلق اعتماد داریم و درست بدین جهت است که به مردان و بدبینان جواب می‌دهیم که: شما به ملخ‌ها که فیل را محاصره کرده اند می‌خندید، صبر داشته باشید! حقایق نشان می‌دهند که فیل استعمارگران نفس آخرش را می‌کشد اما ارتش ما مبدل به ببر نیرومند می‌گردد."

کنگره دوم کشوری، تدارک برای تعرض متقابل عمومی

هرچه نیروی ارتش و خلق ما قوت بیشتری می‌یافت، به همان اندازه استعمارگران فرانسوی به وضع بحرانی تری کشیده شده و مجبور به طولانی‌تر

کردن جنگ تجاوزکارانه بودند. نیروهای مسلح دشمن در این موقع خیلی بیشتر از زمان شروع جنگ بود، ولی وضع بد آنها روز به روز بدتر می‌شد. از نظر سیاسی، به علت خصلت غیرعادلانه و تجاوزکارانه جنگ، استعمارگران هرروز بیشتر با صفوف اپوزیسیون رشد یابنده خلق فرانسه و افکار عمومی مترقی جهان تصادم می‌نمود. صفوف خود آنها نیز دستخوش انشعاب و تفرقه شده بود. دولت‌های فرانسه پشت سر هم سقوط می‌کردند. در زمینه اقتصادی فرانسه هر روز بیشتر به امریکا وابسته شده و اوضاع مالی وی مرتب وخیم‌تر می‌شد. هرچه اوضاع استعمارگران فرانسوی بعلت طبیعت ارتجاعی شان و تحت نفوذ روز افزون امپریالیزم امریکا بودن شان، بدتر می‌شد، به همان اندازه در طولانی‌تر کردن "جنگ کثیف" و "ویتنام را علیه ویتنامی برانگیختن"، از خود سرسختی نشان می‌دادند و در نتیجه "شکست‌های خود را از جنگی به جنگ دیگر می‌کشانیدند."

درست بر عکس آن، مقاومت و ساختمان ملی ما ترقی بیشتری می‌نمود، وجهه و اعتبار دولت و حزب ما در سطح بین‌المللی توسعه می‌یافت. این رشد و تکامل باعث نظریات اشتباه‌آمیزی در بین کادرها و اعضاء حزب ما درباره خصلت طولانی بودن مقاومت شده و انحرافات در نوع و شیوه کار نسبت به "تدارک برای گذار سریع و تعرض متقابل عمومی" به وجود آورد. برای تصحیح این اشتباهات صدر هوشی مین در اوایل ۱۹۵۱ در کنگره دوم کشوری چین اظهار نمود: "ما به تدارک خود برای گذار سریع به تعرض متقابل عمومی ادامه می‌دهیم. هر گاه تدارک به نحو رضایت‌بخشی انجام پذیرد، ما دست به تعرض متقابل عمومی خواهیم زد. هرچه بهتر تدارک دیده شده باشد، به همان اندازه

زمان تعرض متقابل عمومی نیز سریع‌تر فرارسیده و شرایط برای انجام موفقیت‌آمیز آن مناسب‌تر خواهد بود."

تغییراتی که در اوضاع کشور و جهان انجام می‌گرفت طلب می‌نمود که به خاطر تکمیل سریع مقاومت، رهبری حزب در تمام سطوح تقویت شود. کنگره دوم کشوری در چنین اوضاعی نقش ویژه مهمی را بازی نمود.

این کنگره از ۱۱ تا ۱۹ فبروری ۱۹۵۱ تشکیل گردید. ۱۵۸ نماینده، ۵۳ مهمان، که نمایندگان بیش از نیم میلیون اعضاء سازمان‌های حزبی در شمال، مرکز، جنوب و خارج از کشور بودند در آن شرکت داشتند.

بعد از سخنرانی افتتاحیه رفیق تون دوک تان، کنگره گزارش سیاسی رفیق هوشی مین و گزارش درباره "انقلاب ویتنام" رفیق ترون شینه را استماع نمود. کنگره سپس بیانیه، برنامه سیاسی و اساسنامه حزب را تصویب نمود. گزارش سیاسی رفیق هوشی مین دارای اهمیت بزرگ تیوری و عملی بود. در این گزارش نه فقط بیان تجربیات مبارزه حزب در عرض بیست سال گذشته بررسی شده بود، بلکه همچنین اهمیت موفقیت‌های انقلاب جهانی را در نیمه اول قرن حاضر نیز روشن شده بود.

او گفت: "نیمه اول قرن بیستم وقایع بی‌شماری را نشان می‌دهد. ولی ما می‌توانیم پیش‌بینی کنیم که نیمه دوم این قرن، با کوشش و فعالیت‌های انقلابیون شاهد تغییرات بازم عظی‌تر و باشکوه‌تری خواهد بود."

این اوضاع ارزیابی دقیق‌تری از دورنمای درخشان انقلاب ویتنام را بدست می‌دهد. در بررسی مراحل درخشان و تاریخی حزب صدر هوشی مین تاکید نمود

که: "ما دارای حزبی قوی و نیرومند هستیم، از این جهت قوی و نیرومند، زیرا که حزب مسلح به تیوری مارکسیزم - لنینیسم می‌باشد، زیرا که اعضاء آن مدام از خود فداکاری نشان می‌دهند و زیرا که حزب از تمایل، اعتماد و پشتیبانی ارتش و تمام خلق برخوردار است."

رفیق ترون شینه در گزارش خود تحت عنوان "درباره انقلاب ویتنام" راه طولانی انقلاب دموکراتیک - ملی توده‌ای ویتنام را ترسیم نمود. برای اولین بار حزب ما روشن نمود که انقلاب بورژوا - دموکراتیک در کشوری همانند کشور ما، انقلابی دموکراتیک ملی توده‌ای می‌باشد.

گزارش تحلیلی از خصلت جامعه ویتنام، از دشمنان مستقیم انقلاب، نیروی محرکه و نقش رهبری‌کننده حزب و غیره را بدست می‌داد. با حرکت از این گزارش رفیق ترون شینه روشن نمود که وظیفه مستقیم انقلاب دموکراتیک - ملی توده‌ای در ویتنام، در بیرون راندن امپریالیست‌های متجاوز فرانسوی و در سرنگونی نیروهای فیودال که در خدمت آنها قرار دارند - که این وظیفه در کسب استقلال ملی و تحقق بخشیدن به دموکراسی توده‌ای نهفته است، تا بالاخره این انقلاب را بدون گذار از مرحله تکامل سرمایه‌داری برای ورود به مرحله سوسیالیسم تکمیل نماید. در گزارش گفته می‌شود: "تحت رهبری طبقه کارگر و زحمتکشان بمثابه نیروی محرکه، این انقلاب نمی‌تواند فقط به انجام اهداف ضد امپریالیستی و ضد فیودالی اکتفا نماید، بلکه تکامل قدرتمند یک حکومت دموکراتیک توده‌ای را نیز ایجاب می‌نماید؛ این انقلاب زمینه سوسیالیسم و شرایط گذار بدان را به وجود می‌آورد. همزمان با آن این انقلاب با انجام کامل وظایف انقلاب بورژوا دموکراتیک به انقلاب سوسیالیستی گذار می‌نماید."

گزارش "درباره انقلاب ویتنام" سند ارزشمندیست که تجربیات بدست آمده بیست سال مبارزه حزب را جمع‌بندی نموده، و بیان تلفیق صحیح تیوری مارکسیزم-لنینیزم با پراتیک انقلاب ویتنام می‌باشد.

برنامه سیاسی حزب زحمتکشان ویتنام که از طرف کنگره حزب بر اساس گزارش سیاسی "درباره انقلاب ویتنام" تصویب گردید، نتیجه تجلی مشی عمومی حزب در انقلاب دموکراتیک- ملی توده‌ای می‌باشد. این برنامه مسایل اساسی انقلاب را به شکل فشرده ولی کامل و دقیق ترسیم نموده و فعالیت عملی حزب را در محله کنونی انقلاب روشن نمود:

"وظایف اساسی کنونی انقلاب ویتنام در بیرون راندن متجاوزین امپریالیستی و کسب استقلال و یک وحدت ملی واقعی، در سرکوبی بقایای فیودالی و نیمه فیودالی، در استرداد زمین به کسانی که روی آن کار می‌کنند، در تکامل و گسترش حکومت دموکراتیک توده‌ای و بالاخره در به وجود آوردن پایه‌های سوسیالیزم نهفته است." (اسناد دومین کنگره کشوری حزب زحمتکشان ویتنام).

کنگره حزب اساس خط و مشی سیاسی ساختمان حزب، ساختمان و تحکیم حکومت، ارتش، جبهه واحد ملی، اقتصاد و مالی و غیره را به خاطر به پیروزی رسانیدن انقلاب تأیید نمود. کنگره تصمیم گرفت وجود حزب را آشکارا اعلان نماید و از این به بعد حزب بنام "حزب زحمتکشان ویتنام" نامیده شد. رفیق هوشی مین به عنوان پرزیدنت و رفیق ترون شینه بعنوان دبیر اول انتخاب شدند.

کنگره دوم کشوری گامی مهم در پروسه بلوغ حزب ما بود. حزب ما توانست برای اولین بار بعد از زمان تاسیس، کنگره وسیعی برگزار نماید که در آن

نمایندگان همه سازمان‌های حزبی داخل و خارج از کشور، که با انتخاباتی دموکراتیک از پایین به بالا انتخاب شده بودند، در خود متمرکز و متحد نمایند. همه مسایلی که برای برخورد و تصمیم‌گیری به کنگره پیشنهاد شده بودند قبلاً در در مقیاس وسیعی در تمام پایه‌های حزب مورد بحث قرار گرفته بودند. مشی روشن و صحیح مصوبه کنگره اساس وحدت حزب و تمام خلق جهت کسب پیروزی‌های نوینی در انقلاب را تشکیل می‌داد.

در مارچ ۱۹۵۱ ویت مینه و جبهه لین ویت وحدت خود را تکمیل نمودند. صفوف وحدت ملی که تحت رهبری طبقه کارگر بوده و متکی بر اتحاد محکم کارگران و دهقانان قرار داشت تقویت و تحکیم گردید. در همان ماه که در آن کنگره دایر گردید استعمارگران متجاوز فرانسوی و مداخله‌گران امریکا با تمام امکانات خود کوشش می‌نمودند که از این ایده‌ال مشترک یعنی استقلال ملی جلوگیری کنند. کمیته مرکزی در سال ۱۹۵۲ جنبش "سه اصلاح"، اصلاح در ارتش، اصلاح در کار توده‌ای را رهبری نمود.

در طول سال‌های ۱۹۵۳-۱۹۵۱ این جنبش، سبب استحکام و تقویت دستگاه رهبری حزب شده و گسترش نیروهای جنگنده مسلح را که جواب‌گوی احتیاجات شرایط این زمان بودند، شریطی که در آن مقاومت وارد مرحله تعیین‌کننده خود شده بود باعث گردید.

همزمان با موفقیت‌های سیاسی و نظامی از سال ۱۹۵۱ ما همچنین به نتایج خوب اقتصادی نیز رسیدیم. جنبش بالا بردن سطح تولید مایحتاج خود همواره قوس صعودی می‌پیمود. ما نه فقط موفق شدیم مواد خوراکی اساسی و خوار و بار و دیگر اجناس مایحتاج زندگی اهالی و ارتش را تولید کنیم، بلکه حتی

توانستیم اسلحه نیز بسازیم. ما کارگاه‌هایی برای تولید نارنجک، مین، بمب، محفظه، بازو کا و توپ‌های سبک به وجود آوردیم. ما اقتصاد دوران مقاومت را با محتوی اقتصاد دموکراتیک نوین به وجود آوردیم.

حزب ما به ویژه توجه زیادی به بالا بردن سطح زندگی توده‌ها معطوف می‌داشت. حزب ما دست به سیاست پایین آوردن مالیات‌ها و مال‌الجاره و دیگر اقدامات سیاسی زده بود، که می‌بایستی قدم به قدم استثمار دهقانان توسط مالکان ارضی را محدود و تا حدود معینی شرایط زندگی آنان را بهتر نماید. در همان مقیاسی که مقاومت رشد نموده بود، اقدامات یادشده برای بالا بردن سطح زندگی دهقانان و مقاومت ناکافی بود. بعد از اینکه کمیته مرکزی حزب در سال ۱۹۵۳ نتایج سیاست ارضی که از انقلاب ماه اگست به این طرف انجام گرفته بود را مورد بررسی قرار داد، تصمیم گرفت که یک جنبش توده‌ای برای پایین آوردن اساسی مال‌الجاره و پس دادن بهره‌های غیرقانونی و بالاخره شروع رفرم ارضی، به‌راه بیندازد و از این طریق درست در بحبوحه مقاومت به شعار "زمین مال کسی است که روی آن کار می‌کند" تحقق بخشید. کار توده‌ای در زمینه جنبش اصلاحی کوششی بود که با فعالیت انجام رفرم ارضی همگون شد.

از برکت انجام این اقدامات صحیح، نیروهای مقاومت خلق ما تقویت شده و یکی پس از دیگری به پیروزی‌های بزرگی نایل آمدند.

پیروزی تاریخی دین بین فو و کنفرانس هند و چین در ژنو

هرچه جنگ هند و چین طولانی‌تر می‌شد، به همان نسبت تلفاتی سنگین‌تری بر استعمارگران وارد می‌آمد. از سال ۱۹۵۳ به بعد تقریباً تمام گروه‌های اعزامی

(Expéditionskorps) فرانسوی‌ها در اثر "اشغال" و "رام کردن" از کار افتاد و نیروهای نظامی متحرک آن بطور قابل توجهی نقصان یافت. اقتصاد و بنیه مالی فرانسه در حال ورشکستگی بود؛ در صفوف استعمارگران فرانسوی تضادها تشدید می‌یافتند. امپریالیزم امریکا، که شکست مفتضحانه‌ای در جنگ کره خورده بود، بطور شدیدتری در مسایل هند و چین مداخله می‌نمود. امپریالیزم امریکا کمک‌های خود را به استعمارگران فرانسوی و سگ‌های زنجیری شان بیشتر نمود و همچنین فرانسه را مجبور کرد که به اصطلاح "استقلال" دست‌نشاندها را تقویت بخشیده و نفوذ امریکا را در ارتش، دستگاه حکومتی و رهبری جنگ هند و چین به رسمیت بشناسد. با توافق ایالات متحده امریکا در سال ۱۹۵۳ ناواره (Henri Eugène Navarre) به سمت فرمانده کل ارتش فرانسه در هند و چین برگزیده شد. استعمارگران فرانسوی "طرح ناواره" را ریخته، طرحی که در واقع توسط امریکایی‌ها تهیه شده و رهبری انجام آن هم به عهده امپریالیست‌های امریکایی بود. هم فرانسوی‌ها و هم امریکایی‌ها تصور می‌کردند که در عرض هجده ماه ابتکارات استراتژیکی را دوباره بدست خواهند گرفت و اوضاع جنگ در هند و چین تحت اراده آنها در خواهد آمد.

در اوایل سال ۱۹۵۳ کمیته مرکزی بر اساس یک تحلیل علمی از اوضاع نظامی در تمام منطقه هند و چین، استراتژی دقیقی را برای عملیات زمستانی و بهاری ۱۹۵۳/۵۴ تدوین نمود، این استراتژی عبارت بود از: تمرکز نیروهای نظامی ما، حمله به نقاط مهم استراتژیکی‌ای که دشمن در آنجا در موضع نسبتاً ضعیفی قرار داشت، تا بدین وسیله قوای دشمن را پراکنده نموده و شرایط مساعد نوینی را برای نابودی قوای عمده دشمن و بسط مناطق آزاد شده فراهم آید. همزمان با آن ما سیاست جنگ پارتیزانی را در پشت جبهه دشمن تقویت نموده از مناطق

آزادشده دفاع کرده و شرایطی را به وجود می‌آوردیم که ارتش منظم ما بتواند متمرکز شده و دشمن را در مناطق مورد نظر نابود سازد.

عملیات مداوم ارتش ما از همه طرف "طرح ناواره" را که طبق آن ارتش دشمن در منطقه دلتای باک بو متمرکز شده بود، عقیم گذاردند. نیمی از نیروهای نظامی متحرک دشمن نتوانستند از مناطق کوهستانی خارج شوند و این امر باعث موج نوینی در گسترش جنگ پارتیزانی در مناطق اشغالی شد. در استان کوآن بینه، کوآن تری و توآ تین و همچنین در جنوبی‌ترین نقطه ترون بو نیروهای جنگنده محلی و واحدهای پارتیزانی ما عملیات پاک‌سازی (عملیاتی بود که دشمن یک منطقه را از وجود هرگونه نیروی انقلابی پاک می‌کرد - مترجم) دشمن را به شکست کشانیدند و مهم‌ترین راه‌های حمل و نقل دشمن را منهدم نموده و زمینه جنگ پارتیزانی را گسترش دادند. تمام حملات دشمن علیه مناطق آزادشده به شکست وی منجر گردید. ما در نام بو جنگ پارتیزانی را تقویت نمودیم، کار تبلیغاتی و اقماعی بین سربازان و کارگزاران شخصی دست‌نشانندگان را تشدید و هزاران پاسگاه و برج‌های مراقبت را منهدم نمودیم. در نوامبر ۱۹۵۳ ناواره که بخشی از ارتش منظم ما را به سمت شمال غربی در حرکت دید، دستور داد ۵۰۰۰ چترباز بر روی دین بین فو فرود آیند. هدف آنها این بود که آنرا اشغال کنند و پایگاهی در این منطقه به وجود آورند و از شمال لائوس دفاع نمایند. در نتیجه ناواره استحکامات نظامی خویش را تقویت نمود و تصمیم گرفت دین بین فو را به صورت مستحکم‌ترین پایگاه نظامی فرانسه در هند و چین درآورد.

در دسامبر ۱۹۵۳ کمیته مرکزی تصمیم گرفت ضربه استراتژیکی بسیار مهمی را

در دین بین فو بر دشمن وارد نماید و به فرمانده کل نیروهای ارتش خلق، ژنرال نگوین جیپ دستور حمله را داد. هدف استراتژیکی کمیته مرکزی به زودی تبدیل به اراده مبارزاتی و عملیات مصممانهٔ مجموعهٔ حزب، ارتش و خلق گردید. واحد های توپخانه و پیاده نظام ما با نیروی بازوی خویش و ساده‌ترین ابزار صد ها کیلو متر جاده در عرض و طول کوه‌ها و جنگل‌ها که به صحنه نبرد منتهی می‌شد ساختند، آنها در زیر آتش نیروهای دشمن صدها کیلومتر خندق و نقب‌های ارتباطی زدند. آنها مجبور بودند در حالی که آتش توپخانه دشمن بر روی آنها گشوده شده بود، راه خود را در امتداد سراسیمه کوه‌ها به میدان‌های نبرد باز کنند.

با شعار "همه چیز در خدمت جبهه"، "همه چیز در خدمت پیروزی"، ۲۰۰ هزار نفر از زحمتکشان در خدمت جبهه دین بین فو بسیج شده بودند که توان آن معادل بیش از سه میلیون روز کار یک کارگر بود. ده‌ها هزار نفر در گردان پیشقراول جوانان با کمک واحدهای فنی بر روی جاده‌های جدید کار می‌کردند، بمب‌های ساعتی دشمن را از کار می‌انداختند تا اینکه رفت و آمد در راه‌های مختلف حمل و نقل و ارتباطی را حفظ نمایند. ده‌ها هزار قایق، دوچرخه‌های باربری و گاری‌هایی که با گاو میش، گاو و اسب کشیده می‌شدند، به کار افتادند تا صدها هزار تن برنج، خواروبار و مهمات جنگی را به جبهه برسانند. در جبهه مبارزه علیه فیودالیزم، رفرم ارضی پیشرفت‌های بزرگی نمود. دهقانان وارسته از زنجیرهای ایدئولوژیکی فیودال که سرشار از روحیهٔ رزم‌جویی و انقلابی بودند، به پاخاستند تا طبقهٔ مالکان ارضی را سرنگون نمایند و این خود الهام‌بخش رشد نیروهای مقاومت شد. مبارزه علیه متجاوزان فرانسوی به شکل حادی درآمده بود، شعار "استقلال ملی" و "زمین مال کسی است که روی آن کار می‌کند" توانستند

هم‌زمان باهم تحقق یابند و مبارزه مسلحانه و مبارزه سیاسی در سطح بسیار عالی پیوند یافته و نیروهای وسیعی را آزاد نمود که می‌بایستی در خدمت پیروزی دین بین فو قرار گیرند.

بعد از ۵۵ شبانه روز مبارزه لاینقطع در ۷ می ۱۹۵۴ نیروهای جنگنده مسلح ما استحکامات دشمن را کاملاً نابود نمودند، بیش از ۱۶ هزار سرباز را کشته و یا به اسارت گرفتند. تمام سپاهیان اردوگاهی که تحت فرماندهی ژنرال ل کاستریه بودند پرچم سفید بلند نموده و تسلیم شدند.

دین بین فو بزرگترین پیروزی است که ارتش و خلق ما در مقاومت علیه استعمارگران فرانسوی و مداخله‌گران امریکایی کسب نمود: نبرد دین بین فو یکی از بزرگترین جنگ‌های نابودکننده در تاریخ مبارزه خلق‌های ستمکش علیه ارتش حرفه‌ای استعمارگران می‌باشد. این پیروزی برای همیشه الهام‌بخش شور و شوق ارتش و خلق ما باقی خواهد ماند. به صورت تکانی قدرتمند برای جنبش آزادی‌بخش ملی تمام کشورهای استعماری که تحت ستم استعمار امپریالیزم رنج می‌برند، خواهد بود. در طی عملیات زمستان و بهار ۱۹۵۳/۵۴ که پیروزی دین بین فو در آن بدست آمد ۱۱۲ هزار نفر از سربازان دشمن از صحنه نبرد خارج شدند و مناطق استراتژیکی مهمی آزاد شدند. این عملیات و پیروزی دین بین فو طرح ناواره را نقش بر آب نموده و به مقیاس تعیین‌کننده‌ای به پیروزی‌های ما در کنفرانس ژنو کمک نمود. در زمانیکه ارتش ما خود را بری سومین حمله، که وضع استحکامات نظامی در دین بین فو را تعیین می‌نمود، آماده می‌کرد، در ۲۶ اپریل ۱۹۵۴ کنفرانس ژنو وارد جلسهٔ افتتاحیهٔ خود شد. هیئت نمایندگی دولت ما تحت رهبری رفیق فام وان دون معرف یک ملت پیروز بود.

ما در دین بین فو در مساعدترین لحظات موفقیت‌های بسیار مساعدی را به دست آوردیم و توانستیم رابطه‌ی عالی بین مبارزه‌ی نظامی و مبارزه‌ی دیپلماسی برقرار نماییم.

کمیته‌ی مرکزی حزب در این اثناء پلنوم ششم را برگزار نمود (جولای ۱۹۵۴).

پلنوم توافق کامل خود را نسبت به تصمیم دفتر سیاسی اعلام نمود، که برای برقراری مجدد صلح در هند و چین بر اساس به رسمیت شناختن استقلال، عدم وابستگی، وحدت و احترام به تمامیت ارضی ویتنام از طرف فرانسه وارد مذاکره شوند. این پلنوم تصمیم گرفت، "لبه‌ی نیز حمله خود را متوجه‌ی امپریالیست‌های امریکا و جنگ‌طلبان فرانسه نماید و همچنین بر اساس پیروزی‌های بدست آمده برای برقراری مجدد صلح در هند و چین مبارزه کرده، نقشه‌های امپریالیزم امریکا را مبنی بر طولانی‌تر کردن و گسترش جنگ محکوم به شکست نمود، صلح را تحکیم و وحدت، استقلال و دموکراسی را در تمام کشور برقرار نماید."

بعد از ۷۵ روز مذاکره‌ی سخت، کنفرانس هند و چین در ژنو به تاریخ ۲۰ جون ۱۹۵۴ با موفقیت به پایان رسید. دولت فرانسه برقراری مجدد صلح در هند و چین را بر اساس قبول استقلال، عدم وابستگی و وحدت و احترام به حاکمیت ارضی ویتنام، لائوس و کامبوج از طرف دولت فرانسه و دیگر شرکت‌کنندگان در کنفرانس پذیرفت. نیروهای نظامی طرفین می‌بایستی در دو طرف خط متمایز موقت مستقر گردند. خلق ویتنام می‌بایستی در جولای ۱۹۵۶ یک انتخابات عمومی آزاد برای متحد نمودن مجدد کشور انجام دهد. فرانسوی‌ها می‌بایستی نیروهای خود را از هند و چین بیرون بکشند.

با توجه به توافق کشور های شرکت کننده در کنفرانس ژنو، امپریالیست های امریکا با وجود سرسختی زیاد و عدم قبول بیانیه اختتام، بالاخره خود را مجبور دیدند که یک بیانیه ویژه انتشار دهند، که در این بیانیه آنها خود را موظف می نمودند قرارداد کنفرانس هند و چین در ژنو را بپذیرند.

پیروزی بزرگ ما در کنفرانس ژنو نتیجه حدود یک قرن مبارزه خلق های هند و چین علیه امپریالیزم و به خاطر آزادی ملی بود، این پیروزی به ویژه نشانه سربلندی نه سال مبارزه خلق ویتنام تحت رهبری حزب و صدر هوشی مین می باشد. تنظیم مسالمت آمیز مسائل هند و چین بر مبنی روح قرارداد کنفرانس ژنو، ۱۹۵۴ نه فقط بیان گر پیروزی بزرگ خلق های هند و چین بود، بلکه همچنین پیروزی بزرگی برای خلق های جهان که به خاطر صلح، استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیزم مبارزه می نمایند، به شمار می آید.

خلق ما با تقریباً نه سال مقاومت قهرمانانه و سرسختانه شمال کشور را کاملاً از یوغ استعمارگران فرانسوی آزاد کرده و شرایط لازم برای انجام کامل انقلاب ارضی و گذار بمرحله انقلاب سوسیالیستی را به وجود آورد.

خلق ما در جنگ مقاومت نه فقط مجبور بود علیه متجاوزان استعمارگر فرانسوی مبارزه نماید، بلکه همچنین می بایستی دسیسه امپریالیست ها و در راس آنان امپریالیزم امریکا را درهم شکند که می خواهد کشور ما را تسخیر کرده، حزب ما را درهم شکسته، جنبش انقلابی را در ویتنام سرکوب نموده و در جنبش انقلابی جهان خرابکاری نماید. خلق ما با انجام پیروزمندانه مقاومت نه فقط وظیفه خود را در راه نیل به آزادی ملی انجام داد، بلکه همچنین به وظایف خود در قبال انقلاب جهانی نیز تحقق بخشید.

صدر هوشی مین در مقاله‌هایی که به مناسبت سی‌امین سالگرد تاسیس حزب ما به رشتهٔ تحریر درآورد چنین می‌نویسد:

"برای اولین بار در تاریخ، یک کشور کوچک، ضعیف و مستعمره بر کشوری قوی و استعمارگر پیروز گردید. این پیروزی باشکوهی برای خلق ویتنام محسوب می‌شود. این همچنین جزئی از پیروزی نیروهای مدافع صلح، دموکراسی و سوسیالیسم در جهان می‌باشد. مارکسیزم-لنینیسم با پرتو خود راهی را پیش پای طبقهٔ کارگر و خلق ویتنام روشن نمود که به پیروزی مبارزه علیه تجاوز، نجات ملی و حفظ دستاورد های انقلابی انجامید."



قسمت سوم

انقلاب سوسیالیستی در شمال

و

انقلاب دموکراتیک. ملی توده‌ای در جنوب

۱۹۵۴-۱۹۶۵

نه سال مقاومت دلیرانه و بی‌اندازه سخت خلق ما تحت رهبری حزب، انقلاب ما را به پیروزی بزرگی هدایت نمود. نیروهای انقلابی در سال ۱۹۵۴ به آن اندازه قوی نبودند که سرتاسر میهن را آزاد سازند، دشمن مغلوب اما کاملاً نابود نشده بود. بدین ترتیب کشور ما موقتاً تقسیم شد: شمال کاملاً آزاد گردید و جنوب تحت سلطهٔ امپریالیست‌های امریکایی و دست‌نشانندگان شان باقی ماند. در قبال چنین اوضاعی خلق ما وظیفه دارد جنگ رهایی‌بخش را در جنوب ادامه داده تا انقلاب دموکراتیک - ملی توده‌ای را به سرانجام رساند، و به اتحاد صلح‌آمیز مجدد کشور تحقق بخشد.

هدف‌های مختلف استراتژیکی انقلاب که برای هر منطقه متفاوت تعیین شده اند، در ارتباط محکمی باهم هستند، بخش کاملاً آزاد شدهٔ شمال که در مرحله



انقلاب سوسیالیستی و گذار به سوسیالیزم گام برمی‌دارد پایگاه استوار انقلاب در تمام کشور است. جنوب به انقلاب دموکراتیک- ملی توده‌ای ادامه می‌دهد. سرنگونی امپریالیزم یانکی و دست‌نشانده‌گانش که منافع مالکان ارضی و بورژوازی کمپرادور وابسته به امریکا را نمایندگی می‌کنند، هدف قرار داده است. جنوب باید آزاد گردد، از شمال باید دفاع شود و اتحاد صلح‌آمیز مجدد میهن به انجام رسد. با اتحاد نیروهای انقلاب سوسیالیستی در شمال و انقلاب دموکراتیک- ملی توده‌ای در جنوب خلق ما بلاشک توفیق خواهد یافت ویتنامی صلح‌جو، متحد، مستقل، دموکراتیک و آباد بسازد.

شمال را کاملاً آزاد سازیم، رفرم ارضی و استقرار مجدد اقتصاد ملی را به سرانجام رسانیم و خود را جهت انجام انقلاب سوسیالیستی آماده سازیم

نشست دفتر سیاسی در سپتامبر ۱۹۵۴ اهداف و وظایف مشخص مرحله جدید را به شرح زیر تعیین نمود:

"برای یک مدت معین وظیفه عمومی حزب ماست که خلق را متحد سازد و مبارزه‌اش را در جهت حفظ قرارداد آتش‌بس هدایت نماید و برای تحکیم صلح از هر نوع خرابکاری در امر قرارداد پیش‌گیری کرده و با آن مبارزه کند. جهت انجام کامل رفرم ارضی، استقرار مجدد تولید و توسعه آن، تقویت ساختمان ارتش خلق برای تثبیت شمال، پشتیبانی از مبارزه اهالی جنوب و تشجیع آن تمام مساعی باید به کار برده شوند تا صلح مستحکم گشته، اتحاد مجدد تحقق یافته و استقلال و دموکراسی در تمام میهن مستقر گردد."

انجام کامل این وظایف به معنی یک پروسه مبارزه انقلابی طولانی سخت و مشکل است که الزاما با موفقیت ترین خواهد گشت. کمیته مرکزی حزب به کادرها و اعضاء خود گوشزد می کند که جهت تقویت توان مبارزاتی شان، برای مبارزه با هرگونه پاسیفیزم، راحت طلبی و احمال در امر مبارزه، تمام بیداری انقلابی خود را به کار گیرند. هنگام کار در شهرها لازم است که بر تعارض بورژوازی پیشی جسته و آنها عقب زنند.

امپریالیست های فرانسوی پس از آن که مجبور به ترک شمال سرزمین ما گردیدند همچنان به ایجاد مشکلات در کار ما ادامه می دادند. آنها قرارداد آتش بس را لگدمال نمودند، در خروج و مجزا کردن نیروها اهمال ورزیدند، از آزاد کردن اسرای جنگی ما سر باز زدند، هم میهنان ما را اغفال کرده و آنها را به رفتن به جنوب مجبور ساختند، هزارها تن ماشین آلات، مصالح و اموال عمومی را باز کرده، با خود برده و یا نابود ساختند. خلق ما شجاعانه در مقابل این اقدامات ایستاد. هنگامی که ما شهرهای بزرگ را تصرف می کردیم، خلق ما اهداف دشمن را مبنی بر ایجاد اغتشاش و وضع بحرانی درهم شکست، بطوری که این تصرف می توانست سریع و بدون اصطکاک انجام پذیرد.

در اول جنوری ۱۹۵۵ مردم ما میتنگ بزرگی را در میدان "بادینه" جهت ابراز خوش آمد به صدر هوشی مین، کمیته مرکزی حزب و دولت که پس از نه سال مقاومت قهرمانانه دوباره وارد پایتخت می شدند، برگزار نمودند. این واقعه سیاسی مهم با همه برد سیاسی اش جمیع هم میهنان ما را عمیقا به حرکت درآورد. در ۱۶ می ۱۹۵۵ منطقه هایفونگ کاملا تخلیه شد. با خروج آخرین سربازان گروه های اعزامی فرانسوی از ویتنام، نیمی از میهن ما کاملا آزاد گردید. این پیروزی

بزرگی برای خلق ما بود.

شمال آزاد شده شرایط لازم را برای انجام انقلاب سوسیالیستی به وجود آورد. ما مبارزه با مشکلات بزرگی را در پیش داشتیم ولی در عین حال از شرایط اولیه مناسبی نیز برخوردار بودیم. بزرگترین مانع، ضمن تقسیم موقتی میهن ما، نابود گردیدن اقتصاد عقب‌مانده کشور در طی ۱۵ سال جنگ بود. با این همه حزب ما رهبری انقلابی خود را حفظ کرده و محبوبیتش بیشتر شد، دولت دیکتاتوری دموکراتیک خلق ما شروع به انجام وظایف تاریخی دیکتاتوری پرولتاریا نمود، کشور ما ذخایر طبیعی غنی در اختیار داشت و خلق ما متحد، میهن‌پرست و کاری بود. برعلاوه، ما کمک‌های بی‌شایبه کشورهای سوسیالیستی برادر را دریافت می‌کردیم.

خلق ما تحت رهبری حزب تمام مساعی خود را جهت استفاده از شرایط مناسب و فایز آمدن بر مشکلات برای انجام موفقیت‌آمیز دو وظیفه بزرگ بکار بست: انجام کامل رفرم ارضی و همچنین استقرار مجدد اقتصاد ملی، تا شمال بتواند بمرحله انقلاب سوسیالیستی گام نهد.

اساسی‌ترین وظیفه استراتژیکی انقلاب دموکراتیک- ملی توده‌ای یعنی رفرم ارضی تا آنزمان فقط در چند منطقه تحقق یافته بود. برای اینکه انقلاب سوسیالیستی در دستور قرار گیرد و توده‌های خلق راضی گردند می‌بایستی این وظیفه بطور کامل و ریشه‌ای انجام می‌پذیرفت. حزب توانست با بسیج ده‌ها هزار کادر جنبش اصلاحی را توسعه بخشیده و آنرا تسریع نماید.

در تابستان ۱۹۵۶ رفرم ارضی در دلتا، در نواحی مرکزی و همچنین در تعدادی از

نواحی کوهستانی به پایان رسید. از اگست ۱۹۵۹ به بعد ناحیه شمالی با تکیه بر قطعنامه شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی (اپریل ۱۹۵۹) انجام رفرم ارضی را در راه "کوپراسیون کشاورزی و جنبش توسعه تولید و همچنین انجام اصلاحات دموکراتیک" تعقیب نمود، بطوری که حق مالکیت فیودالی بر زمین از بین رفت و شعار "زمین از آن کسی است که روی آن کار می‌کند" بکار بسته و تریبی داده شد تا اینکه دهقانان کوه‌نشین آقای زمین خود شدند و وحدت بین اقلیت‌های بومی تقویت گردید.

در جریان رفرم ارضی و اصلاحات دموکراتیک اقدامات زیر انجام گرفت:

- سرنگونی کامل طبقه مالکان ارضی که هدف اساسی انقلاب دموکراتیک در شمال کشور ما بود.

- مالکیت ارضی فیودالی بطور قطعی از بین برده شد، ۸۱۰ هزار هکتار زمین که در تصرف زمین‌داران بود بین کارگران کشاورزی فاقد زمین یا تقریباً فاقد زمین جهت تحقق بخشیدن به شعار "زمین از آن کسی است که روی آن کار می‌کند" تقسیم گردید.

- آزادی دهقانان از یوغ هزار ساله فیودالیزم تحقق یافت و دهقانان شمال امکان یافتند در زمینه سیاسی و اقتصادی آقای واقعی زمین خود گردند.

- صفوف اتحاد کارگران و دهقانان که اساس جبهه واحد ملی و قدرت دموکراتیک خلق می‌باشد، تقویت و تثبیت گردید.

در جریان رفرم ارضی اشتباهات بزرگی نیز رخ دادند. اما از آنجایی که کمیته

مرکزی این اشتباهات را به موقع شناخت و مصممانه تصحیح نمود موفقیت‌های اساسی کسب گردید.

حزب همزمان با رفرم ارضی استقرار مجدد اقتصاد ملی را آغاز کرد: به شکرانهٔ زحمات مان و کمک‌های بی‌دریغ کشور های سوسیالیستی برادر، انجام این وظایف مقارن با اواخر ۱۹۵۷ بطور عمده با موفقیت به پایان رسید. میزان تولید صنعتی و کشاورزی به سطح سال ۱۹۳۹ نزدیک شد. تولید مواد غذایی به بیش از چهار میلیون تن رسید که به میزان زیادی بیش از تولید سال‌های قبل از جنگ بود. بخش اقتصاد دولتی تثبیت گردید.

حقوق و امتیازات اقتصادی امپریالیزم از بین برده شد. فعالیت اقتصادی کشور مجدداً به سیر عادی برگشت. پس از برطرف شدن مشکلات، ما شروع به بهبود وضع زندگی خلق نموده و به این ترتیب مقدمات گام نهادن به مرحلهٔ گذار و ساختمان سوسیالیزم را فراهم ساختیم.

حزب ما در دورهٔ ساختمان مجدد اقتصادی تصمیمات جدی جهت تثبیت جبههٔ واحد ملی اتخاذ کرد. در ۵ سپتامبر ۱۹۵۵ کنگرهٔ جبهه تصمیم گرفت که صفوف وحدت بزرگ ملی را گسترش بخشد. جبههٔ میهنی ویتنام ایجاد شد و کمیته مرکزی آن به صدارت رفیق تون دوک تانک انتخاب گردید. دولت دیکتاتوری دموکراتیک خلق که وظیفهٔ تاریخی دیکتاتوری پرولتاریا را به عهده داشت؛ تقویت شد. مجلس ملی (اولین دورهٔ قانون‌گذاری) در پنجمین نشست خود در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۵۵ رفیق فام وان دون را به عنوان نخست‌وزیر وقت انتخاب نمود. تصمیمات دوازدهمین نشست (وسیع) کمیتهٔ مرکزی حزب مشی تقویت دفاع ملی و ساختمان ارتش منظم و مدرن را تعیین نمود.

در طول این دوره خلق ما دسایس گروه کوچکی از ضد انقلابیون را که سربلند کرده و از تصحیح اشتباهات در رفرم ارضی و ترمیم سازمانی سوءاستفاده می نمودند تا در مقابل رهبری حزب و دولت بایستند، درهم شکست.

تحقق برنامه سه‌ساله سوسیالیستی و آغاز تکامل اقتصادی و فرهنگی (۱۹۵۸-۶۰)

رفرم ارضی و ساختمان مجدد اقتصاد به تغییرات قابل توجهی در جامعه شمال منجر شدند. با این همه اقتصاد میهن هنوز در مجموع ناهمگون می‌باشد. فعالیت فردی دهقانان، صنعتگران، تجار کوچک، صاحبان کارگاه‌های کوچک کماکان فضای مهمی را اشغال می‌نماید. کارگران در کارگاه‌های خصوصی هنوز از یوغ استثمار بورژوازی رها نشده اند. برای اینکه شمال بسوی سوسیالیزم روان گردد ضروری بود که تغییرات در سطح وسیع‌تری انجام گیرد.

بلافاصله پس از پیروزی در جنگ مقاومت علیه استعمارگران، ویتنام شمالی کاملاً آزاد شده از انقلاب دموکراتیک- ملی توده‌ای به انقلاب سوسیالیستی گام نهاد. تمام کادرها و اعضاء حزب در این زمینه ضرورت این انقلاب را به وضوح تمام درک نکرده بودند و از جانب دیگر قصد دشمن مدام این بود که در صفوف جبهه واحد ملی تفرقه انداخته و در مقابل رهبری حزب و انقلاب سوسیالیستی بایستند. کمیته مرکزی دست به اقدامات شدیدی زد تا ضد انقلاب را سرکوب کرده و ایدئولوژی سوسیالیستی را بین کادرها، مبارزان و خلق اشاعه دهد. این در عمل مهم است که هر فرد راه سوسیالیستی را از سرمایه‌داری تمیز دهد، ضرورت تکامل به سوسیالیزم را بشناسد و بتواند با این گرایش که گویا باید اجازه داد سرمایه‌داری تا زمان معینی آزادانه گسترش یابد و آنوقت به مرحله

سوسیالیزم روان شد، مصممانه مبارزه کند. همزمان با این حزب علیه تصورات نادرست نسبت به رابطه بین انقلاب سوسیالیستی در شمال و وظیفه آزادی جنوب مبارزه کرد. بعضی‌ها می‌ترسیدند که ساختمان سوسیالیزم در شمال اشکالاتی در مبارزه جهت اتحاد مجدد میهن به وجود آورد. حزب نشان داد که درست به خاطر ایجاد شرایط مناسب‌تری برای آزادی جنوب و جهت اتحاد مجدد شمال بایستی با گام‌های سریع، پرتوان و مصمم به سوسیالیزم گذار نمود.

چه متدها، کدام اشکال و چگونه سرعتی را باید تحت شرایط ویژه ویتنام، در زمانی که هنوز میهن به دو بخش تقسیم شده است، انتخاب کنیم که شمال آزاد شده از یوغ فیودالیزم و استعمار بدون عبور از مرحله تکامل سرمایه‌داری به سوسیالیزم گذار کند؟ چهاردهمین پلنوم کمیته مرکزی (نوامبر ۱۹۵۸) مقرر داشت که وظیفه مرکزی کنونی در این است که دگرگونی سوسیالیستی اقتصاد فردی دهقانان و صنعتگران و همین‌طور اقتصاد خصوصی سرمایه‌داری را به جلو رانده، تا بتوان هم‌زمان باهم تمام نیروها را جهت تکامل بخش اقتصاد دولتی که نیروی تعیین‌کننده در اقتصاد ملی است، به کار گیریم. مهمترین نکته تغییر و تکامل کشاورزی است.

مشى حزب در تغییر سوسیالیستی کشاورزی این است که دهقانان منفرد سازمان داده شده در گروه‌های تعاون متقابل (سلول‌های جینی سازمان سوسیالیستی) را به سازمان‌های تعاونی تولیدی کشاورزی سطح پایین (نیمه سوسیالیستی) و بالاخره به سازمان‌های تعاونی رشدیافته در سطح بالاتر (سوسیالیستی) ارتقاء دهد. این بدان معنی است که کلکتیویزه کردن کشاورزی که به مکانیزه بودن مشروط می‌گردد، همپای آبیاری و سازماندهی نوین کار حرکت نماید. کلکتیویزه

کردن به تکامل صنعتی سوسیالیستی کمک نموده و این خود از جانب دیگر شرایط را برای تثبیت و تکامل کلکتیویزاسیون فراهم می‌سازد.

حزب در ارتباط با صنعتگران مقرر داشت که آنان را در شرکت‌های تعاونی صنعتگران تجمع داده، مواد خام، جنس و تجهیزات در اختیار آنان قرار گیرد تا اینکه آنها قدم به قدم تکنیک خود را نوسازی نموده بازده کار را افزایش داده و کیفیت محصولات خود را بالا برند و به انجام برنامه دولتی کمک کنند.

حزب در رابطه با صنعت و تجارت سرمایه‌داری خصوصی مشی دگرگونی مسالمت‌آمیز را تعقیب می‌کند. در مرحله انقلاب سوسیالیستی، بورژوازی ملی کماکان رهبری حزب را به رسمیت شناخته، به تربیت حزب گردن نهاده و به برنامه جبهه واحد ملی احترام می‌گذارد. دولت در زمینه اقتصادی به جای مصادره وسایل تولید بورژوازی آنرا خریداری می‌کند. بورژوازی ملی در زمینه سیاسی بمثابة یک بخش از جبهه میهنی قلمداد می‌شود. حزب در ارتباط با تجار کوچک تصمیم گرفت که آنان را تربیت کند و به آنها در مستحیل شدن قدم به قدم شان در زندگی کلکتیوی کمک نموده بخش بزرگی از آنان را در تولید وارد سازد.

رهنمودهای صحیح و همچنین سیاست درست حزب و دولت در زمینه تحول سوسیالیستی اقتصاد از جانب توده‌های وسیع، به ویژه در مناطق روستایی که از سال ۱۹۵۹ جنبش کوپراسیون کشاورزی به یک جریان عظیم توده‌ای تبدیل شده است، پذیرفته شد. مبارزه بین راه سوسیالیستی و سرمایه‌داری، بین منافع به حق کلکتیو و منافع فرد در برخی نقاط و بعضی موانع بی‌اندازه مشکل و پیچیده انجام گرفت. تحت چنین شرایطی حزب می‌بایست حقیقتاً یک پارچه، مصمم و قوی باشد و یک همبستگی کامل را به ثبوت رساند. صدر هوشی مین

در سپتامبر ۱۹۵۷ بیان داشت "حزب باید در دوره انقلاب سوسیالیستی از هر زمان دیگری قوی تر باشد. دگرگونی جامعه بدون یک تربیت نوین و بالا بردن اخلاق اعضاء حزب امکان پذیر نخواهد بود. انقلاب سوسیالیستی از مبارزان و کادرها یک موضع محکم پرولتری و یک آگاهی عمیق سوسیالیستی می طلبد. این دو (مبارزان و کادرها- مترجم) باید خود را کاملاً از تأثیرات ایدئولوژی طبقات استثمارگر و همچنین فردگرایی رهنانیده و به روحیه کلکتیوی گردن نهند."

به شکرانه تربیت دقیق حزب و صدر هوشی مین تقریباً مجموعه کادرها و مبارزان توانستند کیفیت کمونیستی خود را هنگام گذار به مرحله تاریخی جدید حفظ نمایند. آنان علاقمندانه به میان توده‌ها رفتند تا آنان را تربیت و بسیج نموده و مشی حزب را با موفقیت اجراء کنند. در پایان سال ۱۹۶۰ یعنی تنها پس از سه سال، دگرگونی در کشاورزی با ایجاد شرکت‌های تعاونی سطح پایین که ۸۵٪ کارگاه‌ها و ۶۸٪ زمین‌های مزروعی را در برمی‌گرفت، بطور عمده پایان یافت. تقریباً ۱۲٪ از کارگاه‌ها به شرکت‌های تعاونی درجه بالا تبدیل شدند. در شهرها صد در صد کارگاه‌های بورژوازی صنعتی و ۹۸٪ از کارگاه‌های بورژوازی تجارتی همچنین ۹۹٪ از وسایل حمل و نقل موتوری شکل اقتصاد سوسیالیستی به خود گرفتند. ده‌ها هزار کارگر از قید استثمار بورژوازی آزاد گردیدند. در تجدید تربیت صنعتگران و تجار کوچک نیز موفقیت‌های مهمی کسب شد. بیش از ۲۶۰ هزار صنعتگر (۸۸٪ از جمع صنعتگران که باید تجدید تربیت شوند) و بیش از ۱۵۰ هزار خرده تاجر (۴۵٪ از مجموع خرده تاجران) در اشکال مختلف شرکت‌های تعاونی گنجانیده شدند. پنجاه هزار نفر از این گروه به تولید، بویژه به تولید کشاورزی و صنایع دستی وارد گردیدند. همزمان با موفقیت‌های کسب‌شده

در دگرگونی مناسبات تولیدی، برنامه سه‌ساله در زمینه تولید کشاورزی، صنعتی، فرهنگی، تعلیم و تربیت و تجهیزات بهداشتی به طور رضایت‌بخشی انجام گرفت.

بیکاری و امراض شیوع‌یافته که میراث جامعه کهن بودند بطور عمده برطرف شدند. موفقیت تعیین‌کننده برنامه سه‌ساله، یعنی دگرگونی سوسیالیستی و تکامل اقتصادی و فرهنگی را بایست به پای این واقعیت نوشت که این برنامه مناسبات سوسیالیستی را برقرار کرد، استثمار انسان از انسان را بطور عمده برانداخت و اقتصاد عقب‌مانده و ناهمگون ما را به یک اقتصاد سوسیالیستی و نیمه‌سوسیالیستی همگون تبدیل کرد. تغییرات بزرگی که در جامعه ما انجام گرفتند در قانون اساسی ۱۹۵۹ متبلور گردیده‌اند. پس از پیروزی در جنگ مقاومت علیه متجاوزان استعمارگر فرانسوی، شمال به طور کامل آزاد شده و به مرحله گذار به انقلاب سوسیالیستی گام نهاد، درحالی که جنوب هنوز تحت یوغ امپریالیست‌ها و فیودال‌ها می‌باشد.

قانون اساسی ۱۹۴۶ که از رویدادها عقب‌افتاده بود می‌بایستی گسترش یافته تا با اوضاع جدید و ساختمان استراتژیک مرحله جدید مطابقت کند. در جنوری ۱۹۵۷ مجلس ملی جمهوری دموکراتیک ویتنام تصمیم گرفت که قانون اساسی را تغییر دهد و برای انجام این امر کمیونی انتخاب کرد که تحت هدایت صدر هوشی مین قرار داشت. پس از یک کار سه‌ساله کمیون پیشنهادی را برای تغییر قانون اساسی به مجلس ملی ارائه داد که در ۳۱ دسامبر ۱۹۵۹ پذیرفته شد. این اولین قانون اساسی سوسیالیستی ویتنام می‌باشد. این قانون اساسی بیان اراده و مجاهدت خلق ماست که مصمم است سوسیالیسم را بسازد، برای وحدت دوباره

سرزمین پدری مبارزه کند و یک ویتنام صلح‌جو، متحد، مستقل، دموکراتیک و شکوفان بنا نماید.

سومین کنگرهٔ سرتاسری حزب، مشی عمومی حزب در دورهٔ عبور به سوسیالیسم و انجام اولین نقشه پنج‌ساله (۱۹۶۱ - ۶۵)

سومین کنگرهٔ حزب از ۵ تا ۱۲ سپتامبر ۱۹۶۰ در هانوی برگزار شد. حزب ما برای اولین بار پس از سی سال نبرد قهرمانانه و مملو از جان‌گذشتگی، سومین کنگرهٔ خود را در پایتخت برگزار کرد. در کنگره ۵۰۰ تن به نمایندگی ۵۰۰هزار از اعضای حزب با حق تصمیم‌گیری و حق مشورتی شرکت کردند. صدر هوشی مین در نطقی که به مناسبت گشایش کنگره ایراد کرد، بیان داشت: "این کنگره، کنگرهٔ ساختمان سوسیالیسم در شمال و مبارزه برای اتحاد مجدد صلح‌آمیز میهن می‌باشد." کنگره گزارش سیاسی کمیتهٔ مرکزی را که توسط رفیق له دوآن قرائت گردید پذیرفت. رفیق له دوآن تغییرات مهمی را که در اوضاع بین‌المللی و ملی از دومین کنگرهٔ حزب در فبروری ۱۹۵۱ روی داده بودند تحلیل نموده، تجارب بزرگ انقلاب ویتنام را مجسم و اضافه کرد: "در اوضاع کنونی بین‌المللی یک خلق کوچک و ضعیف که متحد به پاخیزد و مصممانه تحت رهبری یک حزب مارکسیستی - لنینیستی برای استقلال و دموکراسی برزمد، به قدر کافی توانست که بر هر متجاوزی پیروز شود."

گزارش سیاسی و همچنین قطعنامه‌های کنگره راه عبور به سوسیالیسم و مبارزهٔ خلق ما را جهت اتحاد مجدد میهن روشن ساختند. گزارش سیاسی نشان داد که از زمان استقرار مجدد صلح، انقلاب ویتنام به یک مرحلهٔ جدید که اهداف اصلی

آن "تقویت وحدت تمام خلق، مبارزه مصممانه برای حفظ صلح، دادن یک تحرک قوی به انقلاب سوسیالیستی در شمال و انقلاب دموکراتیک- ملی توده‌ای در جنوب، تحقق اتحاد مجدد میهن بر اساس استقلال و دموکراسی، بنا کردن یک ویتنام دوباره متحد شده، مستقل، دموکراتیک و شکوفان و کمک موثر به تقویت اردوگاه سوسیالیستی، نگهداری صلح در آسیای جنوب شرقی و جهان" می‌باشد، وارد گردیده است.

گزارش سیاسی نشان داد که ساختمان سوسیالیزم در شمال تعیین‌کننده‌ترین وظیفه برای تکامل مجموعه انقلاب و برای امر اتحاد دوباره می‌باشد. کنگره با تکیه بر این گزارش مشی عامی را که بر هدف زیر مبتنی است، تعیین نمود: "شمال را به سرعت و با گام‌های مطمئن و توانا به سوی سوسیالیزم هدایت کنیم." برای رسیدن به این هدف و تحقق وظایف تاریخی دیکتاتوری پرولتاریا، بایستی به حکومت دموکراتیک خلق اعتماد داشت و مسایل زیر را تا سرانجام به نحو احسن هدایت نمود:

- تغییر سوسیالیستی کشاورزی، صنعتگری و تجارت کوچک و همچنین صنعت و تجارت خصوصی سرمایه‌داری.

- تکامل بخش دولتی اقتصاد.

- صنعتی کردن از طریق تقدم تکامل باصرفه کشاورزی و صنعت سبک.

- تسریع انقلاب سوسیالیستی در زمینه ایدئولوژی، فرهنگ و فن تا ویتنام به یک کشور سوسیالیستی با صنعت و کشاورزی مدرن و فرهنگ و دانش پیشرفته تبدیل گردد.

کنگره با سمت و وظایف اولین برنامه پنج‌ساله جهت تکامل سوسیالیستی اقتصادی و فرهنگی موافقت کرد، تصمیماتی برای استحکام حزب اتخاذ نمود و اساسنامه جدیدی را پذیرفت. رفیق هوشی مین مجدداً به سمت صدر کمیته مرکزی و رفیق له دوآن به سمت دبیر اول انتخاب گردیدند.

با سومین کنگره حزب، شمال به مرحله نوینی وارد گردید: از این به بعد وظیفه مرکزی حزب در این بود که پایه مادی و فنی سوسیالیسم را بنا کند و همزمان با آن تغییر سوسیالیستی را به سرانجام رسانیده و مناسبات تولیدی نوین را محکم ساخته و بهبود بخشد.

جهت مشخص نمودن مشی ساختمان اقتصادی که در کنگره حزب تصویب شده بود، کمیته مرکزی چندین نشست عمومی برای مشورت درباره تکامل کشاورزی (جولای ۱۹۶۱) صنعت (جون ۱۹۶۲) در مورد برنامه دولت (اپریل ۱۹۶۳) و درباره مسئله ارزی، تقسیم و قیمت‌گذاری کالاها (دسامبر ۱۹۶۴) برگزار کرد. کمیته مرکزی تحلیل خود را در مورد وضعیت، نقش و ارتباط متقابل بین سه انقلاب زیر عمیق‌تر نمود: انقلاب در مناسبات تولیدی، انقلاب فنی و انقلاب ایدئولوژیکی - فرهنگی که در آنها انقلاب فنی موضع کلیدی را اشغال می‌کند.

انقلاب سوسیالیستی حلقه رابط تکامل این سه انقلاب می‌باشد. در جریان انجام این انقلاب مسایل مهمی از جانب حزب ما مانند انباشت اولیه، رابطه بین انباشت و مصرف، بین ساختمان اقتصادی و تحکیم دفاع ملی، صنعت و کشاورزی، صنایع سنگین و سبک، صنایع مرکزی و منطقه‌ای، هر روز مشخص‌تر، جدی‌تر و مطابق با ویژگی‌های کشور حل شدند.

در انجام اولین برنامه پنج‌ساله از ۱۹۶۱ خلق ما بر مشکلات متعددی که بصورت مصائب طبیعی، خشکسالی ناشی از اعمال دشمن و عقب‌ماندگی اقتصادی وجود داشتند، غالب آمد تا بتواند با گام‌های مطمئن به پیش رود. این اوضاع به وضوح در جنبش‌های تغییر "سه اول"، "دایفونگ"، "دوین‌های"، "تان کنگ"، "باکلی"^[۵] و بخصوص در جنبش تغییر برای کسب عنوان گروه بریگاد سوسیالیستی کار، منعکس گردیدند. در جریان این جنبش‌ها هزاران گروه بریگاد تولیدی و کار از جانب دولت به عنوان گروه بریگاد سوسیالیستی شناخته شدند، هزاران شرکت تعاونی کشاورزی به شرکت‌های تعاونی پیشاهنگ تبدیل گشتند و هزاران واحد نیروهای مسلح خلق عنوان واحد‌های "مصمم تا پیروزی" را دریافت داشتند. ایده‌های: تکیه به نیروی خود و ساختمان باصرفه‌تر سوسیالیزم، هر روز عمیقتر در خلق ما نفوذ می‌کند.

در راه ساختمان اقتصادی سوسیالیزم مشکلات عدیده‌ای وجود داشتند. این

[۵] سه اول (نسبت به مقدار و کیفیت توان کار و نسبت به مقدار توان کامل افراد) محتوی جنبش تحولی در ارتش و میلیس توده‌ای از ۱۹۵۹-۶۱.

Dia Phong: تولید تعاونی کشاورزی در ناحیه فونگ توئی - بخش له توئی (استان کوآنگ بینه)، تکنیک جنبش تحولی برای تجدید هدایت شرکت‌های تعاونی و آموختن تکنیک برای افزایش تولیدات کشاورزی از ۱۹۶۰.

Duyen Hai: کارخانه برای دستگاه‌های مکانیکی در های فونگ. تکنیک جنبش تحولی برای راسیونالیزه کردن تولید، نوسازی تکنیک در صنعت از ۱۹۶۱.

Thanh Cong: تولید تعاونی صنعت دستی در استان وینس تانه هوا، تکنیک در جنبش تحولی به خاطر توسعه روحیه بطور عمده به نیروی خود تکیه کردن و در ساختمان تعاونی‌ها با صرفه‌جویی عمل کردن، از ۱۹۶۱ در صنعت یدی.

Bac Ly: مدرسه سیکل دوم در بخش لی نام‌ها، تکنیک جنبش تحولی "خوب آموختن، خوب مطالعه کردن" در کلاس‌های درس از ۱۹۶۱.

مشکلات به هیچوجه تصادفی یا موقتی نبودند زیرا که منشا آنها در اوضاع اقتصادی بود. حزب بطور منظم به ارگان‌های اجرایی، به سازمان‌های ناحیه‌ای، سازمان‌های پایه‌ای خود و سازمان‌های پایه‌ای ادارات دولتی یادآوری می‌نمود که آنها در هر دوره بایستی تمام مجاهدت خود را جهت برطرف نمودن اشتباهات، ضعف‌ها و بهبود کیفیت خود بکار گیرند، تا بتوانند بدون وقفه به پیش روند. در پرتو این مشی چهارمین پلنوم کمیته مرکزی که در اپریل ۱۹۶۱ تشکیل گردید، مسئله تقویت فعالیت هدایت‌کننده حزب را به طور عمده در زمینه تشکیلاتی و اجرایی مورد بحث قرار داد. کمیته مرکزی همچنین نقش فوق‌العاده مهم تشکیلات پایه‌ای را در اجراء مشی و رهنمودهای حزب نشان داد و توسعه جنبش "چهارچوب سلول‌ها و سازمان‌های پایه"^[۶] را مقرر داشت و همزمان با آن جهت تکمیل ارگان‌های اجرایی وارد عمل شد.

دفتر سیاسی حزب در آوان سال ۱۹۶۳ پس از آن که نشان داده شد نقطه ضعف ما در هدایت اقتصاد نهفته است، دو جنبش بزرگ را سازمان داد. این جنبش‌ها عبارت بودند از جنبش نوسازی در رهبری شرکت‌های تعاونی و تکنیک کشاورزی و همچنین جنبشی که از یک سو هدفش ارتقاء حس مسئولیت، تقویت اقتصادی و مالی، هدایت و نوسازی تکنیک و از سوی دیگر مبارزه علیه بروکراسی، اصراف (جنبش سه له و سه علیه) در صنعت و تجارت بود. به شکرانه این جنبش انقلابی عمیق، هر لحظه بهتر می‌فهمیدیم که تمایل خودبخودی

[۶] خوب تولید کردن، خوب مبارزه کردن و آماده برای مبارزه بودن. انجام خوب و صحیح رهنمودها و اقدامات حزب و قوانین دولتی. مواظبت خوب از زندگی مادی و معنوی خلق و انجام شایسته سیاسی نمودن توده‌ها. انجام خوب و صحیح کار توسعه و تحکیم حزب. (توضیح از مترجم فرانسوی)

رشد سرمایه‌داری با آنکه ضعیف می‌باشد، قادر است بخصوص نزد کارگران مستقل و در بازار آزاد رشد نماید علاوه بر این دشمن همیشه می‌کوشد خراب‌کاری کند. به این خاطر چه در ساختمان سوسیالیزم و چه در دگرگونی سوسیالیستی مبارزه بین دو راه بر سر اینکه "چه کسی پیروز می‌شود؟" در اشکال مختلف تغییر مناسبات تولیدی، در انقلاب فنی و ایدئولوژیکی - فرهنگی ادامه دارد.

در مارچ ۱۹۶۴ صدر هوشی مین مجمع فوق‌العاده سیاسی را فراخواند، تا وحدت و همبستگی خلق در قبال تجاوز و گسترش جنگی که امپریالیست‌های امریکایی به راه اندخته بودند؛ تقویت گردد. مجمع گزارش صدر هوشی مین را پذیرفته، به اتفاق اراء برنامه و مشی حزب و دولت را قبول کرد و از آن باشادی پشتیبانی نمود. صدر هوشی مین همه را تشجیع کرد که "هر کس باید به اندازه دو نفر کار کند و وظیفه‌اش را در برابر هم‌میهنان در جنوب انجام دهد."

گزارش وی به جمع سیاسی، فوق‌العاده سند ارجمندی است که در حزب و در تمام خلق و نیروهای مسلح به طور وسیع پخش و اطمینان و شور و شوق را در همه تقویت نمود. هر کس کوشش می‌نمود که بیش از اندازه کار نماید تا وظایفش را قبل از هر چیز جهت پیشبرد برنامه دولت برای سال ۱۹۶۴ و اولین برنامه پنجساله انجام دهد. در همان زمان اختلاف نظرات بزرگی بین احزاب کمونیستی و کارگری مسلط شده بودند. مبارزه بین مارکسیزم - لنینیزم و اپورتونیست‌های راست و "چپ" و بخصوص بین مارکسیزم - لنینیزم و رویونیوزم مدرن که بمثابة خطر عمده جنبش بین‌المللی کمونیستی و کارگری را تهدید می‌کرد، تشدید یافت.

نهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب در دسامبر ۱۹۶۴ پس از آنکه مشخصات عمده اوضاع جهانی و وظایف جنبش بین‌المللی کمونیستی را تحلیل نمود، مشخص کرد که حزب باید جهت حفظ و پاکیزگی مارکسیزم-لنینیزم و همچنین تقویت همبستگی اردوگاه سوسیالیستی و جنبش بین‌المللی کمونیستی بر پایه مارکسیزم-لنینیزم و انترناسیونالیزم پرولتری سهم خود را ادا کند تا وحدت و نیروی مبارزاتی حزب ارتقا یابد. پلنوم منحرفین راست‌رو را که ادعا داشتند که گویا شمال دگرگونی سوسیالیستی اقتصاد ملی را بطور عمده به پایان رسانیده است و گویا مبارزه طبقاتی و مبارزه بین راه سوسیالیستی و سرمایه‌داری وجود ندارد، اشتراکی کردن کشاورزی زود انجام گرفته است، به شدت مورد انتقاد قرار داد. این منحرفین به راست به اصلاح صنعت دستی و تجارت کوچک کم بها داده ضرورت در دست گرفتن اقتصاد و کنترل بازار را نادیده می‌گرفتند. به موازات آن حزب دگماتیسم را که سمبول صدها سال تسلط بیگانه بود و خود را در نادیده گرفتن تفکر مستقل و آزاد، در عقده حقارت و در تن در دادن به ایده‌های خارجیان نشان می‌داد، به شدت مورد انتقاد قرار داد.

حزب پس از سومین کنگره سرتاسری وظیفه تربیت کادرها و جنگجویان را در برابر خود قرار داد تا آنها بتوانند تفکر آزاد و استقلال خود را رشد داده و مارکسیزم-لنینیزم و همچنین تجربیات کشور های برادر را خلاصانه در انطباق با شرایط مشخص میهن ما بکار برند. با حرکت از یک تولید کوچک عقب‌مانده کشاورزی و بدون عبور از مرحله تکامل سرمایه‌داری، شمال توانست به این ترتیب بلافاصله و با گام‌های مطمئن به سوی سوسیالیزم پیش رود.

در پایان سال ۱۹۶۵ هشتاد درصد از تعاونی‌های تولیدی کشاورزی توانستند به

مراحل بالا ارتقا یابند. اولین واحدهای صنایع ماشین‌سازی، فلزکاری و شیمیایی ایجاد شده و کار تولید را شروع نموده بودند. صنعت توانست شاخه‌های تازه‌ای ایجاد نموده و تولیدات نوینی بسازد. صدها واحد صنعتی منطقه‌ای ساخته شدند. و بدین ترتیب در شمال قدم به قدم صنعت تهیه مواد اولیه و تکمیلی آن ایجاد شد که شاخه‌های متعدد صنایع سبک و سنگین را در بر می‌گرفت.

شرایط زندگی توده‌ها بهتر شد. در زمان تسلط فرانسویان بیش از ۶۵٪ از مردم بیسواد بودند. ولی در سال ۱۹۶۵ تقریباً تمام مردم شمال می‌توانستند بخوانند و بنویسند. در مقایسه با زمان قبل از استقرار مجدد صلح (۱۹۵۴) تعداد مدارس ابتدایی به سه برابر و نیم خود و مدارس متوسطه و متوسطه فنی به بیست و پنج برابر رسید.^[۷] ما برای تعدادی از اقلیت‌های ملی خط‌های مناسبی به وجود آوردیم قبایل کوه‌نشین فارغ‌التحصیلان آموزشگاه‌های عالی داشتند. تعداد زیادی امراض مسری و شیوع یافته از بین رفتند. نیرو و تندرستی خلق رشد نمود و کودکان از پرستاری هرچه بیشتری برخوردار می‌شدند. ادبیات و هنر که محتوی سوسیالیستی و خصلت ملی داشتند، روز به روز تکامل بیشتری می‌یافتند. صدر هوشی مین گفت: "شمال در جریان ده سال گذشته پیشرفت‌هایی انجام داده که در تاریخ ما بی‌سابقه می‌باشند. میهن، جامعه و انسان تغییر نموده اند."^[۸]

کمیته مرکزی در دسامبر ۱۹۶۵ یعنی در آخرین سال اولین برنامه پنج‌ساله مشخص نمود که "پس از ده سال انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیزم،

[۷] تا ۱۹۶۴.

[۸] گزارش به مجمع سیاسی فوق‌العاده، ۲۷ مارچ ۱۹۶۴.

شمال تبدیل به تکیه‌گاه محکمی برای انقلاب در تمام میهن گشته و رهبری سیاسی پر قدرت، اقتصاد قوی و نیروهای مسلح قدرتمندی را دارا می‌باشد.^[۹]

انقلاب دموکراتیک ملی توده‌ای در جنوب مبارزه جهت نگهداری قرارداد ژنو

بیش از یک ربع قرن است که امپریالیزم امریکا با خلق ویتنام دشمنی ورزیده و قصد دارد تمام میهن ما را اشغال نموده، آنرا به یک نومستعمره و یک پایگاه نظامی بدل نماید تا از آنجا به اردوگاه سوسیالیزم حمله کرده، در جنبش‌های رهایی‌بخش ملی آسیای جنوب شرقی خراب‌کاری نموده و نفوذ سوسیالیزم را در این منطقه به عقب راند. این نظر جزء جدا نشدنی استراتژی کلی امپریالیزم جهت جلوگیری از انقلابات جهانی می‌باشد. انقلابات سیل‌آسایی که دژ امپریالیزم را با امپریالیزم امریکا در راس آن مورد هجوم ضربات خود قرار داده است. به این خاطر امپریالیزم امریکا استعماگران فرانسوی را در ادامه و توسعه جنگ تجاوزکارانه شان در ویتنام کمک نمود. به شکرانه اتحاد و جنگ قهرمانانه نیروهای مسلح و خلق ما، به شکرانه علاقمندی و پشتیبانی کشورهای برادر سوسیالیستی و خلق‌های علاقمند به صلح و عدالت قرارداد هند و چین توانست در ژنو به امضاء رسیده و صلح بر پایه حفظ استقلال، حاکمیت، اتحاد و تمامیت ارضی ویتنام کامبوج و لائوس به روی کاغذ آید.

از آنجایی که امپریالیست‌های امریکایی نتوانستند جنگ را ادامه داده و به نقشه

[۹] مصوبه دوازدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب، دسامبر ۱۹۶۵.

خود جهت اشغال تمام میهن ما جامهٔ عمل بپوشانند، همهٔ قدرتی را که در اختیار داشتند، به کار گرفتند تا در حفظ قرارداد ژنو خلل وارد آورده و در اتحاد مجدد صلح‌آمیز میهن ما خراب‌کاری نمایند. از جولای ۱۹۵۴ امپریالیست‌های امریکایی کم‌کم به میهن ما نفوذ کردند تا کاملاً جای استعمارگران فرانسوی را در جنوب ویتنام پر کنند. از جانب دیگر آنها کوشش دارند سلطهٔ مالکان ارضی و بورژوازی کمپرادور را مجدداً برقرار کرده و طبقهٔ جدیدی از زمین‌داران و بورژوازی طرفدار خود را به وجود آورند که بمثابةٔ یک پایگاه اجتماعی به تجاوزات نواستعماری شان خدمت نماید. اگر چه امریکایی‌ها مانند استعمارگران فرانسوی مستقیماً یک دستگاه سرکوب به وجود نیاوردند، مع‌هذا از سلطهٔ دست‌نشانندگان شان (که بر سیستم وسیعی از "مشاوران امریکایی" متکی است) استفاده کرده و با قدرت دالر کمک‌های نظامی و اقتصادی می‌کوشند تا هرچه بیشتر در امور داخلی ویتنام مداخله نمایند. در زمینهٔ نظامی ارتش دست‌نشانده را سازمان داده، تربیت و مسلح نموده و بر آن مستقیماً فرمان می‌دهد. در زمینهٔ اقتصادی جنوب ویتنام بدل به بازاری جهت مازاد ایالات متحده و کشورهای اردوگاه امریکا گشته است. منابع سودده به مقیاس افزایش یابنده‌ای توسط سرمایه‌داران انحصارگر امریکایی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. در زمینهٔ فرهنگی دشمن کوشش دارد جوانان و خلق ما را با فرهنگ ناسالم، ارتجاعی و میرنده‌اش، با روش زندگی "امریکایی" مسموم سازد. نگویدیم سردستهٔ فیودال‌ها و همدست قدیمی فرانسویان و جاپانی‌ها که امریکایی‌ها او را در کشور خود تعلیم داده بودند، از طرف اربابانش به سایگون مراجعت داده شد تا دولت جمهوری ناسیونالیستی‌ای را که به ظاهر مستقل باشد تشکیل دهد، دولتی که وظیفه‌اش در اغوای توده‌ها خلاصه می‌شد. نگویدیم به دستور امریکایی‌ها دست‌اندرکار تشکیل بدترین

نوع دیکتاتوری فاشیستی گردید. از پایان سال ۱۹۵۴ کشتار وحشیانه‌ای را در تان سون، چی تان، کودوک، موکای، کوچی و بین تان به راه انداخت. مبارزه هم‌میهنان وطنپرست ما در جریان "اتهام" و "نابودی" کمونیست‌ها توسط وی با وحشیگری بی‌سابقه‌ای که از یک انتقام‌جویی رذیلانه علیه توده‌های انقلابی سرچشمه می‌گرفت، سرکوب گشت.

به دستور او در فروری ۱۹۵۸ هزار مبارز انقلابی زندانی در اردوگاه اجباری فولوی مسموم گشتند. دیم در سال ۱۹۵۹ قانونی را گذرانید که به جنایتکاران اجازه می‌داد آزادیخواهان را به پای گیوتین فرستاده و با متدهای قرون‌وسطایی به کشتار خلق پردازند.

خلق سلاح خلق به اوج خود رسید. از جولای ۱۹۵۹ جنبش‌های مبارزه سیاسی در جنوب به مقیاس وسیعی اوج گرفت. آنها برگزاری کنفرانس مقدماتی به خاطر سازماندهی انتخابات جهت اتحاد مجدد میهن را خواستار گردیده، در مقابل مانورهای اغفال‌گرانه "فراندم" ها و انتخابات مجلس ملی دست نشانندگان ایستادگی نموده و خواستار آزادی‌های دموکراتیک و بهبود وضع زندگی خلق بودند. این جنبش‌ها میلیون‌ها انسان را از ایالت کوآنک تری تا رأس کاما از جمله دانش‌آموزان کائودای، هوآه‌وآ و کلیسای کاتولیک و همچنین هم‌میهنانی را که با زور به جنوب منتقل شده بودند، بسیج کردند. این جنبش‌ها موفق شدند با توسل به شیوه‌های گوناگون مبارزه در بین مردم شهر و ده وحدت عمل ایجاد نمایند. این جنبش‌ها در مقابل ترور و تضيیقاتی که برضد مبارزان قدیمی انجام می‌گرفت و همچنین در مقابل جریان "اتهام" و "نابودی" کمونیست‌ها که به طور سیستماتیک و سرسختانه عملی می‌شد، مقاومت می‌نمودند. قهرمانی انقلابی و

روح سلحشوری توده‌ها قویا توسعه یافت. موارد فراوانی وجود دارند که کادرها، مبارزان و همچنین مردم ساده در تمام مناطق (مناطق کوهستانی، دشت‌ها، در دلتا و شهرها) صرف‌نظر از اختلافات سنی و ملیتی خود در راه امر انقلاب قربانی کردند. مردم جنوب حتی در بدترین دقایق اعتماد خود را به حزب و صدر هوشی مین حفظ نمودند. آنان با استدلالات اصابت‌کننده و مبرهن خود از دروغ‌های دشمن پرده برداشتند، علی‌رغم خطر، کادرها در مخفی شدن کمک کرده و از خانواده‌هایی که برای انقلاب کار می‌کردند دفاع نمودند. پایه‌های انقلاب باوجود آزمون‌های دشوار سال ۱۹۵۹ در میان خلق باقی مانده و به سرعت گسترش یافتند. ارگان‌های رهبری با خلق پیوند مستقیم داشته و مبارزه سیاسی توده‌ها را مصممانه رهبری کردند.

دوره ۱۹۵۴-۵۹ کادرها و توده‌ها را آبدیده ساخت. در جریان مبارزات به خاطر برگزاری کنفرانس مقدماتی جهت سازماندهی انتخابات و متحد ساختن مجدد میهن، در مبارزه برای بهبود شرایط زندگی خلق، در مبارزه به خاطر آزادی‌های دموکراتیک و برای قیام علیه ترور و کشتار، کادرها و همچنین عناصر فعال خلق آموختند که خلق را بسیج کرده، سازمان داده، جبهه گسترده‌ای به وجود آورند و همچنین دشمن را منفرد ساخته و خود را مستقیماً در مقابل او قرار دهند. آنها در طول کار جهت تبدیل مبارزات خلق به یک جریان سهمگین انقلابی تجارب غنی و پرارزشی کسب نمودند. رهبران انقلاب توانستند به شکرانه پیوند فشرده با توده‌ها و ارزیابی درست از اوضاع، در اوج سرکوب تشخیص دهند که دشمن در زمینه سیاسی بکلی شکست خورده است. بدینترتیب آنها تمام نیروی خود را برای گسترش قیام‌های قسمتی جمع نمودند تا قدرت را احراز نمایند.

مقاومت ملی علیه تجاوز امریکا در جنوب. "قیام‌های زنجیری" و شکست امپریالیست‌های امریکا در "جنگ ویژه"

سیاست تحریک‌آمیز و جنگ‌طلبانه امپریالیست‌های امریکایی، سیاست ترور و خیانت دار و دسته نگودین دیم رنج فراوانی برای خلق ویتنام به بار آورده و در تمام کشور تشنج بیسابقه‌ای را به وجود آورد. در آغاز سال ۱۹۵۹ زندگی خلق به شدت در معرض تهدید بود. کینه افشار مختلف خلق نسبت به ستمگران افزایش یافت. کارگران و بخصوص دهقانان سرشار از روحیه سلحشوری بودند. زندگی آنچنان در معرض تهدید قرار داشت که برای زنده ماندن می‌بایست به پاخاسته، با امریکایی‌ها و رژیم دست‌نشانده او دست به مبارزه مرگ و زندگی زد. رهبران انقلاب در جریان نشستی که در جنوری ۱۹۵۴ برگزار گردید مشخص نمودند که جنوب ویتنام تحت یک رژیم نواستعماری نیمه فیودالی قرار دارد- که دولت نگودین دیم قدرتی ارتجاعی، وحشی، جنگ‌طلب و ضد ملی است- که این قدرت ایزاری است در خدمت تجاوز و تحریک امپریالیست‌های امریکایی- که سمت‌گیری و وظایف انقلاب در جنوب ویتنام می‌بایستی طبق قانونمندی عام انقلاب دنبال گردد: از قهر انقلابی علیه قهر ضد انقلابی استفاده شود، قیام برپا گردد تا قدرت برای خلق تصرف شود. لحظه آغاز مبارزه مسلحانه در ارتباط با مبارزه سیاسی جهت تکامل جنبش خلق فرا رسیده بود.

مردم که مبارزه مسلحانه و سیاسی را شروع نموده بودند، در پرتو مصوبات این نشست پشت سر هم دست به قیام‌های توده‌ای زدند. قیام‌هایی که با قیام بن تره آغاز گشت.

در شب ۱۷ جنوری ۱۹۶۰ مردم بن تره همچون تنی واحد برخاستند و با

چوبدست، نیزه و داس دژخیمان رژیم دست‌نشانده را از میان برداشتند، به قرارگاه‌ها و پایگاه‌ها حمله برده، اسلحه دشمن را برای مبارزات علیه خود او از دست‌اش خارج ساختند و با ضربات باهدف دستگاه سرکوب و سیستم زور دشمن را در روستاها و بخش‌ها منهدم ساختند. نیروهای مسلح خلق جان گرفته و رشد نمودند. ارگان‌های اداره‌کننده توده‌ای در مناطق آزادشده به وجود آمدند. زمین‌های مالکان ارضی جنایتکار ضبط گردیده و بین دهقانان فقیر تقسیم شدند. امواج قیام از بن تره شروع گشته به تمام منطقه نامبو، به نواحی مرتفع تایی نگوین و به بخش‌های معینی از تروننگ بوی مرکزی گسترش یافت. جنبش "قیام‌های زنجیری" قریب موفقیت گشت، زیرا در زمانی شروع گشت که دشمن در زمینه سیاسی بطور کامل شکست خورده بود. توده‌های خلق که خشم آنها به نهایت رسیده بود و دست به قهر انقلابی زده بودند، حملات متعدد و سهمگین را علیه ضعیف‌ترین حلقه سیستم دشمن، یعنی علیه پایگاه قدرتش در روستا متوجه کردند.

پیروزی قیام‌های زنجیری زمینه‌ای را به وجود آورد که بر اساس آن جنگ خلق علیه تجاوز امریکا و به خاطر نابود ساختن قطعی رژیم دست‌نشانده تعمیق یافت. نمایندگان طبقات مختلف احزاب، مذاهب، و ملیت‌های جنوب در این اتمسفر اعتلای انقلابی در ۲۵ سپتامبر ۱۹۶۰ در دهکده‌ای از منطقه آزادشده نامبوی شرقی جمع گشتند تا جبهه ملی برای آزادی جنوب ویتنام را پایه‌گذاری نمایند. این کنگره یک برنامه عملی ده ماده‌ای را تصویب نمود که مضمون اساسی آن سرنگونی رژیم دیکتاتوری نگویدین دیم، نابودی سیستم استعماری امریکا به خاطر ساختن ویتنام جنوبی مستقل دموکراتیک، صلح‌جو و بی‌طرف بود. ویتنام جنوبی‌ای که به سمت اتحاد مجدد صلح‌آمیز سرزمین پدری حرکت نماید.

از اواسط سال ۱۹۶۱ امریکایی‌ها و دار و دسته دیم که به موضع پاسیو در غلطیده و از مبارزات متعدد و پیرانرژی نیروهای مسلح خلق ما به وحشت افتاده بودند، "جنگ ویژه" را به راه انداختند. این نوع جنگ که هدفش "وادار کردن ویتنامی‌ها به جنگ علیه ویتنامی‌ها" است، با اقدامات وحشیانه جنگ تعرضی امپریالیست‌ها که با تسلیحات مدرن و وسایل تکنیکی جدید مجهز می‌باشند و همچنین با اعمال سرکوب‌کننده و ترور مالکان فیودال و بورژوازی کمپرادور متمایل به امریکایی‌های انتقام‌جوی همراه می‌باشد.

ارتش دست‌نشانده یکی از عمده‌ترین ابزار دشمن در "جنگ ویژه" است. هدف این جنگ نه فقط تجاوز به جنوب ویتنام است، بلکه می‌خواهد از آن به عنوان صحنه آزمایش استفاده نموده، تجربیاتی جهت سرکوب جنبش‌های رهایی‌بخش ملی در جهان، ترسانیدن کشور های نو استقلال کسب کرده و وادار ساختن شان به پذیرش سیاست نواستعماری ایالات متحده کسب کند.

طرح استالی تیلور (Staley Taylor Plan) اقدامات متعددی را جهت بالابردن توان جنگی دست‌نشاندهگان امریکایی شامل می‌شد: تمرکز مردم در "روستاهای استراتژیک"، دست‌زدن به تعرض جهت کسب مجدد ابتکار عمل، استقرار "صلح" در جنوب ویتنام در طول ۱۸ ماه. در ۱۷ جنوری ۱۹۶۲ کمیته مرکزی موقت جبهه آزادی‌بخش جنوب ویتنام طی بیانیه‌ای اهمیت ویژه اوضاع را یادآور شد، در ۱۶ فبروری همان سال اولین کنگره جبهه تشکیل گردید. کنگره مقرر داشت: "وظیفه عمده ما آنست که: تمام خلق را متحد سازیم؛ مصممانه علیه امریکایی‌های متجاوز و جنگ‌طلب مبارزه نماییم، دار و دسته نگو دین دیم را سرنگون سازیم، در جنوب اتحاد وسیع نیروهای ملی و دموکراتیک را برقرار

نماییم، استقلال ملی، همچنین آزادی‌های دموکراتیک، پیشرفت اجتماعی و حفظ صلح را عملی سازیم، یک سیاست بی‌طرفی را دنبال نموده و در جهت اتحاد مسالمت‌آمیز دوباره میهن بکوشیم، فعالانه سهم خود را در دفاع از صلح در هند و چین، در جنوب شرقی آسیا و در تمام جهان اداء نماییم.^[۱۰] کنگره کمیته مرکزی جبهه را به صدارت آقای نگوین هوتو انتخاب نمود.

خصوصیت عمدهٔ اوضاع سال ۱۹۶۲ در این است که باوجود حمله دشمن، مناطق آزاد شده ما^[۱۱] و یا مناطقی که تحت کنترل ما بودند به جای آنکه کوچک گردند توسعه یافتند. مشی صحیح جبهه به درون توده‌ها راه یافته تبدیل به مقاومت میلیون‌ها انسان علیه تجاوز امریکایی‌ها گشت. در همه جا جنگ پارتیزانی برق‌آسا به مقیاس وسیع توسعه یافت. دشمن در عمل جمع‌آوری مردم و ایجاد "روستا‌های استراتژیک" دچار مشکلات فوق‌العاده‌ای گردید. سیاست ایجاد "روستا‌های استراتژیک" مضمون اساسی طرح استالی تیلور و حلقهٔ اصلی "جنگ ویژه" دست‌نشانندگان امریکا بود. آنها به خاطر این که به هر نحوی که شده این نقشه را عملی سازند، تمام نیروی خود را بسیج نموده و به هر عملی که به فکر خطور کند دست یازیدند. به خاطر آن که ویتنام جنوبی را به یک اردوگاه اجباری وسیع تبدیل نمایند در عرض مدت کوتاهی هفده هزار "روستای استراتژیک" ایجاد نمودند. در آن زمان آنها شرایط مناسبی داشتند که به پایگاه‌های انقلابی ما نفوذ نموده و نیروهای مسلح ما را نابود کنند.

[۱۰] بیانیه اولین کنگره جبهه ملی آزادیبخش (FNL) در جنوب ویتنام، ۳ مارچ ۱۹۶۲.

[۱۱] علی‌رغم وجود دشمن (توضیح از مترجم فرانسوی).

سیاست ایجاد "روستا های استراتژیک" از همان آغاز با مقاومت پرانرژی هم‌میهنان ما مواجه گشت. این نوع به زنجیر کشیدن مردم با ناکامی روبرو گردید و آهنگ ایجاد این گونه "روستاها" مرتبا تقلیل می‌یافت. بعضی از این "روستاها" به مجرد ایجاد فوراً نابود گشتند، بعضی از آنها چند بار پشت سر هم نابود گردیده و دشمن هیچگاه نتوانست آنها را مستحکم سازد. بعضی از روستاها به وسیله مردم تبدیل به روستا های مبارزه گردیدند.

سال ۱۹۶۳ با پیروزی درخشان آپ باک آغاز گردید. نیروهای مسلح مردم در جنوب با آن که ده بار ضعیف‌تر از دشمن بودند، موفق شدند برای اولین بار عملیات پاک‌سازی دشمن را که به وسیله بیش از دو هزار هلیکوپتر ۱۱۳-ام پشتیبانی می‌شد درهم شکنند. این پیروزی، نیروی مبارزاتی و شجاعت خارق‌العاده نیروی‌های میهن‌پرست و توان آنها را برای پیروزی بر "جنگ ویژه" امریکایی‌ها به اثبات رسانید. همزمان با مبارزه "مسلحانه و نابودی" روستاهای استراتژیک تمام اقشار مردم دست به مبارزه سیاسی زدند. مبارزه سیاسی که اساس مبارزه مسلحانه می‌باشد به طور فشرده با آن پیوند برقرار کرده و تکیه‌گاه آن بود. آن مبارزه‌ای سرسختانه بین مردم ما و دشمن بود. جوانان و پیران، زنان و مردان به وسیله ابزارهای پیش‌پاافتاده و متدهای ابتدایی با دشمن مقابله می‌کردند. ارتش سیاسی پر قدرت توده‌ها عملیات پاک‌سازی دشمن را خنثی کرد و از زندگی و اموال مردم با کمال قدرت دفاع نمود. این ارتش با ضربات حساب‌شده رژیم دست‌نشانده را در روستاها و بخش‌ها سرنگون کرده، جاسوسان بدطبیعت را منفرد و نابود ساخته همچنین ده‌ها هزار سرباز و کارمند دولت سایگون را به سوی خود جلب نمود.

امپریالیست‌ها و دست‌نشانندگان شان پس از دو سال "جنگ ویژه" و پس از آنکه ضربات شدید سیاسی و نظامی دریافت کرده بودند، همچنان با مشکلات متعددی که در اثر ناکام گردیدن استراتژی "صلح" آنها و نقشه استالی تیلور به وجود آمده بودند، روبرو می‌شدند.

پیروزی‌های ما و شکست‌های دشمن شکاف و چنددستگی بین امریکا و دست‌نشانندگان شان را عظیم‌تر می‌نمود. امریکایی‌ها سرانجام در نتیجه مبارزه سرسختانه خلق در نوامبر ۱۹۶۳ مجبور شدند نگو دین دیم را بایک کودتا برانداخته برادران دیم نهو را مانند سگ‌های بدون استفاده گشته و به جای شان دونگ وان مین و بالاخره نگوین خان را بنشانند.

به این ترتیب مردم ویتنام جنوبی توانستند پس از نه سال مبارزه مصممانه، شکست‌ناپذیر، آگاه و گوناگون دیکتاتوری فاشیستی نگو دین دیم را سرنگون سازند. به مناسبت این واقعه خلق در روستاها به پا خاست تا روستاهای جدید استراتژیک را نابود ساخته و مناطق آزادشده را توسعه بخشد. در شهرها جنبش انقلابی اعتلای نوینی یافت و جنبش برای صلح و بی‌طرفی گسترش پیدا نمود.

امپریالیست‌های یانکی نقشه جدید دو ساله‌ای (۱۹۶۴-۶۵) جهت "آزادی" جنوب ویتنام کشیدند. هدف این نقشه یا به اصطلاح طرح مارچ ۱۹۶۴ جانسون ماک نامارا عبارت بود از: ایجاد یک ستاد سرفرماندهی مختلط از امریکایی‌ها و ویتنامی‌ها که برای اجراء آن منشور سینت کاپ جیکویس تصویت گردید. نیروهای مسلح امریکا با اضافه گردیدن بیش از شش هزار مشاور و سرباز به آن، در پایان سال ۱۹۶۴ به ۲۵ هزار نفر رسید.

عملیات انتقام‌جویانه امریکا با مقاومت شدید و روزافزون هم‌میهنان ما در جنوب روبرو شد. جنبش از نوپه و سایگون شروع گشته و به زودی شهرها و مناطق دیگر را در بر گرفت. در بیست اگست ۱۹۶۴ بیست هزار تن از مردم سایگون کاخ استقلال را محاصره کرده و برکناری نگوین خان و الغاء منشور سینت کاپ جیکویس را خواستار شدند. در ۲۴ اگست سی هزار تن از مردم دانانگ ضمن اعتصاب مدام در خیابان‌ها به تظاهرات پرداختند. در ۲۰ سپتامبر بیش از صد هزار کارگر اعتصابی سایگون و گیادینه برای اعتراض در خیابان‌ها ریختند. در ۱۵ اکتوبر کارگر برق قهرمان نگوین وان تروی میدان اعدام خود را تبدیل به محکمه انقلابی نمود و متجاوزین امپریالیزم و دست‌نشانگان شان را بی‌آبرو ساخت. در نوامبر و دسامبر ۱۹۶۴ مردم هویه، سایگون، دانانگ و دالات و غیره به خیابان‌ها ریخته و خواستار سرنگونی دولت تران وان هونگ گشتند.

به شکرانه رشد پرتوان مبارزات سیاسی و نظامی در سه منطقه استراتژیک، نیروهای مسلح جبهه آزادی‌بخش و مردم در دسامبر ۱۹۶۴ در بین دیا به پیروزی بزرگی رسیدند، پیروزی‌ای که در آن نیروهای مسلح آزادی‌بخش طی شش روز جنگ متوالی واحدهای ارتش منظم دست‌نشانده را مورد حمله قرار داده دو گردان متحرک توپخانه و یک دسته تانک ۱۱۳-م را نابود ساخته و ۳۷ هواپیمای دشمن را از بین بردند. همچنان که نبرد آپ باک پاسخی به عملیات پاک‌سازی بوده و تاکتیک هلیکوپتر امریکایی‌ها و نیروهای دست‌نشانده شان را با شکست روبرو ساخت، بین دیا هم یک پیروزی استراتژیکی بود که ورشکستگی استراتژی "جنگ ویژه" را نمایان ساخت. پس از نبرد بین دیا، نیروهای مسلح جنوب تکامل شگرفی کردند. آنها تعداد زیادی از گروه‌های منظم ارتش دست‌نشانده را در نبرد های آن لائو، دئونانگ پلائی کو، دون سوئی باگیا

و غیره نابود ساخته و در طول شش ماه اول ۱۹۶۵ نود هزار تن از دشمنان را که سه هزار تن از آنها امریکایی بودند از صحنه نبرد خارج ساختند.

تناسب قوا به نفع ما تغییر یافت. مناطق وسیعی که در این فاصله آزاد شده بودند، به پشت جبهه مستحکم انقلاب تبدیل گشتند. در آنجا قدرت انقلابی خلق شکل گرفت، نظام اجتماعی نوینی طرح ریزی شد، زمین‌های خاینان مصادره و بین دهقانان کم‌زمین تقسیم گردید. نیروهای مسلح رهایی‌بخش و هم‌دسته‌بندی آن به مقیاس وسیعی توسعه یافتند. عمده‌ترین تکیه‌گاه‌های دشمن در "جنگ ویژه" (ارتش و ادارات دولتی دست‌نشانندگان، شبکه "روستا‌های استراتژیک" و شهرها) از پایه به لرزه درآمدند. نیم میلیون سربازی که توسط امریکایی‌ها سازمان داده شده، تسلیح یافته و تعلیم دیده بودند و همچنین دیگر نیروهای سایگونی تحت فرمان آنها به طور متوالی از نیروهای مسلح رهایی‌بخش شکست می‌خوردند.

"جنگ ویژه" را خطر ورشکستگی تهدید می‌نمود. امریکا با عجله نیروهای خود و دست‌نشانگانش را به ویتنام گسیل داشتند؛ به این امید که ارتش و دولت سایگون، این عمده‌ترین پایگاه رژیم نواستعماری شان را از خطر سقوط و انهدام نجات بخشند. "شدت و توسعه جنگ تجاوزگرانه امریکایی ثمره‌ای به بار نیاورد، چون این گسترش جنگ خود نشانه شکست سیاست استعماری و تجاوزگرانه و "جنگ ویژه" در جنوب ویتنام پس از ۱۱ سال می‌باشد."^[۱۲]

ناکامی "جنگ ویژه" شکست استراتژیک امپریالیست‌های امریکایی بود که قصد

داشتند "ویتنامی را علیه ویتنامی" به جنگ وادارند. نیروهای مسلح و مردم جنوب ضمن آنکه "جنگ ویژه" را به پایانش نزدیک می‌کردند نیروی مادی و معنوی قابل توجهی را برای درهم شکستن جنگ منطقه‌ای به وجود آوردند. آنها نقشه آمریکا را مبنی بر استفاده از جنوب ویتنام به عنوان صحنه آزمایش "جنگ ویژه" نقش بر آب نمودند.

صدر هوشی مین در مارچ ۱۹۶۴ گفت: "اوضاع کنونی در جنوب نشان می‌دهد که شکست امپریالیست‌های یانکی در "جنگ ویژه" اجتناب‌ناپذیر است. "جنگ ویژه" ای که در ویتنام تجربه شده و با شکست روبرو گردید، در هر کشور دیگر نیز شکست خواهد خورد. این است مفهوم بین‌المللی مبارزه میهن‌پرستانه هم‌میهنان ما در جنوب برای جنبش‌های رهایی‌بخش ملی در سراسر گیتی."^[۱۳]



نگوین دیم از چاکران سرسپرده آمریکا بود اما تحت فشار مبارزات مردم ویتنام در ۲ نوامبر ۱۹۶۳ طی کوتاه سازماندهی شده توسط سی.آی.ای از قدرت ساقط و به قتل رسید.

قسمت چهارم

تمام خلق به خاطر آزادی جنوب، دفاع از شمال
و متحد کردن مسالمت‌آمیز دوباره کشور،
علیه تجاوز امریکا مبارزه می‌کند.

۱۹۶۵-۱۹۶۹

تصمیم به مبارزه با امریکایی‌ها و پیروزی بر آنها

بعد از اینکه امپریالیست‌های امریکایی نتوانستند به وسیلهٔ فریب حکومت دیکتاتور- فاشیستی وابسته به خود و همچنین بوسیلهٔ "جنگ ویژه" کشور را به نیوکولونیالیزم تبدیل کنند، در ویتنام جنوبی دست به "جنگ محلی" زده و "جنگ تخریبی" کاملاً شدید را علیه شمال دامن زدند. اواخر سال ۱۹۶۵ ارتش وابسته به امریکا در جنوب ۲۰۰ هزار نفر بود.

جلسات تشکیل شدهٔ پلنوم کمیتهٔ مرکزی در سال ۱۹۶۵- که موضع حاد- انقلابی را پذیرفتند و از متدهای تحلیلی و علمی استفاده کردند، تحلیلی کاملاً عمیق و ارزیابی همه‌جانبهٔ اوضاعی را به دست داد که استراتژی جدید امریکایی آنرا ایجاب کرده بود. نشست‌ها به نتایج زیرین رسیدند:

جنگ تجاوزکارانهٔ امریکا در جنوب، با توجه به اهداف و خصلت آن جنگی تجاوزکارانه باقی خواهد ماند. جنگی که هدفش ایجاد نواستعماری است. اما این جنگ از جنگی که به طور عمده متکی به ارتش دست‌نشانده بود به یک جنگ امریکایی که متکی به دو نیروی استراتژیکی است- یعنی گروه اعزامی ایالات متحده و ارتش‌های وابسته- سوق داده شد.

جنگ دایماً مسیر شدیدتر و سخت‌تری را می‌پیمود. اما با وجودی که امپریالیست‌ها در یک شرایط شکست و پاسیو به سر می‌بردند، جنگ را تشدید کرده و توسعه می‌دادند. آنان استراتژی‌ای را تعقیب می‌کردند که به بن‌بست منتهی شده و سرشار از تضاد بود: در درجهٔ اول آن تضادی که بین هدف منحصر به فرد سیاست نواستعماری و متدهای اجرای آن وجود داشت یعنی

ارسال گروه اعزامی با هدف اجراء حمله به شیوه‌های استعماری آن. بدین نحو خصلت واقعی تجاوز امپریالیست‌های امریکایی و همچنین خصلت خیانت‌کارانه حکومت و ارتش دست‌نشانده آن در ویتنام عیان گردید. تضاد بین ملت ویتنام و امریکایی‌ها و دست‌نشانده‌گان در سراسر کشور آشکار شد. در درجه دوم، گروه اعزامی امریکایی به خاطر خصلت غیرعادلانه جنگ تجاوزکارانه، بدون ایده‌آل مبارزه می‌کرد و بدین دلیل دشمنی خلق ویتنام و نفرت و انزجار امریکایی‌های مترقی و خلق‌های سراسر جهان را برای خود به همراه آورد. درست به همین جهت نیروی مبارزاتی شان فقط می‌توانست تحلیل یابد. باوجود تجهیزات مدرنش نمی‌توانست در مقابل قدرت متحد ارتش و خلق ما و با جنگ توده‌ای ما مقابله کند. ثالثاً باوجود اینکه امریکایی‌ها از قوی‌ترین توان اقتصادی و نظامی اردوگاه امپریالیستی برخوردار بودند، نه وضع جهانی و نه اوضاع در خود ایالات متحده به آنها اجازه می‌داد که بالکل از این توان استفاده کرده و نیروهای خود را بطور نامحدودی در ویتنام مستقر کنند. بگذاریم از اینکه از این امر چه اشکالات بزرگی، چه در میدان‌های جنگ ویتنام در جهان و چه در خود ایالات متحده منتج می‌شد.

برخلاف آن، نیروهای انقلابی خلق ویتنام از هر لحاظ توسعه می‌یافت و در وضعیت کاملاً مناسبی بسر می‌بردند. در جنوب اکثریت وسیعی از مردم به دور جبهه آزادی‌بخش ملی سازمان‌دهنده و رهبر کل مبارزات میهن‌پرستانه، متشکل و مجتمع شده بودند. نیروهای ارتش آزادی‌بخش به سرعت رشد کردند، همین روحیه بالایی مبارزاتی بودند و تقریباً در تمام مناطق مناطق مهم استراتژیک محکم جا باز کرده بودند. جنبش انقلابی در شهرها شدت می‌یافت. باوجود اینکه مناطق آزادشده بطور ناقص اداره می‌شدند، اما این مناطق اکثریت مردم ویتنام را

در بر می گرفتند و استحکام می یافتند. حزب انقلابی خلق که بر پایه وسیع و مستحکمی متکی بود، بیانگر پیشاهنگ قهرمانی بود که در مبارزه آبدیده گردیده و محکم با توده‌ها متحد شده است، پیش‌آهنگی که از اعتماد مطلق خلق برخوردار بوده و دارای مشی و سیاست دقیقی بود که بر تجربه غنی سیاسی و نظامی پایه‌گذاری شده است.

در شمال، آنجایی که افکار دایما متوجه برادران مان در جنوب بود، ما به وظیفه خود، مبنی بر اینکه دوش به دوش آنان علیه تجاوزکاران امریکایی و به خاطر آزادی ملی مبارزه شود، کاملاً آگاهی داشتیم. بیش از ده سال بعد از انقلاب و ساختمان سوسیالیزم در شمال که نیروهای اقتصادی و نظامی آن رشد کرده بود به پایگاه مستحکمی برای انقلاب در سراسر کشور تبدیل شده بود.

مبارزه به حق خلق ویتنام در هر بخش آن هر روز بیش از روز دیگر از طرفداری و پشتیبانی پر قدرت کشور های برادر سوسیالیستی، دولت‌های ملی دیگر و همچنین خلق‌های صلح‌دوست جهان و بالاخره خلق امریکا، برخوردار می‌شد.

با توجه به شکست‌های دشمن و پیروزی‌های بزرگ ما و باوجود اعزام ارتش چندین هزار نفری اکتشافی به جنوب ویتنام، تناسب نیروها از نظر اصولی تغییر نکرد. ما پایگاه محکمی در اختیار داشتیم که از طریق آن توانستیم تصمیم‌گیری و ابتکار عملیات و همچنین شرایطی را که برای پیش‌بینی تصمیمات کوتاه‌مدت و طولانی دشمن ضروری بود، در دست خود نگهداریم با حرکت از این ارزیابی اوضاع، کمیته مرکزی تصمیمات خود را مبنی بر بسیج تمام نیروهای حزب، ارتش و خلق، تاکید کرده تا "جنگ تجاوزکارانه امریکایی را در تحت هر شرایطی که انجام گیرد محکوم به شکست نمود تا از شمال دفاع شود، جنوب

آزاد گردد، انقلاب دموکراتیک توده‌ای را در سراسر ویتنام به سرانجام رساند و کوشش در جهت وحدت مجدد و مسالمت کشور به عمل آورد. (تصمیم پلنوم دوازدهم کمیته مرکزی حزب، دسامبر ۱۹۶۵)

شکست جنگ نابودکننده آمریکایی علیه شمال

در ۵ اگست ۱۹۶۴ آمریکایی‌ها افسانه "تصادم در خلیج تون کین" را خلق کرده و هواپیماهای شان را برای بمباران ویتنام شمالی ارسال کردند. از فبروری ۱۹۶۵ به بعد آمریکایی‌ها حملات هوایی و دریایی خود را علیه جمهوری دموکراتیک ویتنام تشدید کردند، تا به این وسیله پشتیبانی مردم شمال را در مبارزه جنوب درهم شکنند، در ساختمان سوسیالیزم خرابکاری کنند، روحیه مبارزاتی را تضعیف نمایند و بدینوسیله خلق ویتنام را در هر دو بخش آن مجبور کنند که به مبارزه آزادی‌بخش خویش طبق شروط متجاوزین خاتمه دهند.

با توجه به چنین شرایطی حزب به این نتیجه رسید که مبرم‌ترین وظایف انقلاب در شمال در آن بود که تغییرات مهمی در تشکیلات و ساختمان اقتصادی انجام گیرد تا توان دفاع ملی تقویت یافته و همچنین وظایف انقلابی به نحو درست درک شوند. می‌بایستی در شمال نیروهای کافی به وجود آورده شود، آنچنان نیرویی که به شمال امکان می‌داد که تا علیه حملات هوایی و محاصره از خود دفاع کند، در مقابل امکان توسعه جنگ از طرف دشمن، هر قدر هم وسعت آن زیاد باشد، سینه سپر کند، از مبارزه برادران در جنوب به حد اعلاء خود پشتیبانی نموده و همزمان با آن به ساختمان سوسیالیزم ادامه دهد.

امپریالیست‌های آمریکایی به خاطر ویرانی هر چه بیشتر شمال کشور ما نیروهای

عظیم دریایی و هوایی را تجهیز کردند. تحت رهبری حزب، مردم آرامش خود را حفظ کرده و قدرت خلاقه و قهرمانی از خود نشان دادند: درحالیکه هم‌میهنان ما روز به روز به پیروزی‌های بیشتری نایل می‌شدند، تمام حملات دشمن را دفع می‌کردند.

در طی چهار سال جنگ نابودکننده، امریکایی‌ها جنایات تصورناپذیری را علیه خلق ما مرتکب شدند. آنان حملات خود را به شهرها، مراکز اصلی استان‌ها، مراکز شهرها و مناطق پرنفوذ، متمرکز کرده و تعداد زیادی از هم‌میهنان ما را کشتند. شش شهر بزرگ شمال، هانوی، هایفون، نام دین، تای نگوئین، ویت تری و وینه چندین بار پشت سر هم مورد هدف قرار گرفتند، از سی مرکز اصلی استان‌ها، ۲۵ مرکز چندین بار مورد حمله قرار گرفتند و شش مرکز به کلی نابود شدند - اونگ هوی، نینه بینه، فولی، باکیاگ، ین بای و سون لا تعداد زیادی از مراکز شهرها با خاک یکسان شدند. به عنوان مثال حاتو (در کوانگ نیته) و هوخا (در وین لین). امپریالیست‌ها جنایات بازهم فجیع‌تری مرتکب شدند: آنان به سدها و تأسیسات آبیاری حمله کرده و تعداد زیادی مدارس، موسسات بهداشتی، مریض‌خانه، کلیسا و معابد را بمباران کردند.

اما هرچه بیشتر آنان به جنایات خود ادامه می‌دادند، شکست‌های مفتضحانه‌تری در هر دو منطقه ویتنام نصیب شان می‌گردید. در ۳۱ مارچ ۱۹۶۸ دولت امریکا مجبور به بیرون کشیدن خود از بن‌بست شد و اعلام داشت که بمباران شمال را محدود خواهد کرد. در اوایل نوامبر ۱۹۶۸ مجبور شد که به بمباران سراسر خاک جمهوری دموکراتیک ویتنام بدون قید و شرط خاتمه داده و مذاکرات را با نمایندگان حکومت ما و جبهه آزادی‌بخش ویتنام جنوبی در کنفرانس چهارطرفه

پاریس شروع کند. بدین ترتیب مردم شمال، پرچم پیروزی باشکوه چهار سال مبارزه قهرمانانه را با موفقیت به اهتزاز درآورد. طبق آماري که هنوز کامل نیست، ما تا اول نوامبر ۱۹۶۸ تعداد ۳۲۴۳ هواپیمای جت، در میان آنها ۶ هواپیمای ب-۵۲ و دو فروند هواپیمای آ-۱۱۱ اف که دارای بال متغیر اند، هدف قرار داده هزاران خلبان دشمن را کشته یا اسیر کرده‌ایم، صدها کشتی جنگی را، به انواع مختلف، آتش زدیم و به همین ترتیب کاملاً بر جنگ نابودکننده امریکایی پیروز شدیم.

حزب ما از همان آغاز، ارزیابی دقیقی از اهداف استراتژیک دشمن، امکانات به‌تحقق پیوستن این اهداف و همچنین نکات ضعف و قدرت این استراتژی را در سطوح سیاسی و نظامی آن بدست داد. حزب ما به ویژه اساسی‌ترین نقطه ضعف استراتژی امریکایی‌ها را در این جنگ شناخت. با حرکت از شرایط شکست در میدان‌های جنگ جنوب ویتنام، از ابتدا جنگ تخریبی امریکایی‌ها دارای خصلت غیر فعال (پاسیو) بود و از دید استراتژیک از همان آغاز به شکست محکوم بود. هرچه بر شدت آن افزوده می‌شد، شکست‌هایش بزرگتر شده و امریکایی‌ها باز بیشتر در موضع غیرفعال (پاسیو) فرو می‌رفتند.

به خاطر مبارزه با جنگ نابودکننده، حزب ما از یک استراتژی صحیح استفاده کرد: یعنی مبارزه آزادی‌بخش مجموعه خلق را در همه سطوح و برای مدت طولانی سازمان داده، اساساً به نیروی خود متکی بوده و بدین وسیله و همزمان با آن در جهت کسب کمک موثر بین‌المللی کوشش می‌کرد.

حزب، ارتش و مجموعه خلق ما، کاملاً مصمم بودند که تا پیروزی نهایی مبارزه کنند. این عزم راسخ در اعلامیه صدر هوشی مین مورخ ۱۷ جون ۱۹۶۶ بیان

روشن خود را یافت: "جنگ می‌تواند پنج سال، ده سال، بیست سال دیگر و یا بیشتر ادامه یابد، هانوی، هایفون و دیگر شهرها و کارخانه‌ها می‌توانند نابود شوند، اما خلق ویتنام باکی بر خود راه نمی‌دهد. هیچ چیزی پرارزش‌تر از استقلال و آزادی نیست. هنگامی که پیروز شویم، خلق ما کشور را بازهم بزرگ‌تر و زیباتر خواهد ساخت."

مردم شمال تحت رهبری حزب- با توجه کافی نسبت به تقسیم کار صحیح، به استفادهٔ منطقی از نیروها و نسبت به رابطهٔ محکم بین فعالیت‌های آنها توانستند با بهره‌گیری هرچه بیشتر از آنها و قرار دادن آن در خدمت انجام موفقیت‌آمیز انقلاب، برتری سیستم سوسیالیستی را در سطح وسیع‌تری به اثبات رسانند. مقاومت علیه جنگ نابودکنندهٔ امریکایی‌ها در شمال به همان اندازه به تکامل نوین و تجربه‌های غنی جنگ توده‌ای چه از نظر تیوری و چه از نظر عملی افزود، که مقاومت علیه جنگ منطقه‌ای امریکا در جنوب کشور. این تکامل نوین و تجربهٔ غنی پایهٔ فوق‌العاده مهمی است که بر مبنی آن خلق ما خواهد توانست به پیروزی‌های بازهم بزرگتری نایل آید و هر نوع نقشه و شکل تجاوز امریکا را به شکست منتهی گرداند.

ما با ضربه لایقی که به جنگ نابودکننده شان زدیم یک جناح از جنگ تجاوزکارانه آنها را علیه ویتنام درهم شکستیم و به میل و شهوت تجاوزکارانه آنها ضربه سنگینی وارد آوردیم.

در بیانیه مورخ ۳ نوامبر ۱۹۶۸، صدر هوشی مین چنین ابراز کرد: "این یک پیروزی مشی راستین انقلابی سیستم عالی سوسیالیستی ما است. این یک پیروزی مشترک ارتش و خلق ما در هر دو منطقه شمال و جنوب است. این

همچنین پیروزی خلق‌های کشورهای برادر و دوستان ما در هر پنج قاره است."

واقعیت اثبات نمود که امریکا نتوانست به کمکی که شمال به جنوب می‌کرد خاتمه دهد، و همچنین این جنگ نتوانست عزم راسخ مجموعه خلق ما را در مبارزه علیه تجاوز به لרزه درآورد و مانع ساختمان سوسیالیسم در جمهوری دموکراتیک ویتنام شود. از جهاتی سیستم سوسیالیستی ما مستحکم‌تر شد. اقتصاد سوسیالیستی نتوانست در بخش‌های مهم خود پابرجای مانده و حتی در بعضی از بخش‌های آن رشد و شکوفایی نوینی یافت.

کشاورزی کلکتیوه شده در زیر آتش جنگ، قدرت و برتری شیوه کار مشترک را به اثبات رساند. تا سال ۱۹۶۷، ۹۲٪ اقتصاد دهقانی به درجه بالاتر یعنی شرکت‌های تعاونی تولید کشاورزی ملحق شدند که ۸۳٪ شرکت‌های تعاونی روستایی را در بر می‌گرفتند. ۴۶۵۵ شرکت تعاونی توانستند صاحب ماشین‌های کشاورزی شده که در برگیرنده تعداد ۶۳۵۰ ماشین موتوریزه و ۹۳۶۲ ماشین کشاورزی (پمپ، ماشین‌های خرمن‌کوبی و علوفه خردکنی) بودند. ۲۵۵۱ شرکت تعاونی توانستند سالانه بیش از پنج تن محصول در هر هکتار برداشت کنند.

تولید صنعتی توانست باوجود پس رفتن در بعضی از بخش‌های مشخص و رشد و توسعه در بخش‌های دیگر، در مجموع رشد وسیع صنعت محلی حفظ شود. در صد سهم تولید صنعتی در اقتصاد ملی، در هر منطقه مهم استراتژیک بسط و توسعه یافت. احتیاجات اساسی برای تولید صنعتی، مبارزه و سطح زندگی مردم تأمین شده بود. فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی و همچنین تأمین بهداشتی نه تنها متوقف نشدند بلکه به رشد خود ادامه دادند.

ارتباطات و وسایل نقلیه یکی از هدف‌های اصلی بمباران‌های امریکایی بودند. به حفظ ارتباطات بعنوان یکی از وظایف استراتژیک برخورد می‌شد. کمیته مرکزی حزب، حکومت بخش‌های مورد هدف و همچنین تشکیلات محلی حزب در تمام سطوح توجه خاصی بدان معطوف داشته بود. شریان حیاتی اصلی کشور، یعنی شبکه جاده‌ها، بطور عادی به کار خود ادامه می‌داد و حمل و نقل کالاها به مقصد مورد نظر و همچنین ارتقاء روزانه حجم حمل و نقل کالا کاملاً ممکن بود. اشکال مختلف راه‌های ارتباطی چندین برابر شد. علاوه بر آن پیروزی ما در مبارزه علیه "جنگ تخریبی" امریکا، مدیون مشی است که در دفاع ملی از آن پیروی می‌شد. حزب ما این جمله را در سرلوحه کار خود قرار داده بود: مجموعه خلق علیه دشمن مبارزه می‌کند، تمام خلق وظایف دفاع ملی را اجرا می‌کند. حزب تصمیم گرفت که نیروهای مسلح نظامی توده‌ای را سریعاً توسعه دهد. همزمان با استقرار ارتش منظم و مدرن، سلاح‌های جدیدی ساخته شد. تقویت تسلیح گروه‌های منظم و واحدهای پارتیزانی مسایلی بودند که می‌بایستی بدان توجه خاصی می‌شد. در نیروهای مسلح نظامی شمال تجدید و تغییر سازمان‌دهی شد تا بتوانند با پیاده شدن احتمالی نیروهای ارتش امریکا در خاک شمال مقابله کنند.

اعضاء حزب خلوص، قهرمانی و ذکاوت خاصی از خود نشان داده و با توده ارتباط نزدیک و محکمی برقرار کردند تا بدینوسیله توده‌ها را در تمام سطوح تولیدی و مبارزاتی رهبری کنند. ما موفق شدیم حزبی کاملاً پرتوان و مستحکم از نظر سیاسی ایدئولوژیکی و تشکیلاتی سازمان دهیم که بتواند و به وظیفه سنگین و تاریخی خود یعنی انجام رهبری خلق در مبارزه‌اش به خاطر پیروزی بر متجاوزین امریکایی و ساختمان پیروزمند سوسیالیزم، عمل کند.

حزب بخصوص وظیفه ارتقای سطح تیوریک و ایدئولوژیک کادرها و مبارزان، تربیت و آموزش کادرهایی از جوانان و زنان، تربیت دهها هزار کادر علمی و تکنیکی و همچنین تربیت کادر رهبری اقتصادی و سازمان‌های پایه‌ای حزب را در دستور کار خود قرار داد. علاوه بر آن حزب سبک کار فعالیت رهبری را به خاطر مبارزه با بروکراتیزم و اتوریته‌گرایی، هدایت کادرها و اعضاء در جهت پیوند نزدیک با توده، تصحیح نمود.

گذشته از اینها حزب فعالیت وسیع تربیتی-آموزشی را به‌خاطر "ارتقای روحیه انقلابی و رهایی از بند اندویدوآلیزم" سازمان داده، و روحیه استقلال‌طلبی و اراده "اعتماد و تکیه به نیروی خود" را تبلیغ نموده، احساس مسئولیت و مقاومت علیه هر نوع تاثیر رویزیونیسم و دگماتیسم را ارتقاء داده، از پاکیزگی مارکسیزم-لنینیسم در مقابل سموم دفاع کرده و وحدت و همبستگی درون حزبی را تقویت بخشید. کمیته مرکزی با تاکید زیاد معتقد بود که نتایج به‌دست آمده هنوز ناکافی هستند و وظایف استراتژیک حزب هنوز کفایت لحظه کنونی را نمی‌کنند. مظاهر منفی هنوز به چشم می‌خورد، بعنوان مثال: از اوضاع جنگ به خاطر سوءاستفاده از اقتصاد کلکتیوی و یا تضعیف آن، سودجویی کردن، از مال مردم دزدی کردن، و یا در خدمت سوداگران و سودجویان در آمدن. بعضی از کادرها و اعضاء حزب هنوز هم گرفتار بروکراتیزم و اتوریته‌گرایی بوده حقوق دموکراتیک خلق را و حتی تا اندازه‌ای قوانین سوسیالیسم را زیر پا می‌گذاشتند.

بعضی‌ها مجدانه از شرایط زندگی خلق مواظبت نمی‌کردند. عناصری هم بودند که به انضباط کار احترام نمی‌گذاشتند. از سال ۱۹۶۸ به بعد حزب می‌کوشید که نقش رهبری‌کننده خود را در حیطه اقتصادی تحکیم بخشیده، علیه لابلایگری

در ادارات مبارزه کرده و توده‌ها را به آن آگاهی برساند که آنان حاکم جمعی بر سرنوشت کشور خویش هستند.

مشى و شیوه عمل انقلابی حزب ما که سرشار از روحیه استقلال و خلاقیت بود، منعکس‌کننده استحکام، شکست‌ناپذیری، قهرمانی و ذکاوت خلق ماست، خلقی که مصمم است سرنوشت خویش را به دست گیرد. در جواب به اعلامیه حزب، حکومت و صدر هوشی مین مردم شمال دست به جنبش مقاومت پرتوانی علیه تجاوز امریکایی زده، هم‌زمان باهم تولید و مبارزه می‌نمودند درحالی که حتی آهنگ توفانی حرکت قبلی خود را سریع‌تر کرده تا وظایف وسیع‌تری را انجام دهند. تحت رهبری حزب، خلق ما که مصمم به مبارزه و پیروزی بود، در آتش مبارزه رشد سریعی نمود. نیروهای مسلح نظامی خلق به جنبش تحولی "تصمیم به پیروزی" شکوفایی و رشد وسیعی بخشیده و شعار "شجاعانه با دشمن برخورد کنید" را در عمل پیاده کردند، کارگران زن و مرد باهم در یک دست چکش و در دست دیگر تفنگ و با استفاده درست از آنها در کار و فعالیت روحیه خلاقیت در تولید و قهرمانی و قدرت تدبیراندیشی در مبارزه را به اثبات رسانیده، از کارخانه‌ها دفاع کرده و تولید را رشد دادند. جنبش تحولی برای انجام ساعات اضافی کار در خدمت مقاومت ملی، برای رشد روحیه تصمیم‌گیری برای بهبود فعالیت اداری و برای رسیدن به "سه قله" (تولید بیشتر، جنس مرغوب و خوب، حداکثر صرفه‌جویی) تاثیر خود را هم در کارخانه‌های صنعتی هم در کارگاه‌ها و در املاک دولتی برجای گذاشت.

دهقانان فعال و بیدار، متشکل در شرکت‌های تعاونی که در یک دست گاو آهن و در دست دیگر تفنگ دارند، با انرژی علیه حوادث طبیعی و حملات دشمن

مبارزه می‌کنند. دهقانان می‌کوشیدند برای رسیدن به سه هدف تولید کشاورزی - یک کارگر پنج تن برنج، دو خوک برای هر هکتار - از هم پیشی گیرند. روشنفکران می‌کوشیدند برای انجام "سه دستور" (خوب تولید و به مبارزه خدمت کنید، انقلاب فنی، ایدئولوژیکی و فرهنگی را به پیش برید)، صفوف روشنفکران سوسیالیستی را متحد گردانیده و توسعه بخشند. آنان می‌کوشیدند از یک‌دیگر پیشی گیرند. جنبش "سه آماده‌باش" (آماده برای مبارزه، آماده برای شرکت در صفوف ارتش، آماده برای رفتن به همه جای و انجام هر نوع کاری که به وطن خدمت کند) تبدیل به جنبش وسیع انقلابی جوانان گردید. جنبش "سه وظیفه" (حفاظت از تولید و کارهای ویژه، حفاظت از خانه‌داری، خدمت سربازی و مبارزه کردن) حرارت و آتش انقلابی و روحیه فداکاری بی‌حد و حصر زنان ویتنامی را که بر تمام مشکلات در تولید و مبارزه فایق می‌یابند رشد و توسعه بخشید. از سوی دیگر جنبش تحولی "دو خوب" (خوب یاد دادن و خوب یاد گرفتن) برای معلمان و محصلان، "سه اصلاح" (اصلاح کار، اصلاح تشکیلات و اصلاح سبک کار) برای کادرها و مامورین، "دو عالی" (در مبارزه، در تولید) در تعداد مشخصی از مناطق و "هزار کار نیک" برای بچه‌ها و سربازان بخش فنی و مهندسی که دست در دست با جنبش‌های نامبرده بالا حرکت می‌کنند، یک جنبش وسیعی را که کشور ما تا به حال بخود ندیده بود، به وجود آورد.

جنبش تحولی در مبارزه علیه تجاوز امریکایی و به خاطر نجات ملی دارای اهمیت خاصی بوده. در این جنبش میهن پرستی و انترناسیونالیسم پرولتری خلق ما به عالی‌ترین شکل خود رشد می‌یابد، زیرا که "خلق ما نه فقط برای آزادی و استقلال خود مبارزه می‌کند و قربانی می‌دهد، بلکه همچنین برای آزادی و

استقلال تمام خلق‌ها و به خاطر صلح در سراسر جهان." (هوشی مین - علیه تجاوز امریکایی).

بر این اساس بشریت مترقی قاطعانه از مبارزهٔ خلق ما پشتیبانی می‌نماید و می‌پذیرد که "مبارزات، خلق ویتنام پیش‌آهنگ مرکز و نقطهٔ اوج مبارزهٔ انقلابی توده‌های کارگری و خلق‌های تحت ستم جهان علیه امپریالیست‌های امریکایی است."^[۱۴] مبارزهٔ میهن‌پرستانهٔ ما علیه تجاوز امریکایی قدرت پرتوان زندگی و برتری و پیروزی سیستم سوسیالیستی دیکتاتوری دموکراتیک خلق را که در شمال کشور ما برقرار شده است به اثبات رسانید.

مقاومت مردم جنوب به مرحلهٔ نوینی می‌رسد

پیاده شدن هرچه بیشتر و روزانهٔ نیروهای ارتش امریکا در جنوب ویتنام تضاد بین ملت ویتنام و امپریالیزم امریکا را در سطح ملی تشدید نموده و مقاومت مقدس مجموعهٔ خلق ویتنام را چه در شمال و چه در جنوب علیه تجاوز امریکا و به خاطر نجات ملی بیشتر می‌کند. خلق ما تحت شعار زیرین مبارزه می‌کند: "همه چیز در خدمت پیروزی بر تجاوز امریکا!" در مارچ ۱۹۶۵ جبههٔ آزادی‌بخش ملی در اعلامیهٔ خود چنین تاکید می‌کند: "خلق جنوب ویتنام و نیروهای نجات‌بخش مسلح‌اش هرگز اسلحه به زمین نخواهد گذاشت تا زمانیکه اهداف اساسی آنها یعنی استقلال، دموکراسی، صلح و بی‌طرفی تحقق پذیرفتند. خلق جنوب ویتنام بازم به متجاوزین امریکایی و دست‌نشاندهانش ضربات

[۱۴] قطعنامه کنگره فرهنگی بین‌المللی در هاوانا، ۱۴ جنوری ۱۹۶۸، دربارهٔ ویتنام.

نابودکننده‌ای وارد خواهد آورد و بطور اجتناب‌ناپذیری به پیروزی نهایی دست خواهد یافت."

صدر هوشی مین در سخنرانی خود به تاریخ ۱۰ اپریل ۱۹۶۵ در شورای خلق جمهوری دموکراتیک ویتنام (در دوره سوم قانونگذاری - نشست دوم) مجدداً تاکید نمود که: "حتی اگر دولت امریکا بازهم صدها هزار سرباز دیگر را به ویتنام بفرستد و کوشش کند که سربازان جدیدی از کشورهای همدست خود به این جنگ جنایتکارانه بکشاند، نیروهای نجات‌بخش مسلح و خلق ما بازهم مصمم باقی خواهند ماند که با آنان مبارزه کنند و بر آنان پیروز شوند."

اعلامیه جبهه آزادی‌بخش ملی باعث ایجاد روحیه قهرمانانه در کشور ما شد. بیانیه جبهه میهنی ویتنام این اراده تزلزل‌ناپذیر را بازهم بیشتر تاکید نمود. دولت جمهوری دموکراتیک ویتنام مجدداً و با شکوه هرچه بیشتر نظر استوار خود را اعلام نمود که هدفش حفاظت از استقلال، عدم وابستگی، وحدت ملی و تمامیت ارضی خاک ویتنام با تمام نیرو می‌باشد. ویتنام یکی است، ملت ویتنام یکی است و هیچ‌کس قادر نخواهد بود این حق مقدس خلق ما را پایمال کند.

در جواب به فراخوان صدر هوشی مین، مردم جنوب ویتنام که تحت رهبری جبهه آزادی‌بخش ملی بوده ابتکار عمل را در دست داشته، لاینقطع دست به حمله زده و در هر زد و خورد بزرگ نه فقط ارتش دست‌نشانده، بلکه بخش مهمی از نیروهای امریکایی را نیز نابود کردند.

امپریالیست‌های امریکا شکست خود را در "جنگ ویژه" به گردن بی‌لیاقتی ارتش دست‌نشانده می‌انداختند که گویا استفاده کامل از برتری تکتیکی نظامی امریکا

را جلو می‌گرفتند. اما حال که گروه‌های نظامی امریکایی مستقیماً جنگ را رهبری و برای نابودی خلق ویتنام، خود از سلاح‌های امریکایی استفاده می‌کنند، تصور می‌نمایند که هیچ نیرویی تاب مقاومت در مقابل آنها را ندارد. با توجه به چنین شرایطی باید خلق ما به هر وسیله که شده با ارتش امریکا مبارزه کرده و بر آنها پیروز شود. این امر برای خلق ما مسئله مرگ و زندگی است.

نیروهای آزادی‌بخش مسلح و مردم جنوب با عزم راسخ خود به شعارهایی که صدر هوشی مین از همان آغاز مقاومت بیان داشت: "همه چیز را فدا کردن بهتر است از اینکه استقلال خود را از دست داده و دوباره به بردگی برگردیم." مسلح و تقویت شده در اگست ۱۹۶۵ به اولین رودررویی مسلحانه با نیروهای ارتش امریکا دوران تون (کوانگ نگای) به پیروزی پرشکوهی نایل آمدند. در وحدت و همکاری با واحد‌های پارتیزانی، یک واحد مسلح نیروهای آزادی‌بخش خلق ما عملیات پاک‌سازی را که در آن هشت هزار سرباز امریکایی (GI's) شرکت داشتند و از طریق نیروهای هوایی و دریایی پشتیبانی می‌شدند، با قهرمانی بی‌نظیری به شکست منجر گردانید. همچنانی که جنگ آپ باک در جنوری ۱۹۶۳ به یک جنبش قدرتمند برای نابودی ارتش دست‌نشانده داخلی که به وسیله امریکایی‌ها سازمان‌دهی شده، تعلیم یافته، مسلح گردیده و تحت رهبری کماندوهای امریکایی بودند، تبدیل شد، جنگ وان توون نیز جنبش پرتوانی را به خاطر نابودی نیروهای نظامی ایالات متحده به وجود آورد. پیروزی در وان توون ثابت نمود که کاملاً امکان دارد بر امریکایی‌ها در "جنگ محلی" از نظر نظامی پیروز شد، با وجود آنکه می‌بایستی نیروهای آزادی‌بخش میهن‌پرست همزمان با هم علیه نیروهای امریکایی و ارتش دست‌نشانده داخلی مبارزه کنند.

این امکان پیروزی بر امریکایی‌ها توانست با فعالیت همه‌جانبه زمستانی و بهاری سال‌های ۱۹۶۵/۶۶ و پیروزی پرشکوه نیروهای آزادی‌بخش ما به حقیقت بپیوندد، این پیروزی، اولین تعرض متقابل در دوره خشک (این دوره در جنوب هفت ماه -از اکتوبر تا آخر اپریل- طول می‌کشد و دوره‌ای است که در آن باران کمتر می‌بارد. مترجم) که در آن ۲۰۰ هزار سرباز امریکایی و سربازان کشورهای وابسته و متحد امریکا و نیم میلیون سرباز ارتش دست‌نشانده داخلی شرکت داشتند، درهم شکست. دومین تعرض متقابل دشمن هم در زمستان و بهار ۱۹۶۷/۶۶، که در آن بیش از چهار صد هزار سرباز امریکایی و بیش از نیم میلیون سرباز ارتش دست‌نشانده داخلی شرکت داشتند به شکست مفتضحانه‌ای منتهی شد. در طول این دو دوره خشک، خلق جنوب ویتنام ۲۹۰ هزار دشمن را از میدان نبرد خارج کرده که در بین آنها ۱۲۸ هزار امریکایی و نیروهای کشورهای وابسته بودند. این پیروزی ارتش آزادی‌بخش میهن پرست، استراتژی دوجانبه امریکا و دست‌نشانده‌گانش یعنی "هر جنبنده‌ای را نابود و رام کنید" را کاملاً به تزلزل کشانید. روحیه دشمن را به لرزه درآورده و تضادهای نوینی را در صفوف آن به وجود آورد.

گذشته از اینها مبارزه سیاسی تحت شرایط رودررویی مستقیم با ارتش ایالات متحده ادامه و بسط یافت. شاخص این مبارزه سیاسی یک سری عملیاتی بود که از آغاز سال ۱۹۶۶ تقریباً در تمام شهرهای جنوب به ویژه در هویه و داتانگ تحت شعارهای "سرنگون باد رژیم دست‌نشانده و نیروهای امریکایی باید خارج شوند"، انجام می‌گرفت.

بر مبنای این پیروزی‌ها، کنگره فوق‌العاده جبهه آزادی‌بخش ملی (FNL) در

اگست ۱۹۶۷ یک برنامهٔ سیاسی به تصویب رساند تا با تکیه بدان جبههٔ آزادی‌بخش ملی را توسعه داده و به مبارزهٔ انقلابی تا پیروزی نهایی ادامه دهد. بعد از کنگره، کمیتهٔ مرکزی جبههٔ آزادی‌بخش ملی تصمیم گرفت که به مبارزه جهت نوین استراتژیک دهد که بر مبنای آن می‌بایستی جبههٔ نوینی در شهرها به وجود آید و تعرض همه‌جانبهٔ نیروهای مسلح آزادی‌بخش با بسیج توده‌های شهری در سراسر کشور را به خاطر کسب قدرت به وسیلهٔ قیام همسو گرداند.

در هماهنگی با این جهت نوین، هم‌میهنان ما در جنوب همگام با نیروهای مسلح آزادی‌بخش به تاریخ ۳۰ جنوری ۱۹۶۸ در ۶۴ شهر، مراکز استان‌ها و یک سری از مناطق روستایی اطراف شهرها به پاخواستند. در هویه و در مناطق زیادی از دهات تازه آزاد شده، قدرت انقلابی برپا شد. در هویه و سایگون اتفاق نیروهای دموکراتیک ملی و صلح‌طلب به وجود آمد. جبههٔ آزادی‌بخش ملی علیه تجاوز امریکا توسعه یافت. حملات و قیام‌های عمومی بهار سال ۱۹۶۸ ضربهٔ کشنده‌ای برای امریکایی‌ها و دست‌نشانندگان بومی شان بود. بدین‌وسیله نه فقط نیروهای اصلی دشمن نابود شد و مقدار قابل توجهی از ابزار جنگی‌اش از بین رفت، بلکه حتی وضعیت استراتژیکی دشمن نیز کاملاً از هم پاشید، به نحوی که دشمن را مجبور کرد تا زودتر از موقع معین از نقشهٔ خود مبنی بر "جستجو کردن، نابود کردن و رام کردن" دست کشیده و به استراتژی تدافعی "پاک کردن و حفظ کردن" دست بزنند. آقایان کاخ سفید و پنتاگون با وجود اینکه بیش از یک میلیون نفر سرباز امریکایی و دولت دست‌نشانده را در اختیار داشتند اما از نابودی نیروهای خود به شدت رنج می‌بردند. دشمن دیگر نمی‌توانست از مناطق روستایی دفاع کند. نقشهٔ "رام کردن" آنها به شکست منتهی شده بود. دشمن مجبور بود به شهرها عقب‌نشینی کند. اما در شهرها هم با وجود اقدامات وسیع

تدافعی از خطر حملات ناگهانی و دائمی نیروهای آزادی‌بخش میهن‌پرست ما در امان نبود.

برعکس دشمن، وضعیت نظامی ارتش آزادی‌بخش و مردم جنوب هیچگاه به مانند زمان بعد از حملات و قیام‌های سال ۱۹۶۸ مساعد نبوده و موقعیت استراتژیک آنها هیچگاه چنین محکم نبود. انقلاب نه فقط در مناطق کوهستانی و روستایی توانسته بود محکم پا بگیرد، بلکه جبههٔ نوینی هم در شهرها گسترده شد. جنگ انقلابی تا درون مناطق تحت نفوذ اصلی امریکایی‌ها و دست‌نشانده‌گانش پیشروی کرده بود. ارگان‌های رهبری‌کننده و پایگاه‌های حساس دشمن که به طور سهمگینی آسیب دیده بودند، کاملاً درهم و برهم شدند.

حملات و قیام‌های عمومی سال ۱۹۶۸ بیانگر آن درجه از تکامل بودند که در آن مراحل می‌که به وسیلهٔ حملات مختلف از هم تشخیص داده می‌شد لاینقطع به دنبال هم می‌آمدند. هرچه مبارزات شدت می‌یافت، پیروزی خلق از دیاد یافته و نیروهای ارتش آزادی‌بخش چندین برابر می‌شد. در سال ۱۹۶۸ ۶۳۰ هزار سرباز دشمن که از این تعداد ۲۳۰ هزار نفر سربازان امریکایی و کشورهای وابسته بدان بودند، از میدان نبرد خارج شده و در شش ماههٔ اول ۱۹۶۹ این تعداد ۳۳۰ هزار بود که ۱۴۵ هزار نفر آن سرباز امریکایی و کشورهای وابسته بود. بعد از جنوری ۱۹۶۹ امریکایی‌ها مجبور شدند که با نمایندگان جبههٔ آزادی‌بخش ویتنام جنوبی در کنفرانس چهارطرفهٔ پاریس وارد مذاکره شوند. بدین ترتیب خلق جنوب ویتنام جبهه نوینی - یعنی جبهه دیپلماسی - را به وجود آورد. خلق ویتنام در هر سه جبههٔ (جبهه نظامی، سیاسی و دیپلماسی) متداوما دست به حمله زده و به

پیروزی‌های بزرگی نایل آمد. سرزمین‌های آزاد شده در اکثر نقاط حتی تا اطراف شهرها توسعه یافتند. قدرت انقلابی نه فقط در سطوح محلی و ناحیه‌ای، بلکه همچنین در سطوح استان‌ها و شهرهای بزرگ نیز برپا شد. به تاریخ ۶ جون ۱۹۶۹ جبهه‌آزادای‌بخش ملی اتفاق نیروهای دموکراتیک ملی و صلح‌طلب و همچنین دیگر نیروهای میهن‌پرست در کنگره‌نمایندگان خلق گردهم آمده و دولت موقت انقلابی جمهوری ویتنام جنوبی و حکومت شورای ریش‌سفیدان را انتخاب کردند. تولد دولت انقلابی موقت بیانگر پیروزی عظیمی در مقیاس تعیین‌کننده‌ای برای پروسه‌استقرار حکومت انقلابی در جنوب ویتنام بود، یک قدرت واقعا ملی و دموکراتیک به وجود آمد. این قدرت پایه‌های قدرت دست‌نشانده‌ رژیم وابسته به امریکا را شدیداً به لرزه درآورد.

تحت رهبری جبهه‌آزادای‌بخش ملی و حکومت انقلابی در مناطق آزادشده، رفرم‌های دموکراتیک بطور مشخص در زمینه کشاورزی انجام پذیرفت. شعار "زمین از آن کسی است که روی آن کار می‌کند" به حقیقت پیوست. اکثریت عظیم دهقانان صاحب زمین شدند. تولید کشاورزی و صنعت یدی توسعه یافتند. همچنین کار وسیع در زمینه سیاسی، فرهنگی، تربیتی و بهداشتی نتایج مهمی به دست داد. رفرم‌های دموکراتیک در مناطق آزادشده در دستور کار قرار گرفتند و این امر باعث شد تضادهای عمیقی که بین دو سیستمی که امروزه در جنوب در مقابل هم قرار گرفته‌اند - یعنی سیستم دموکراتیک توده‌ای و سیستم نیمه مستعمره - با روشنی خاصی تجلی کنند.

انقلاب ویتنام جنوبی شکوفایی کامل نیروها را در سیستمی که مملو از قدرت و خروش است، باعث می‌شود. این نیروها با عناصر منحط و فاسدی که به پیروی

سیستمی که از طرف سیاست نیمه‌مستعمراتی امریکا به وجود آمده متکی هستند، مبارزه می‌کنند. تکامل تاریخی انقلاب جنوب ویتنام بعد از زمان حملات و قیام‌های عمومی سال ۱۹۶۸، به منزلهٔ اعلام شکست نهایی و غیرقابل اجتناب امپریالیزم امریکا و سگ‌های زنجیری‌اش در ویتنام است. صدر هوشی مین به این امر در پیام خود به تاریخ ۴ فبروری ۱۹۶۸ اشاره می‌کند: "پیروزی بهاری نیروهای آزادی‌بخش مسلح و مردم جنوب، برای مبارزهٔ میهن‌پرستانه علیه تجاوز امریکا موقعیت نوین و بسیار مناسبی به وجود آورد. هیچ چیزی نخواهد توانست که امریکایی‌ها و دست‌نشاندهانش را از شکست برهاند." هرچه وضعیت دشمن بدتر می‌شود بر روی نقشه‌ها پس پافشاری می‌کند و به همین دلیل ما باید به جنبش مقاومت مان با بردباری ادامه دهیم تا از این طریق دشمن را به شکست کامل برسانیم. صدر هوشی مین در خطابهٔ خود به تاریخ ۲۰ جولای ۱۹۶۹ تاکید کرد که "شکست امپریالیزم امریکا بر همه آشکار است ولی آنان به جنوب کشور ما محکم چسپیده اند و حاضر به دست کشیدن از آن نیستند. نیروهای آزادی‌بخش مسلح تصمیم قاطع دارند که تا تخلیهٔ کامل ویتنام از نیروهای امریکا و شکست ارتش و حکومت دست‌نشانده آنها در ویتنام و تحقق بخشیدن به اتحاد صلح‌آمیز مجدد کشور، جنگیده و پیروز شوند."

در لحظهٔ کنونی مردم هردو بخش ویتنام لاینقطع در سه جبههٔ نظامی، سیاسی و دیپلماسی به دشمن حمله می‌کنند. پیشنهاد چهار ماده‌ای جمهوری دموکراتیک ویتنام و حل همه‌جانبهٔ مسئله در ده ماده‌ای پیشنهادی جبههٔ آزادی‌بخش ملی و دولت انقلابی جمهوری ویتنام جنوبی که بیانگر روشن و آشکار یک امر به‌حق هستند امپریالیست‌های امریکایی و دست‌نشاندهانش را به وضع خرابی کشانده و آنان را مجبور به عقب‌نشینی نمودند. تحت رهبری دوراندیشانه جبهه

آزادی‌بخش ملی و دولت موقت انقلابی جمهوری جنوب ویتنام، مردم جنوب ویتنام بطور مداوم کوشش‌های مذبوحانهٔ امپریالیزم امریکا را مبنی به "ویتنامی کردن" جنگ، نقش برآب می‌کند.

اعتماد خلق ما به پیروزی نهایی در مبارزه میهن‌پرستانه علیه تجاوز امریکا، به پیروزی اجتناب‌ناپذیر انقلاب دموکراتیک- ملی توده‌ای در جنوب و به امر وحدت دوباره و مسالمت‌آمیز کشور، متکی به اصول روشن و علمی زیرین است:

۱- خلق ما از رهبری دوراندیش و راستین حزب زحمتکشان و جبههٔ ملی برای آزادی جنوب ویتنام برخوردار است. این رهبری انطباق خلاق مارکسیزم-لنینیسم را بر شرایط خاص مبارزهٔ انقلابی و جنگ توده‌ای در کشور ما را تضمین می‌نماید.

۲- تحت رهبری حزب و صدر هوشی مین، جبههٔ متحد و مجموعهٔ خلق ویتنام که متکی بر اتحاد کارگران و دهقانان است روز به روز مستحکم‌تر شده، سنن تاریخی وحدت ملی و مبارزه غلبه‌ناپذیر خلق ما با قدرت بیشتر بسط و تکامل می‌یابد.

۳- تحت رهبری حزب ما و جبههٔ آزادی‌بخش ملی ویتنام جنوبی جنگ توده‌ای ما شکست‌ناپذیر شده و جنگ غیرعادلانهٔ امپریالیزم امریکا را که بر تیوری‌های نظامی کهنه شدهٔ بورژوازی متکی است به طور مداوم به شکست منتهی گردانیده است. نیروهای مسلح و آزادی‌بخش خلق ویتنام هر روز بیشتر در مبارزه رشد کرده و آبدیده شدند و در سنن مبارزاتی و پیروزی شان به یک ارتش قدرتمند رشد نمودند.

۴- ما از علاقه، پشتیبانی و کمک کشورهای سوسیالیستی برادر، از علاقه و پشتیبانی خلق‌های جهان و بالاخره بخش مرفعی مردم ایالات متحده برخورداریم.

طبق فاکتورهای بالا، رهبری حزب ما، حزب صدر هوشی مین که مسلح به مارکسیزم-لنینیسم است عنصر تعیین‌کننده می‌باشد. با تکیه به تجربه‌ای که خلق ما در دو جنگ طولانی مقاومت بدان دست یافته است -دیروز علیه استعمارگران فرانسوی و امروز علیه امپریالیزم امریکا- صدر هوشی مین اشاره می‌کند که: "خلق ویتنام با توجه به تجربه‌ای که خود کسب کرده است اطمینان کامل دارد که در شرایط مساعد کنونی که برای جنبش انقلابی وجود دارد، بدون شک حتی یک ملت کوچک اگر از یک سو محکم متحد شده و مصممانه از مشی سیاسی و نظامی راستینی پیروی کرده و مبارزه نماید و اگر از سوی دیگر از پشتیبانی و کمک فعال اردوگاه سوسیالیزم و خلق‌های انقلابی جهان برخوردار باشد می‌تواند بر امپریالیست‌های متجاوز هرکدام که باشد، حتی اگر سردسته آنها یعنی امپریالیزم امریکا، پیروز شود." (هوشی مین: انقلاب اکتوبر راه رهایی خلق‌ها را روشن نمود).

در حین مبارزه سیاسی‌ای که خلق ویتنام -چه در شمال و چه در جنوب- به طور توسعه‌یافته‌ای علیه تجاوز امریکا انجام می‌داد، صدر هوشی مین، رهبر عزیز و محترم طبقه کارگر ما، خلق ما و مجموعه ملت ویتنام، مبارز جنبش بین‌المللی کمونیستی و جنبش آزادی‌بخش خلق‌ها، به تاریخ ۳ سپتامبر ۱۹۶۹ دیده از جهان فرو بست. حزب، ارتش و مردم شمال و جنوب از این ضایعه احساس دردناکی کردند. مجموعه بشریت مرفعی با خلق ما همدرد شد و سوگواری نمود.

حزب ما، مجلس ملی و دولت ما بیش از ۲۳ هزار تلگرام همدردی از ۱۲۱ کشور دریافت کردند. هیئت‌های نمایندگی چهل کشور خارجی به هانوی آمدند تا در مراسم تشییع جنازه وی شرکت داشته باشند. تعداد زیادی از کشور های جهان یا اعلام سوگواری ملی نموده و یا مراسم یادبود مرگ هوشی مین کبیر را برگزار نمودند. صدر هوشی مین برای حزب و خلق ما ضایعه‌ای بود که جای آنرا نمی‌شد پر کرد. اما باوجود این ما از یک میراث فوق‌العاده پرارزش برخوردار شدیم: اثر گران‌بهای وی و نمونه‌تابناک وی.

صدر هوشی مین برای حزب و خلق ما یک وصیت‌نامه تاریخی بر جای گذاشت. او این امر را در قلوب ما برجای گذاشت که وحدت و همبستگی حزب را تقویت بخشیم: "باشد که تمام رفقا- از رفقای کمیته مرکزی گرفته تا رفقای سازمان‌های پایه‌ای- از وحدت همبستگی حزب همچون مردمک چشم خود نگهبانی کنند... حزب باید حد اعلی پاکیزگی خود را حفظ کرده و لیاقت نقش رهبری‌کننده خود را به عنوان خدمت‌گزار حقیقی و وفادار خلق، حفظ نماید." او این ضرورت را یادآور شد که اعضای جوان کارگر و تمام جوانان تربیت شوند تا آنان را هم‌زمان باهم به ادامه‌دهندگان "سرخ" و "مغرب" ساختمان سوسیالیسم مبدل کرده هم خود را در خدمت تعلیم و تربیت نسل انقلابی آینده قرار داده و "نقشه خوبی برای رشد و توسعه اقتصاد و فرهنگ ملی نمایند تا به سطح زندگی خلق لاینقطع ارتقا داده شود." وی در رابطه با مبارزه علیه تجاوز امریکا و نجات ملی، برای ما روشن نمود که با سرسختی تا پیروزی کامل به مقاومت خود تحت هر نوع مشکلات و محکومیت‌هایی که پیش آید، ادامه دهیم.

او در رابطه با جنبش جهانی کمونیستی آرزو داشت "که حزب ما تمام نیروی

خود را به کار اندازد و آنرا به نحو موثری با درایت و از صمیم قلب در خدمت وحدت مجدد احزاب برادر براساس مارکسیزم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری قرار دهد."

وصیت‌نامهٔ صدر هوشی مین یک سند مهم تاریخی است که گویای بینش حاد انقلابی وی، جهان‌بینی وی و روحیه و احساسات پاک و بزرگ وی می‌باشد. این وصیت‌نامه برج‌راهنمایی است که راه وحدت مبارزه‌جویانه حزب و خلق ما را در خدمت اجراء وظایف سنگین ولی درخشانش روشن می‌نماید: انجام دادن امر نجات ملی تحقق‌بخشیدن به دموکراسی توده‌ای و ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم در کشور ما.

دفتر سیاسی به فعالیتی در حزب، ارتش و در بین سراسر خلق با هدف "سوگواری را به اعمال انقلابی تبدیل کنیم" دامن زد تا به وصیت‌نامه تحقق‌بخشیده و سوگند رفیق له دوان را -دبیر اول حزب- که به نام حزب، ارتش و خلق مراسم یادبود مرگ هوشی مین کبیر که در ۹ سپتامبر ۱۹۶۹ در میدان بادینه برگزار شده بود، یاد کرد، به اجراء درآورد:

"- بطور صحیحی پرچم استقلال ملی را برافروخته نگهداریم، مصممانه با متجاوزین امریکایی مبارزه کرده تا پیروز شویم، جنوب را آزاد نماییم، از شمال دفاع کنیم، کشور را متحد گردانیم، تا به تمام آرزوهای قلبی صدر هوشی مین تحقق‌بخشیم.

- با تمام نیرو به مبارزه به خاطر تحقق به ایده‌آل‌های اصیل سوسیالیستی و کمونیستی ادامه دهیم، راهی که او به طبقهٔ کارگر و خلق ما برای بهبود وضع

کشور و خوشبختی هم‌میهنان نشان داد.

- تمام نیروی خود را به کار اندازیم تا از وحدت و همبستگی حزب همچون مردمک چشمان حفاظت نموده، نیروی مبارزاتی آنرا تقویت بخشیده و حزب را به هسته مرکزی صفوف وحدت ملی تبدیل کنیم تا بدین‌وسیله موقعیت کامل امر انقلابی طبقه کارگر و خلق ویتنام را تضمین نماییم.

- احساسات پاک انترناسیونالیستی را که در وجود صدر هوشی مین نهفته بود، پرورش دهیم، با تمام وجود در جهت ایجاد و تقویت وحدت مجدد و همبستگی اردوگاه سوسیالیسم و احزاب برادر بر اساس مارکسیزم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری کوشش نماییم، پیوند همبستگی و دوستی را بین خلق‌های هند و چین تقویت کنیم. با تمام نیروی مان از جنبش انقلابی خلق‌ها پشتیبانی نماییم و فعالانه در مبارزه جهانی به خاطر صلح، استقلال ملی دموکراسی و سوسیالیسم شرکت ورزیم.

- در تمام طول زندگی مان از روحیه و سبک کار او سرمشق بگیریم، از خصایل برجسته انقلابی حفاظت نماییم، از سختی‌ها و قربانی نهراسیم، آبدیده شویم تا بتوانیم تبدیل به مبارزان صادق حزب و خلق گردیده، رفیق و شاگرد لایق صدر هوشی مین باشیم. باشد که تمام خلق ما، تمام جوانان ما از نمونه وی سرمشق گرفته و خود را به سطح بالاتری ارتقا داده تا بدین‌وسیله به انسانی نوین حاکم بر سرنوشت کشور خویش و جامعه‌ای نوین شویم، انسانی که پرچم شکست‌ناپذیر صدر هوشی مین را تا کسب هدف نهایی بر زمین نهد.

در ۲۳ سپتامبر ۱۹۶۹ مجلس شورای خلق (دوره قانون گذاری سوم- نشست

پنجم) جلسه یادبود صدر هوشی مین را برگزار کرده و به اتفاق آراء رفیق تون دوک تانگ (Ton Duc Thang) و نگوین لونگ بانگ (Nguyen Luong Bang) را به سمت های رییس جمهور و معاون رییس جمهور، جمهوری دموکراتیک ویتنام انتخاب نمود.

سراسر حزب، ارتش و خلق ما مصمم اند که حفظ و ادامه سنت های چهل سال مبارزه و قهرمانی حزب خود، سرمشق گرفتن از نظرات، روحیه و سبک کار صدر هوشی مین که دارای حد اعلای همت و غیرت میهن پرستی بوده خصایل خود را رشد داده با غلبه بر ضعف ها و کمبودها مبارزه میهن پرستانه را علیه تجاوز امریکا و همچنین برای انقلاب سوسیالیستی، به پیروزی نهایی رسانند.



۳۰ اپریل ۱۹۷۵ پایان جنگ ۱۶ ساله امریکا در ویتنام بود که ارتش امریکا با سرافکنندگی مجبور به عقب نشینی شد. تصویر بالا که فرار کارمندان سی.آی.ای از سایگون را نشان می دهد از مشهورترین صحنه های جنگ ویتنام است که به نماد شکست مفتضح امریکا بدل گشت.

جمع‌بندی

در ۳ فوروری ۱۹۷۰ چهل سال از عمر حزب ما می‌گذرد. در طی چهل سال گذشته تغییرات عظیمی در تمام دنیا و کشور ما انجام گرفته است. حزب و خلق ما با سرعت عظیمی نیرومند شده است. تا بیست سال قبل خلق ما در زیر یوغ امپریالیزم و فیودال‌ها زندگی بس مشقت‌باری را می‌گذرانید.

پریزیدنت هوشی مین گفت: "با اشغال ویتنام به وسیله امپریالیست‌های فرانسوی کشور ما تبدیل به یک مستعمره و خلق ما برده بی‌وطن شده بود. سرزمین کشور ما در زیر چکمه‌های دشمنی خونین لگدمال می‌شد. قبل از تاسیس حزب ما سرنوشتی غم‌انگیز بر کشور ما حکمفرما بود و چنین به نظر می‌آمد که هیچگونه راه خروجی از آن وجود ندارد."^[۱۵] حزب ما و در راس آن رفیق عزیز و محبوب هوشی مین به طبقه کارگر و تمام خلق ما راهی پرافتخار و پرجوش و خروش نشان داد؛ حزب ما رهبر پا برجای مبارزه انقلابی قهرمانانه و دشوار خلق ما و تنها سازماندهنده همه پیروزی‌های انقلاب در کشور ما می‌باشد. اینها بدان دلیل است که حزب ما توانست به نکات اساسی زیرین تحقق بخشد:

[۱۵] سخنرانی به مناسبت سی‌امین سالگرد تاسیس حزب.

۱- حزب ما همواره و بطور قاطع نماینده مواضع طبقه کارگر بوده، نسبت به خواست‌های طبقه کارگر و ملت عمیقا وفادار مانده، توانست مارکسیزم-لنینیسم را بطور خلاق در شرایط مشخص کشور ما بکار بندد و از این طریق مشی و سیاستی راستین اتخاذ نموده و انقلاب ویتنام را از پیروزی‌ای به پیروزی دیگر سوق دهد.

۲- حزب ما به طور وقفه‌ناپذیر علیه گرایش‌های رفرمیستی بورژوازی و گرایش‌های ماجراجویانه خرده‌بورژوازی در جنبش ملی مبارزه نمود. حزب ما همچنین علیه انحرافات "چپ" ترسکیست‌ها در جنبش کارگری علیه جریان‌های راست و "چپ" در حزب در هر زمانی مبارزه نمود. مشی و سیاست حزب بازتاب خواست‌های اساسی توده‌های وسیع خلق بوده و از پشتیبانی آنها کاملاً برخوردار است. از این جهت بود که حزب توانست رهبری انقلاب را در سرتاسر کشور به دست گیرد و تمام تلاش‌های بورژوازی برای غصب رهبری را عقیم گذارد.

۳- مارکسیزم-لنینیسم به حزب ما امکان فهم این مطلب را داد که در یک کشور فلاحتی مثل کشور ما دهقانان نه فقط در انقلاب دموکراتیک-ملی توده‌ای، بلکه همچنین در انقلاب سوسیالیستی هم نیروی انقلابی قابل توجهی را تشکیل می‌دهند. دهقانان مشترکاً با کارگران نیروی عمده انقلاب را تشکیل می‌دهند. در طی مراحل مختلف جنبش انقلابی حزب ما مسئله دهقانان را به طور همه‌جانبه‌ای بررسی و بطور صحیح حل نمود و حلقه اتحاد کارگران و دهقانان را به طور وقفه‌ناپذیر محکم نمود. پراتیک انقلابی حزب ما ثابت نمود که "فقط بلوک کارگران و دهقانان تحت رهبری طبقه کارگر قادر است نیروهای ضد انقلاب را به طور قطعی و کامل سرنگون نموده، حکومت توده زحمتکشان را

مستقر و مستحکم نموده، وظایف تاریخی انقلاب دموکراتیک- ملی را انجام داده و آنرا در جهت انقلاب سوسیالیستی ادامه دهد.^[۱۶]

۴- حزب ما در هر مرحله از انقلاب توانست نیروهای میهن پرست و مترقی را در یک جبهه متحد ملی وسیع که بر اساس اتحاد بین کارگران و دهقانان استوار بوده و تحت رهبری وی قرار داشت، متحد نماید. و از این طریق وحدت عمل آنها را برای مبارزه علیه دشمن مشترک، امپریالیزم و دست‌نشانگان وی و تحقق بخشیدن به برنامه جبهه را امکان‌پذیر می‌نمود. در پروسه تشکیل و تحکیم جبهه آزادی‌بخش ملی حزب ما لاینقطع مبارزه دوگانه‌ای را انجام داد. علیه گرایش سکتاریستی و کوتاه‌نظرانه‌ای که به ضرورت گردآوردن نیروهای هرچه بیشتر، تا آنجا که امکان دارد کم بها می‌داد و علیه گرایشی که خواهان اتحاد بدون اصول در جبهه بوده و هرگونه مبارزه‌ای را نفی می‌نمود. این گرایش می‌کوشید نقش رهبری‌کننده حزب و نقش کارگران و دهقانان- یعنی اساس جبهه متحد- ملی را پایین آورد.

۵- در مبارزه علیه دشمن طبقاتی و دشمن خلق حزب ما برای مقاومت در برابر قهر ضدانقلابی به سلاح قهر انقلابی متوسل شد. حزب ما توده‌های وسیع خلق را برای قیام و جنگ انقلابی تجهیز نمود: تا اینکه قدرت توده‌ای را احراز نموده و آنرا حفظ نماید. حزب در هر مرحله به اوضاع مشخص کشور تکیه می‌نمود تا اینکه مشخص‌ترین اشکال در مبارزه انقلابی را تعیین نماید، از این طریق حزب مبارزه سیاسی و نظامی را به طرز ماهرانه‌ای باهم درآمیخت تا اینکه دشمن را

[۱۶] هوشی مین: انقلاب کبیر اکتوبر راه رهایی خلق‌ها را نشان داد.

سرنگون نموده و به پیروزی نایل آید. حزب به دسته بندی (واحدهای منظم، واحدهای محلی و واحدهای پارتیزانی یا دفاع از خود) در ارتش مسلح آزادی بخش توده‌ای توجه خاصی مبذول می‌داشت. نیروهای جنگنده مسلح و همچنین نیروهای سیاسی توده‌ها (یعنی - سازمان‌های سیاسی در درون جبهه متحد ملی) رابطه فشرده‌ای بین مبارزه سیاسی و مبارزه نظامی، برای سرنگونی هرگونه دشمنی به وجود آوردند.

۶- بعد از اینکه خلق ما یکبار قدرت را کسب نمود، حزب ما همواره برای استحکام و تقویت آن کوشید. حزب از یکسو می‌کوشید ضد انقلاب را سرکوب کرده، نظم و امنیت را برقرار نموده، توده‌ها را برای مقاومت در برابر تجاوز خارجی تجهیز و سازماندهی نموده و به استقلال و وحدت ملی تحقق بخشید، از سوی دیگر می‌کوشید تا به حقوق دموکراتیک خلق تکامل بخشیده، توده‌ها را برای ساختمان زندگی نوین، رشد اقتصادی و فرهنگی با روحیه‌ای سرشار از میهن‌پرستی آماده و تجهیز نماید. همچنین مدام برای بهبود شرایط زندگی خلق می‌کوشید.

حزب بر این نظر است که این قدرت باید دیکتاتوری دموکراتیک خلق باشد که وظایف تاریخی دیکتاتوری کارگران و دهقان در مرحله انقلاب دموکراتیک - ملی توده‌ای و همچنین وظایف تاریخی دیکتاتوری پرولتاریا در مرحله گذار به سوسیالیسم و کمونیسم را انجام می‌دهد.

۷- انقلاب ویتنام بخش تفکیک‌ناپذیری از انقلاب جهانی می‌باشد، پیروزی آن بدون کمک فداکارانه کشورهای سوسیالیستی برادر، بدون کمک‌های جنبش کمونیستی کارگری بین‌المللی و بدون کمک‌های جنبش برای آزادی، صلح و

دموکراسی در جهان، قابل تصور نبود. بنابر دلایل بالا حزب ما بطور خستگی‌ناپذیر برای تقویت همبستگی بین‌المللی می‌کوشید.

در واقع از آن جهت که حزب ما بر پیوند بین جنبش انقلابی در کشور و جنبش انقلابی طبقه کارگر در جهان و بالاخره جنبش انقلابی طبقه کارگر در کشورهای امپریالیستی در حال حمله به ویتنام و جنبش آزادی‌بخش خلق‌های ستم‌کش آگاهی داشت و نیز از آن جهت که توانست متحدین بی‌شماری کسب نماید که نیرو و جسارت نوینی برای احراز پیروزی بدو بخشیدند، سهم سزاواری در جنبش انقلابی جهانی ادا نمود.

بطور خلاصه: تاریخ چهل سال فعالیت حزب ما، حزب رفیق هوشی مین، تاریخ درخشانی است مملو از فداکاری و سلحشوری، این تاریخچه؛ تاریخ فعالیت پیش‌آهنگ و ستاد جنگی طبقه کارگر ویتنام می‌باشد که خلق ما را در مبارزه علیه جاپانی‌ها و حکومت دست‌نشانده طرفدار جاپان رهبری نموده، انقلاب ماه اگست را پیروزمندانه به پیش برده و جمهوری دموکراتیک ویتنام - اولین دولت دموکراتیک توده‌ای در جنوب شرقی آسیا - را به پا ساخت، جنگ مقاومت طولانی را علیه استعمارگران فرانسوی رهبری و آنرا پیروزمندانه به سرمنزل مقصود رسانید، انقلاب دموکراتیک - ملی توده‌ای را در شمال انجام داد و آنرا به انقلاب سوسیالیستی منتهی گردانید و در زمان کنونی تمام خلق ما را در مبارزه میهن‌پرستانه علیه تجاوز امریکا به خاطر آزادی جنوب، دفاع از شمال و متحد نمودن مسالمت‌آمیز دوباره کشور رهبری می‌نماید.

بسیار بودند کمونیست‌ها و میهن‌پرستانی که به پیشواز مرگ رفتند تا اینکه میهن پدری آزاد بماند. مبارزان بی‌شماری جان خود را در راه اهداف مقدس حزب فدا

نمودند. هر مبارزی که از پای می‌افتاد مبارز دیگر جای وی را می‌گرفت. هموطنان ما موج به موج حمله می‌نمودند، مخاطرات و موانع را به جان می‌خریدند، تا اینکه ویتنام امروزی را برپا دارند.

این راهی است که ما طی کردیم. اما راهی که هنوز پیش پای ماست پر از موانع می‌باشد. وظایف سنگین و دشواری در انتظار ماست. حزب ما باید خلق را بازهم در مبارزه به خاطر پیروزی نهایی بر متجاوزین امپریالیزم امریکا، این ژاندارم بین‌المللی، این دشمن مشترک خلق ویتنام و تمام بشریت، را رهبری نماید. همچنین حزب ما باید طبقه کارگر و خلق ویتنام را در راه ساختمان سوسیالیزم در یک کشور زراعتی و عقب‌مانده، بدون گذار از مرحله تکامل سرمایه‌داری، رهبری نماید. حزب ما بر این اساس تمام خلق را در ساختمان ویتنامی صلح‌جو، متحد، مستقل؛ دموکراتیک و شکوفان هدایت می‌نماید.

بگذار تمام مبارزان، تمام نیروهای جنگنده مسلح ما و مجموع خلق صفوف سرشار از اعتماد و افتخار خود را بازهم فشرده‌تر متحد نمایند.

بگذار قهرمانی انقلابی و سنن برجسته ملی ما بازهم بشکفد.

بگذار از تمام آزمایشات سر بلند بیرون آییم، همه چیز را فدا کنیم و مصمصانه به مشی و سیاست راستین حزب تحقق بخشیم و پرچم ظفرنگون صدر هوشی مین را تا پیروزی نهایی برافراشته نگهداریم.

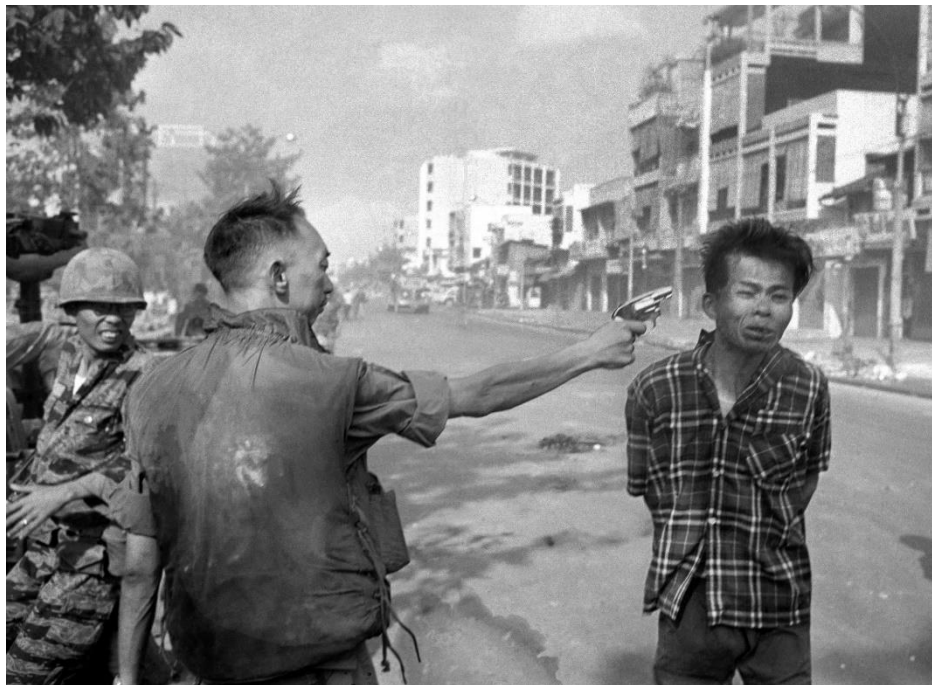
پایان



به تعقیب شکست مفتضحانه امریکا، به تاریخ ۳۰ اپریل ۱۹۷۵، نیروهای کمونیست وارد سایگون شدند. حکومت پوшالی جنوب فرو ریخته اتحاد ویتنام شمالی و جنوبی تحقق یافت.



جنرال وو نگوین جیپ، از نزدیکترین یاران هوشی مین، قهرمان اسطوره‌ای و مغز متفکر نظامی ویتنام بود که جنگ‌های چریکی علیه فرانسه، جاپان و امریکا را رهبری نموده به پیروزی رسانید.



عکس بالا که جنایات امریکا و مزدورانش در ویتنام جنوبی را به جهانیان برملا ساخت، از سال ۱۹۶۸ است که «نگوک لوآن» رئیس پلیس مزدور سایگون را در حال اعدام بدون محاکمه یک ویتنامی به جرم کمک به نیروهای کمونیست به نمایش می‌گذارد.



نگوین تی زوان زن سربازی که با نام قهرمان زن ارتش شمال ویتنام شهرت پیدا کرد. (گوانگ فوک، ۱۹۶۹).



امریکاییان تجهیزات اضافی کشتی‌های جنگی را به بحر پرتاب می‌کنند تا جای کافی برای فرار کارمندان شان از ویتنام مهیا سازند. فرار نلتبار امریکا از ویتنام بزرگترین شکست نظامی در تاریخ امریکا بود که در نتیجه ۵۸ هزار کشته داد.



مردم و نیروهای
مترقی امریکا
بزرگترین جنبش
ضدجنگ را راه
انداخته در کنار
مردم ویتنام قرار
گرفتند.



امریکایی‌ها بیش از ۸ میلیون تن بمب (بیشتر از مجموع بمب‌هایی که در طول جنگ دوم جهانی به کار رفت) بر سر مردم ویتنام ریختند و به این بسنده نکرده با استفاده از میلیون‌ها لیتر ماده کیمیاوی موسوم به "عامل نارنجی" باعث کشته شدن بیش از سه میلیون ویتنامی گردیدند. اما نیم میلیون نیروی امریکایی و بزرگترین جنایات نتوانست روحیه کمونیست‌های مصمم را درهم شکند.



هوشی مین با مائوتسه‌دون رهبر بزرگ خلق چین



در ۱۵ اکتوبر ۱۹۶۴ کارگر انقلابی نگوین وان تروی، میدان اعدام خود را تبدیل به محکمه انقلابی نموده با شعار «مرگ بر نگوین خان و زنده باد هوشی مین!» متجاوزین و دست‌نشانندگان شان را زبون ساخت.

زنده باد
حزب زحمتکشان
ویتنام!



برای دریافت نشرات ما

به وبسایت «انتشارات محسن» مراجعه کنید:

mohsinpubs.blogspot.com